

اقدام اجتماعی

مجموعه‌ای از منتخبات نصوص مبارکه حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء و توقیعات حضرت ولی‌امرالله و دستخط‌های بیت العدل اعظم

تهیه شده توسط دایره مطالعه نصوص و الواح

اوت ۲۰۲۰

ترجمه دستخط‌های صادره به زبان انگلیسی
توسط هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی انجام شده است

* * *

* * *

مفاهیم و اصول اساسی
مفهوم توسعه اجتماعی و اقتصادی در تعالیم الهی
بلوغ جمعی و مدنیّتی پیشرو
وحدت و عدالت
نقش دانش
ماهیت توسعه اجتماعی و اقتصادی بهائی
انسجام بین ابعاد مادی و روحانی عالم هستی
قابلیت‌سازی، مشارکت و رشد ارگانیک
شروع اقدام اجتماعی
ترقی و توسعه جامعه و حرکت جمعیت‌ها
روش‌ها و رویکردها
یادگیری و اقدام سیستماتیک
مشورت و هم‌کاری
استفاده از منابع مادی
گزیده‌ای از مطالب مربوط به توسعه اجتماعی و اقتصادی
تعلیم و تربیت
کشاورزی و زراعت

امور اقتصادی

بهداشت

هنر، رسانه‌ها و فناوری

* * *

مفاهیم و اصول اساسی

مفهوم توسعه اجتماعی و اقتصادی در تعالیم الهی

عَمِّرُوا دِيَارَ اللَّهِ وَ بِلَادَهُ ثُمَّ اذْكُرُوهُ فِيهَا بِتَرْتِمَاتِ الْمُقَرَّبِينَ اِنَّمَا تَعْمُرُ الْقُلُوبَ بِاللِّسَانِ كَمَا تَعْمُرُ الْبُيُوتَ وَ الدِّيَارَ بِالْيَدِ وَ اسباب آخر قد قدرنا لكلّ شيء سبباً من عندنا تَمَسُّكُوا بِهِ وَ تَوَكَّلُوا عَلَى الْحَكِيمِ الْخَبِيرِ.

[۱] (حضرت بهاءالله، کتاب اقدس، بند ۱۶۰)

... با اینکه مقصود از هر ظهور ظهور تغییر و تبدیل است در ارکان عالم سرّاً و جهرّاً ظاهراً و باطناً.

[۲] (حضرت بهاءالله، کتاب ایتقان)

... آنچه از قلم اعلی جاری شده سبب علوّ و سموّ و تربیت جمیع اهل عالم بوده و هست و از برای جمیع امراض دریاق اعظم است لو هم یفقهون و یشعرون.

[۳] (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی)

یا حزب الله بشنوید آنچه را که اصغاء آن سبب آزادی و آسودگی و راحت و علوّ و سموّ کلّ است.

[۴] (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی)

مظلوم در جمیع ایّام من غیر ستر و حجاب امام وجوه اهل عالم نطق فرمود آنچه را که مفتاح است از برای ابواب علوم و فنون و دانش و آسایش و ثروت و غنا.

[۵] (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی)

نمّو عالم و تربیت امم و اطمینان عباد و راحت من فی البلاد از اصول و احکام الهی اوست سبب اعظم از برای این عطیّه کبری کأس زندگانی بخشید و حیات باقیه عطا فرماید و نعمت سرمدیّه مبذول دارد.

[۶] (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی)

حقّ شاهد و ذرّات کائنات گواه که آنچه سبب علوّ و سموّ و تربیت و حفظ و تهذیب اهل ارض است ذکر نمودیم و از قلم اعلی در زیر و الواح نازل.

[۷] (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی)

امروز انسان کسی است که بخدمت جمیع من علی الأرض قیام نماید حضرت موجود میفرماید طوبی لمن أصبح قائماً علی خدمة الأمم.

[۸] (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی)

یسأل الخادم همّة من کلّ ذی همّة ليقوم علی اصلاح البلاد و احياء الأموات بماء الحکمة و البیان حبّاً لله الفرد الواحد العزيز المثنان.

[۹] (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی)

هر روز را رازی است و هر سر را آوازی درد امروز را درمانی و فردا را درمان دیگر امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید. (سرپرده یگانگی، پاسخ‌های حضرت بهاءالله به مانکچی صاحب و چند اثر دیگر، شماره ۱۰۴)

اولیای الهی در جمیع احوال باید بآنچه سبب تهذیب نفوس و ارتقاء وجود و ارتفاع کلمه الله است مشغول باشند و ظهور آن منوط و معلق است بمشورت اُمّای بیت عدل طوبی از برای نفوسیکه همّت بر خدمت عالم نموده‌اند آثار آن نفوس عالم را از زحمت براح و از فقر بغنا و از ذلت بعزّت رساند.

[۱۱] (از الواح حضرت بهاءالله)

بعد از ورود باید وكالة من انفس العباد در امور و مصالح کلّ تکلم نمایند ... هم‌چنین در آداب نفوس و حفظ ناموس و تعمیر بلاد و السیاسة التي جعلها الله اساً للبلاد و حرزاً للعباد ملاحظه کنند.

[۱۲] (از الواح حضرت بهاءالله)

پروردگار چشم عنایت فرموده که در آفاق بنگریم و آنچه وسیله تمدّن و انسانیّت است بآن تشبّث نمائیم و گوش احسان شده تا کلمات حکمیّه عقلا و دانایان را استماع نموده و پند گرفته کمر همّت باجرای مقتضیات آن بر بندیم حواس و قوای باطنیه اعطا گشته که در امور خیریه جمعیت بشریت صرف نمائیم و بعقل دورین بین اجناس و انواع موجودات ممتاز شده دائماً مستمراً در امور کلیّه و جزئیّه و مهمّه و عادیّه مشغول گردیم تا جمیع در حصن حصین دانائی محفوظ و مصون باشیم و در کلّ احیان بجهت سعادت بشریه اساس جدیدی تأسیس و صنع بدیعی ایجاد و ترویج نمائیم چه قدر انسان شریف و عزیز است اگر بآنچه باید و شاید قیام نماید و چه قدر رذیل و ذلیل است اگر از منفعت جمهور چشم پوشیده در فکر منافع ذاتیه و اغراض شخصیّه خود عمر گرانبایه را بگذراند اعظم سعادت سعادت انسانیّه و اوست مدرک حقایق آیات آفاقیّه و انفسیه اگر سمند همّت بی‌همتا را در میدان عدل و تمدّن جولان دهد.

[۱۳] (حضرت عبدالبهاء، رساله مدنیّه)

در معموریت و آبادی و مدنیّت و تحصیل معرفت و تزئید تجارت و ترقّی زراعت و تحسین صناعت و ترقّیات عصریه از هر قبیل کوشش نمائید.

[۱۴] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

احبّای الهی را همواره دلالت و وصیّت نمائید که جمیع شب و روز بآنچه سبب عزّت ابدیه ایرانست پردازند و در تحسین اخلاق و آداب و بذل همّت و مقاصد ارجمند و الفت و محبّت و ترقّی و اتّساع صناعت و زراعت و تجارت سعی

بلیغ و جهد عظیم مبذول دارند.

[۱۵]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

احبّا باید بآبادی ایران پردازند یعنی در زراعت و صناعت و تجارت و معارف و علوم بکوشند.

[۱۶]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

حال بشکرانه این تأیید و توفیق و صیانت و عنایت ربّ مجید باید احبّای الهی بکمال حکمت در تحکیم دعائم امر الله و تأسیس و ترویج شریعت الله و نشر نفحات الله و اعلاء کلمه الله و ترقّی نفوس در جمیع مراتب وجود و تربیت اطفال و تعلیم فنون نافع بنورسیدگان و تدرّج در مدارج مدنیّت و تکثیر صنائع وطنیه و ترویج تجارت و تحسین زراعت و تعمیم معارف و تعلیم نساء و تکریم ورقات و رعایت امّاء الرّحمن و الفت و اتّحاد احبّا و خدمت حکومت و صداقت بسریر سلطنت و خیرخواهی عموم و اطاعت پادشاه غیور بجان و دل بکوشند.

[۱۷]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

موضوع تبلیغ، جهت آن، طرق و تمهیدات آن، گسترش آن، و تحکیم آن، هرچند امری اساسی برای مصالح امر الله است ولی به هیچ وجه تنها مسئله‌ای نیست که باید مورد توجّه کامل این محافل قرار گیرد. مطالعه دقیق الواح حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء وظایف دیگری را نیز که به همان اندازه دارای اهمّیت است و بر عهده امنای منتخب یاران هر محل محوّل گشته معلوم خواهد کرد....

محافل باید منتهای سعی خود را در دست‌گیری از فقرا، مرضی، عجزا، ایام و ارامل، بدون توجّه به رنگ پوست، طبقه و عقیده معمول دارند.

محافل باید با استفاده از تمام وسایلی که در اختیار دارند به ترقّی مادّی و معنوی جوانان همّت گمارند، در توسعه تعلیم و تربیت اطفال بکوشند و در صورت امکان به تأسیس معاهد آموزشی بهائی اقدام نموده بر کار آنها نظارت، و بهترین وسایل را برای پیشرفت و توسعه آنها فراهم نمایند....

محافل باید انعقاد احتفالات منظم احبّا، ضیافات و ایام متبرّکه و نیز تشکیل جلسات مخصوص به جهت خدمت و ترویج مصالح اجتماعی، فکری و روحانی هم‌نوعان خویش را عهده‌دار گردند.

[۱۸]

(ترجمه‌ای از توقیع مورّخ ۱۲ مارس ۱۹۲۳ حضرت شوقی افندی)

حضرت بهاءالله از بدایت رسالت عظیم خویش توجّه ملل عالم را مؤکداً به ضرورت انتظام امور عالم بشری در جهت ایجاد جهانی متحد و متّفق در جمیع شئون اساسی حیات خود جلب فرمودند. آن حضرت در آیات و الواح بی‌شمار مکرراً و به انحای گوناگون اعلام فرمودند که ”نموّ عالم و تربیت امم“ از جمله فرامین الهیه برای این یوم افخم است. وحدت عالم انسانی که اصل عامل و در عین حال هدف غایی این ظهور اعظم الهی است مستلزم برقراری انسجامی پویا بین نیازهای روحانی و عملی زندگی بر روی کره زمین می‌باشد. لزوم قطعی این انسجام در حکم نازله از قلم اعلی در باره تأسیس مشرق‌الاذکار — مرکز روحانی هر جامعه بهائی که در اطراف آن ملحقاتی برای پیشرفت اجتماعی، بشردوستانه، آموزشی و علمی نوع انسان باید شکوفا گردد — به طور واضح بیان شده است. بنا بر این به سهولت می‌توان مشاهده نمود که اگرچه تا کنون توجّه خاصّ به

فَعَالِيَّت‌های مربوط به توسعه به طور کلی برای مؤسّسات بهائی عملی نبوده امّا مفهوم توسعه اجتماعی و اقتصادی در تعلیم مقدّسه امر مبارک مندمج و مندرج است. مولای محبوب حضرت مولی‌الوری با اقوال و اعمال آموزنده و روشنگر خود، مثلاً اعلامی برای پیاده کردن این مفهوم در بازسازی اجتماع ارائه فرمودند. ملاحظه نمایید که فی‌المثل احبّای ایران تحت هدایت پرعطوفت آن حضرت و متعاقباً با تشویق‌های مستمرّ حضرت ولیّ‌امرالّله به چه پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی نائل گردیدند.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۰ اکتبر ۱۹۸۳ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) [۱۹]

حضرت عبدالبهاء از ”دو ندای فلاح و نجات“ که ”از اوج سعادت عالم انسانی“ بلند است یاد فرموده‌اند. یکی ندای ”مدنیّت و ترقّیات عالم طبیعت است“ که شامل ”قوانین“، ”نظامات“، ”علوم و معارف“ است که بر اثر آن عالم انسانی ترقّی می‌کند. ندای دیگر ”ندای جان‌فزای الهیست“ که سعادت ابدی عالم انسانی منوط به آن است. حضرت عبدالبهاء در مورد این ”ندای دیگر“ اشاره می‌فرمایند که ”اسّ اساس آن تعلیم و وصایای ربّانی و نصایح و انجذابات وجدانیست که تعلق به عالم اخلاق دارد و مانند سراج مشکاة و زجاج حقایق انسانیّه را روشن و منور فرماید و قوّه نافذه‌اش کلمه الله است.“ همچنان که در محدوده جغرافیایی خود به مساعی خویش ادامه می‌دهید، بیش از پیش به مشارکت در حیات جامعه اطراف خود جلب خواهید شد و با این چالش روبرو خواهید گشت که فرایند یادگیری سیستماتیک را که به آن مشغول هستید توسعه دهید تا دامنه وسیع‌تری از مجهودات انسانی را در بر گیرد. لازم خواهد بود که در روی‌کردهای خود، در روش‌هایی که به کار می‌برید و در تدابیری که اتخاذ می‌کنید به همان درجه از انسجام که از مشخصّات الگوی رشد کنونی جامعه است، دست یابید.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۰۸ (۱۶۵ بدیع) بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) [۲۰]

واژه ”سیاست“ معانی وسیعی را در بر می‌گیرد و در نتیجه بسیار مهم است که بین فعّالیّت‌های سیاسی حزبی و گفتمان‌ها و اقداماتی که هدف آنها کمک به تحولات سازنده اجتماعی است تفاوت قائل شد. در حالی که فعّالیّت‌های سیاسی حزبی نهی گردیده، شرکت در گفتمان‌های سازنده امر شده است. در حقیقت تقلیب اجتماع یکی از اهداف اصلی جامعه بهائی است. رساله مدنیّه حضرت عبدالبهاء تعهد دیانت بهائی به پیشبرد تحوّل اجتماعی بدون دخالت در سیاست حزبی را به خوبی نشان می‌دهد. به همین نحو متون بی‌شماری از آثار بهائی احبّا را به کوشش در جهت اصلاح عالم و آسایش امم تشویق می‌نمایند. حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند: ”امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید.“ حضرت عبدالبهاء به احبّا مؤکداً توصیه می‌فرمایند که ”در کلیّه فضایل عالم انسانی، در درستی و صداقت، در عدالت و وفاداری، در ثبوت و رسوخ، در اعمال بشردوستانه و خدمت به عالم انسانی، در محبّت به فرد فرد نوع انسان، در اتّحاد و اتّفاق با جمیع ملل، در ترک تعصّبات و ترویج صلح عمومی ممتاز باشند.“ علاوه بر آن، حضرت ولیّ‌امرالّله در نامه‌ای که از جانب ایشان نوشته شده می‌فرمایند که ”هرچند احبّا باید مراقب باشند که از انتساب خود و یا امر الهی به هر حزب سیاسی بالکل احتراز نمایند، امّا هم‌چنین نباید جانب افراط گیرند و مثلاً با سایر گروه‌های پیشرو در کنفرانس‌ها و کمیته‌هایی که به منظور ترویج اقداماتی کاملاً هم‌سو با تعلیم دیانت بهائی تشکیل می‌شود هرگز شرکت نکنند.“ در نامه دیگری از جانب حضرت ولیّ‌امرالّله که در سال ۱۹۴۸ میلادی نوشته شده — زمانی که تبعیض نژادی جزئی از قوانین بسیاری از ایالت‌های متّحده امریکا بود — ایشان خاطرنشان می‌سازند که ”شرکت دانشجویان در تظاهرات دانشگاهی بر علیه تعصّبات نژادی، موضوعی که به وضوح این چنین با روح تعلیم بهائی همانندی دارد، کاملاً بلامانع است.“ بنا بر این بهائیان باید به نحوی خستگی‌ناپذیر، قولاً و عملاً به طیفی از مسائل مختلف اجتماعی بپردازند.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۳ دسامبر ۲۰۰۸ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) [۲۱]

بلوغ جمعی و مدنیتی پیشرو

جميع از برای اصلاح عالم خلق شده‌اند.

[۲۲]

(منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، شماره ۱۰۹)

انسان از برای اصلاح عالم آمده باید لوجه الله بخدمت برادران خود قیام نماید.

[۲۳]

(حضرت بهاء‌الله، سرپرده یگانگی، شماره ۲۰۴۲)

و شرافت و مفخرت انسان در آن است که بین ملأ امکان منشأ خیری گردد در عالم وجود آیا نعمتی اعظم از آن متصور است که انسان چون در خود نگرد مشاهده کند که بتوفیقات الهیه سبب آسایش و راحت و سعادت و منفعت هیئت بشریه است لا والله بلکه لذت و سعادت اتم و اکبر از این نه.

[۲۴]

(حضرت عبدالبهاء، رساله مدتیّه)

ای سمی سید حضور بحر الطاف بی‌پایان چنان موجی باوج زد که سواحل کائنات از فیض نامتناهی سیراب شد لهذا در عالم ایجاد حرکت و جنبشی عجیب حاصل گشت و برکت و انتعاشی عظیم ظهور یافت عقول صعود نمود و ادراک شدید گشت حرکات سریع گردید و ترقی در جمیع مراتب بنهایت قوت جلوه نمود اینست که اکتشافات عظیمه گشت و مشروعات جلیله تأسیس یافت و صنایع بدیعه جلوه نمود و اسرار کائنات از حیز غیب بعرضه شهود ظاهر و هویدا گشت پس باید جمیع یاران همی نمایان آشکار و عیان کنند تا ایجاد صنعتی جدید فرمایند یا اکتشاف فنی بدیع کنند یا بمشروعی عظیم پردازند یا قوت و موهبتی در عالم انسانی بنمایند از خدا خواهم که در جمیع موارد موفق و مؤید باشی و علیک البهاء الابهی.

[۲۵]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

همه مخلوقات هر یک رتبه و مرحله بلوغ و کمال خود را دارند. دوران کمال حیات یک شجر زمانی است که ثمرش ظاهر گردد. کمال یک نبات زمان شکفتن غنچه و گل او است. حیوان به مرحله رشد کامل و کمال خود می‌رسد و در عالم انسانی، فرد وقتی به کمال و بلوغ خود نائل می‌شود که انوار هوش و عقلش به اعلی درجات رسد....

به همین نحو دوران و مراحل در حیات جمعی نوع انسان موجود است زمانی رتبه کودکی خود و زمانی دوران جوانیش را طی می‌کرد ولی اکنون به دوره بلوغ مقدر خود وارد گشته و شواهد آن در همه جا ظاهر و مشهود است. بنا بر این نیازها و شرایط ادوار گذشته تغییر یافته و به ضروریاتی تبدیل گشته که از خصایص عصر حاضر نوع بشر است. آنچه متناسب با احتیاجات انسان در دوران تاریخ اولیه نوع بشر بود قادر به تأمین و ارضای خواسته‌های امروز و دوران تجدید و کمال نیست. بشریت مراحل سابق محدودیت‌ها و تعلیمات مقدّماتی خود را پشت سر گذاشته است. امروز انسان باید از خصایل و قوای جدید، از اخلاقیات بدیع و از قابلیت‌های نوین سرشار گردد. برکات و مواهب و کمالات جدیدی در انتظار اوست و هم‌اکنون نیز شامل حالش گشته است. عطایا و عنایات دوران جوانی گرچه به موقع و برای حوایج دوره شباب عالم انسانی کافی بود ولی حال قادر به تأمین نیازهای دوران بلوغش نیست.

[۲۶]

(ترجمه‌ای از خطابات حضرت عبدالبهاء که اصل آن به فارسی موجود نیست)

حضرت بهاءالله بنفسه المقدس شهادت می دهند "الیوم مقامات عنایات الهی مستور است چه که عرصه وجود استعداد ظهور آن را نداشته و ندارد و لکن سوف یظهر امرأ من عنده".

ظهور موهبتی این چنین عظیم را دوره ای مملو از آشوب های شدید و بلایای همه جانبه لازم به نظر می رسد. عصری که شاهد آغاز رسالت حضرت بهاءالله بوده است هر چقدر هم درخشان بود ولی مرتباً واضح تر می شود که فاصله زمانی لازم برای اینکه آن عصر اثمار منیع هاش را به بار آورد می باید دورانی مستغرق در چنان ظلمات اخلاقی و اجتماعی باشد که تنها وسیله ای است که می تواند بشریت غافل را برای دریافت میراثی که برایش مقدر گردیده آماده کند.

ما امروز بی وقفه و به طور مقاومت ناپذیری به سوی چنین دوره ای به پیش می رویم. در بحبوحه سایه های تیره و تاری که هر دم گسترده تر می شود لمعات انوار سلطنت آسمانی حضرت بهاءالله را مشاهده می کنیم که گه گاهی در افق تاریخ متجلی می گردد. ما "نسل نیمه روشن" که در زمانی زندگی می کنیم که می توان آن را دوره رشد جنبی جامعه متحد جهانی موعود حضرت بهاءالله نامید، وظیفه سنگینی بر دوش داریم که نه قدر و منزلتش را کما هو حقّه ادراک توانیم کرد و نه قادریم از سختی و ثقلش باخبر باشیم. ما که موظف به تجربه کردن تأثیرات قوای ظلمانی و تیره و تاری گشته ایم که سیل خروشان مصیبت و بلا را در اکناف جهان جاری می کند، باید معتقد باشیم که موعد تاریک ترین ساعتی که باید مقدمه طلوع فجر عصر ذهبی آیین بهائی باشد هنوز نرسیده. هرچند ظلمتی که جهان را فرا گرفته بسیار شدید است اما مصیبات و بلایای فوق التصوری که لاجرم به جهان دردمند خواهد رسید هنوز در بوته تعویق مانده است. ما در آستانه عصری هستیم که اضطرابات و تشنجاتش هم نماینده سكرات موت نظمی کهنه و فرسوده است و هم حاکی از درد تولّد نظمی بدیع، می توان گفت که نطفه این نظم بدیع جهانی در نتیجه تأثیر حیات بخش آیین حضرت بهاءالله منعقد شده است و اینک ما می توانیم جنبش آن جنبین را در رحم این عصر پرتعب احساس کنیم عصری که منتظر است در میقات مقررّ حمل خود را به دنیا آورد و بهترین ثمره خویش را بروز دهد.

[۲۷] (ترجمه ای از توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶ حضرت شوقی افندی)

چون به جهان پیرامون خویش بنگریم ناچار شواهد متعدّد آشوب های عالم گیری را مشاهده می نماییم که در جمیع قارّات و در همه شئون حیات انسانی اعم از دینی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، و در انتظار روزی که اتحاد نوع انسان تحقق و وحدتش استقرار یابد، عالم بشریت را تطهیر و تجدید ساختار می نماید. اما دو فرایند مجرّاً مشاهده می شود که هر یک به طریق خود و با شتابی دائم التزاید نیروهای تقلیب کننده عالم را به اوج می رساند، یکی سازنده و ترکیب دهنده و دیگری مخلّ و تجزیه کننده. فرایند اوّل در سیر تدریجی و مداومش نظمی را به منصّه ظهور می رساند که الگویی برای اداره دنیایی است که جهانی که به نحو غریبی آشفته و بی نظم است امروز به سوی آن مستمراً به پیش می رود، در حالی که فرایند دوم با افزایش اثرات تجزیه کننده و مخربش با شدّتی روزافزون، سدهای کهنه که مانع وصول بشر به هدف مقدّرش است را در هم می شکند. فرایند سازنده به دیانت نوپای حضرت بهاءالله منتسب و مبشّر نظمی جهانی و بدیع است که امر بهائی باید آن را نهایتاً تأسیس نماید و حال آنکه نیروی مخرب که از خصوصیات فرایند دیگر است مربوط به مدنیّت می شود که تن به قبول مقتضیات زمانه نداده و بالتّیجه به هرج و مرج و انحطاط دچار شده است.

[۲۸] (ترجمه ای از توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶ حضرت شوقی افندی)

دوران طولانی طفولیت و صباوت که نوع انسان باید آن را طی می‌نمود به پایان رسیده است. بشریت در حال حاضر هیجان و التهاباتی را تجربه می‌کند که ملازم آشفته‌ترین مرحله تکاملش یعنی مرحله نوجوانی می‌باشد، مرحله‌ای که شتاب‌زدگی جوانی و شدت احساساتش به حد اعلی می‌رسد و باید تدریجاً با آرامش، خردمندی و تکامل که خصیصه بلوغ انسان است جای‌گزین گردد. آن زمان است که نوع بشر به مرحله‌ای از بلوغ خواهد رسید که او را قادر خواهد ساخت تا تمامی قوا و قابلیت‌هایی را کسب کند که ترقی نهایی او وابسته به آنست.

(ترجمه‌ای از توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶ حضرت شوقی افندی) [۲۹]

از اصول مودوعه در این الواح، حیاتی‌ترین آنها اصل وحدت و یگانگی نوع بشر است که به خوبی می‌توان آن را خصیصه بارز ظهور حضرت بهاءالله و محور تعالیم مبارکش دانست.... در این مقام از قلم اعلی چنین نازل ”قد جئنا لاتّحاد من علی الأرض و اتّفاقهم“. و نیز می‌فرمایند ”نور اتّفاق آفاق را روشن و منور سازد“.... در خصوص اتّحاد می‌فرمایند ”این قصد سلطان مقاصد و این امل ملیک آمال“ است و اعلام می‌فرمایند که ”عالم یک وطن محسوب است و من علی الأرض اهل آن“. جمال اقدس ابهی همچنین تأیید می‌فرمایند که وحدت عالم انسانی که آخرین مرحله تکامل جامعه بشری برای وصول به درجه بلوغ می‌باشد، امری حتمی و اجتناب‌ناپذیر است و ”زود است بساط عالم جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد“. همچنین می‌فرمایند ”حال ارض حامله مشهود“ و ”زود است که اثمار منیعه و اشجار باسقه و اوراد محبوبه و نعماء جنیه مشاهده شود“. هیکل مبارک نواقص نظم فعلی را رقت‌آور توصیف فرموده، عدم کفایت وطن‌پرستی برای اداره و انتظام جامعه بشری را واضح و آشکار می‌نماید و محبت عالمیان و خدمت به مصالحش را برانده‌ترین و نیکوترین مقصد مجهودات انسانی محسوب می‌دارند.

(حضرت شوقی افندی، قرن بدیع *God Passes By*) [۳۰]

چشم‌انداز آیین بهائی از سیاست با مفهومی خاص از تاریخ و مسیر آن رابطه‌ای جدایی‌ناپذیر دارد. پیروان حضرت بهاءالله معتقدند که نوع بشر به آغاز مرحله درخشانی در فرایند طولانی تکامل خود رسیده، فرایندی که او را از مرحله طفولیت به آستانه بلوغ یعنی مرحله استقرار یگانگی نوع بشر رسانده است. همانند یک فرد که قبل از ورود به مرحله بلوغ جسمانی، دورانی متغیر اما نویدبخش را می‌گذراند و بسیاری از قوا و استعدادهاى نهفته‌اش آشکار می‌گردد، عالم انسانی نیز اکنون در بحبوحه تحوّل بی‌سابقه قرار گرفته و بسیاری از اغتشاشات و تلاطمات جهان امروز را می‌توان فوران احساسات پر جوش و خروش این مرحله و نشانه آغاز بلوغ نوع انسان دانست. با ظهور و بروز مقتضیات این بلوغ، آداب و رسوم و نگرش‌ها و عادات متداوله قرون و اعصار دیرین یکی پس از دیگری از کارآیی باز می‌ماند.

در تغییر و تحولات کنونی جوانب مختلف زندگی بشری، بهائیان تعامل دو فرایند اساسی را مشاهده می‌نمایند. طبیعت یک فرایند تجزیه و تخریب و طبیعت دیگری ترکیب و سازندگی است. هر یک از این دو به طریقی نوع بشر را به سوی بلوغ کامل خود سوق می‌دهد. اثرات فرایند اول در همه جا آشکار است: در دشواری‌های گریبان‌گیر نهادهایی که در گذشته مورد نهایت احترام بوده‌اند؛ در ناتوانی رهبران عالم از ترمیم شکاف‌های فزاینده‌ای که در ساختارهای اجتماعی به چشم می‌خورند؛ در فروپاشی معیارهایی که طی قرون و اعصار تمایلات ناهنجار بشری را مهار کرده‌اند؛ و در یأس و بی‌تفاوتی نه فقط افراد بلکه اجتماعاتی که تماماً حس هدف‌مندی خود را از دست داده‌اند. اما نیروهای تخریب هرچند ویران‌گرند ولی در عمل سدهایی را که مانع پیشرفت بشر می‌شوند از میان برمی‌دارند و فضایی برای فرایند سازندگی فراهم می‌نمایند تا گروه‌های مختلف را به هم

نزدیک کند و امکانات تازه‌ای را برای هم‌کاری و معاضدت در برابر دیدگان‌شان قرار دهد. بهائیان فرداً و جمعاً البته می‌کوشند تا مساعی خود را با قوای فرایند سازنده هم‌سو نمایند زیرا معتقدند که این فرایند، هر چقدر افق‌های نزدیک تیره و تار باشد، روز به روز قوی‌تر خواهد شد، امور بشری سازمانی کاملاً جدید خواهد یافت و عصر صلح عمومی چهره خواهد گشود.

... الهام‌بخش اقدامات بهائیان برای یافتن مجموعه نوینی از روابط بین این سه اجراکننده [فرد، جامعه و مؤسسات اجتماع]، بینشی از اجتماع آینده است که حضرت بهاءالله قریب یک قرن و نیم پیش در یکی از الواح خود به آن اشاره فرموده عالم بشری را به هیکل انسان تشبیه می‌نماید که هم‌کاری و تعاون اصل حاکم بر نظام آن است. همان گونه که پیدایش قوه عاقله در عالم وجود نتیجه هم‌بستگی و اتحاد پیچیده میلیون‌ها سلول است که با تشکیل بافت‌ها و اعضای مختلف توان‌مندی‌های متمایز را ممکن می‌سازند تکامل تمدن بشری را نیز می‌توان نتیجه مجموعه‌ای از تعاملات بین اجزای منسجم و متنوع نوع انسان دید، انسانی که توانسته است از مقصد کوتاه‌بینانه تمرکز در موجودیت خود فراتر رود. همان طور که زیستایی هر سلول و هر عضو به سلامت تمامی بدن وابسته است به همین ترتیب رفاه هر فرد، هر خانواده و هر ملت را باید در رفاه تمامی نوع بشر جستجو نمود.

[۳۱] (پیام مورخ ۱۲ اسفند ۱۳۹۱ بیت العدل اعظم خطاب به احبای ایران)

وحدت و عدالت

... سراج عباد داد است او را بیادهای مخالف ظلم و اعتساف خاموش نمائید و مقصود از آن ظهور اتحاد است بین عباد...

... از بیگانگی چشم بردارید و به یگانگی ناظر باشید و باسبابی که سبب راحت و آسایش عموم اهل عالم است تمسک جوئید این یک شبر عالم یک وطن و یک مقام است از افتخار که سبب اختلافست بگذرید و بآنچه علت اتفاق است توجه نمائید.

[۳۲] (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی)

حضرت موجود می‌فرماید ای دوستان سرایده یگانگی بلند شد بچشم بیگانگان یک‌دیگر را ببینید همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار انتهی انشاءالله نور انصاف بتابد و عالم را از اعتساف مقدس فرماید اگر ملوک و سلاطین که مظاهر اقتدار حق جلّ جلاله‌اند همّت نمایند و به ما یتنفع به من علی الأرض قیام فرمایند عالم را انوار آفتاب عدل اخذ نماید و منور سازد...

... لیس فی العالم جند اقوی من العدل و العقل براستی می‌گویم جندی در ارض اقوی از عدل و عقل نبوده و نیست ... اگر فی الحقیقه آفتاب عدل از سحاب ظلم فارغ شود ارض غیر ارض مشاهده گردد.

[۳۳] (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی)

از حقّ میطلبیم نور انصاف و آفتاب عدل را از سحاب تیره غفلت نجات بخشد و ظاهر فرماید هیچ نوری بنور عدل معادله نمی‌نماید آنست سبب نظم عالم و راحت اُمم.

[۳۴] (حضرت بهاءالله، لوح ابن دُنب)

و ثانی صفت کمالیه عدل و حقانیت است و آن عدم التفات و التزام منافع ذاتیه و فواید شخصیّه خود و بدون ملاحظه و مراعات جهتی از جهات بین خلق اجراء احکام حق نمودن و نفس خود را چون افراد بندگان غنی مطلق شمردن و جز امتیاز معنوی در امری از امور تفرّد از جمهور نجستن و خیر عموم را خیر خویشستن دانستن خلاصه هیئت جمعیت را بمنزلّه شخص واحد پنداشتن و نفس خود را عضوی از اعضای این هیئت مجسمه انگاشتن و الم و تأثر هر جزئی سبب نالَم کلّ اجزاء هیئت بالبداهه تیقّن نمودنست.

[۳۵]

(حضرت عبدالبهاء، رساله مدتیّه)

ای احبّای الهی بدانید که سعادت عالم انسانی در وحدت و یگانگی نوع بشر است و ترقّیات جسمانی و روحانی هر دو مشروط و منوط بالفت و محبّت عمومی بین افراد انسانی.

[۳۶]

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۲۲۵)

ای خیرخواه عالم انسانی الحمد لله که نیت خیری داشتی و تحصیل معارف نمودی و آرزو چنان داری که بخدمت عالم انسانی پردازی از خدا خواهم در این نیت موفق گردی تا آنچه مکنون ضمیر داری اظهار کنی در عالم آفرینش مقاصد خیریه دو قسم است یک قسم تعلّق بخصوص دارد یعنی باشخاصی مخصوص این مقید است و دائره اش بسیار تنگ و قسمی دیگر که تعلّق بعموم آفرینش دارد آن مطلقست و دائره اش وسیع و هر امری که خیر عمومیت الهیست لهذا اموری که اندکی تعلّق بخیر عموم دارد در بین ملل متمدّنه حصولش ممکن لکن امری که بتمامه تعلّق بخیر عموم دارد آن حکمت الهیست و کلمه ربّانی این قوتیست که عالم وجود را تغییر و تبدیل کلی دهد و قوه موجد است ایجاد نماید و تجدید کند و خلق جدید نماید پس تا توانی همّت در امری مبذول دار که سبب ترقّی عالم انسانی و علوّیت نامتناهی و حیات ابدی شود و علیک التّحیه و الثّناء.

[۳۷]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

نباید اشتباه کرد. اصل وحدت عالم انسانی — محور جمیع تعالیم حضرت بهاءالله — صرفاً فوران نوعی عاطفه گرایی جاهلانه و بیان امیدی مبهم و زاهدانه نیست.... اصل وحدت عالم انسانی فقط ناظر به روابط افراد نیست بلکه در وهله اول توجّهِش به ماهیّت آن روابط ضروریّه ای است که باید تمام دول و ملل را مانند اعضای یک خانواده بشری به هم پیوند دهد. این اصل تنها اعلان یک آرمان نیست بلکه به نحوی جدایی ناپذیر مرتبط با بنیادی است که قادر است حقیقت آن را تجسّم بخشد، صحت و اعتبارش را به اثبات برساند و تأثیر و نفوذش را دوام و بقا دهد. این اصل مستلزم تغییری ارگانیکی در ساختار جامعه کنونی است، تغییری که تاکنون نظیرش در عالم مشاهده نشده است؛ در عین حال مبارزه ای دلیرانه و عمومی با شعارهای کهنه مرام های ملی است، مرام هایی که زمانی قابل قبول بودند و حال باید در جریان طبعی حوادثی که به ید قدرت پروردگار شکل و جهت می گیرد جای خود را به مقصدی جدید بدهند که اساساً متفاوت و بی نهایت برتر از آن است که تا کنون به ذهن بشر خطور کرده است. اصل وحدت عالم انسانی خواهان تجدید ساختار و خلع سلاح تمام جهان متمدّن است نه چیزی کمتر از آن، جهانی زنده و پویا که در جمیع جنبه های اصلی حیاتش — دستگاه سیاسی اش، آمال روحانیش، تجارت و اقتصادش، و خطّ و زبانش — متحد باشد و در عین حال تنوّع بی کران خصایص ملی اجزای هم پیمانش را حفظ کند.

[۳۸]

(ترجمه ای از توقیع مورّخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱ حضرت شوقی افندی)

آنان درک می‌کنند که ماهیت آیین‌شان اصولاً غیر سیاسی و مافوق محدودیت‌های ملی، مطلقاً غیر حزبی، و بالکل برکنار از مطامع و مقاصد و امیال ناشی از ملت‌پرستی است. چنین آیینی هیچ اختلاف طبقاتی و حزبی را قبول نمی‌کند. چنین آیینی هر مصلحت خصوصی، چه شخصی، منطقه‌ای و یا ملی را بدون ابهام و تردید تابع مصالح عالیّه عالم انسانی می‌داند و قویّاً معتقد است که در یک دنیایی که اقوام و ملل به هم متکی و وابسته‌اند، منافع جزء از طریق ترویج منافع کلّ بهتر تأمین می‌گردد و هیچ منفعت پایداری نمی‌تواند نصیب اجزاء شود اگر در منفعت کلّ کوتاهی یا غفلت حاصل گردد.

[۳۹] (ترجمه‌ای از توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶ حضرت شوقی افندی)

اتّحاد نوع بشر ما به الامتیاز مرحله‌ای است که حال اجتماع انسانی به آن نزدیک می‌شود. وحدت خانواده، قبیله، دولت‌شهر و ملت، یکی پس از دیگری با کوشش فراوان کاملاً تحقّق یافته است. حال اتّحاد جهانی هدفی است که بشر پریشان تلاش‌کنان به سویش روان است. دوران ملت‌سازی به پایان رسیده است. هرج و مرج منبعث از حاکمیت ملی به اوج خود نزدیک می‌شود. جهانی که در حال رسیدن به مرحله بلوغ است باید این بُت را بشکند، وحدت و جامعیت روابط نوع انسان را بپذیرد و نهایتاً تشکیلاتی برپا نماید که بتواند این اصل اساسی حیاتش را به بهترین وجه متجسّم سازد.

[۴۰] (ترجمه‌ای از توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶ حضرت شوقی افندی)

ملّی‌گرایی افراطی که با وطن‌پرستی معقول و مشروع کاملاً متفاوت است باید جای خود را به یک وفاداری وسیع‌تر یعنی محبّت به تمامی نوع انسان بدهد. حضرت بهاءالله می‌فرماید: “عالم یک وطن محسوب است و من علی الارض اهل آن.” مفهوم جهان‌وطنی یا شهروندی جهانی نتیجه مستقیم کاهش یافتن کره ارض به یک سرزمین واحد از طریق پیشرفت‌های علمی و وابستگی غیر قابل انکار ملت‌ها به یکدیگر است. محبّت ورزیدن نسبت به تمام مردم دنیا با عشق به میهن مغایرت ندارد. در یک اجتماع جهانی، منافع جزء از طریق ترویج منافع کلّ بهتر تأمین می‌گردد.

[۴۱] (ترجمه‌ای از پیام مورّخ اکتبر ۱۹۸۵ بیت العدل اعظم خطاب به مردم جهان، وعده صلح جهانی)

... نه تنها استعدادها و قابلیت‌های نوع انسان در همه افراد بشر مشترکاً موجود است بلکه مشکلات و مشقّات بشریت نیز نهایتاً بر همگان تأثیر می‌گذارد. چه در بیماری و چه در سلامت، خانواده بشری یک نوع واحد است و وضعیت هر جزئی از آن را نمی‌توان منطقاً جدا از این وحدت نهادینه در نظر گرفت. مساعی رهبران اجتماع در جهتی خلاف این دیدگاه، همانطور که وضعیت کنونی جهان به وضوح کامل نشان می‌دهد، صرفاً بر شدّت مشکلات می‌افزاید.

[۴۲] (ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۷ نوامبر ۲۰۰۱ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

توصیف حضرت شوقی افندی از فرایند تحلیل و تخریب روزافزون جهان حقیقتاً دقیق و نافذ است. بررسی هیکل مبارک از قوای مربوط به فرایند ترکیب و سازندگی نیز به همان نسبت از دقت خارق‌العاده‌ای برخوردار است. هیکل اطهر از “ترویج تدریجی روح اخوّت و اتّحادی که خود به خود از میان آشفتگی‌های جامعه‌ای از هم گسیخته برخاسته”، به عنوان تجلّی غیر مستقیم اصل وحدت عالم انسانی امر حضرت بهاءالله سخن گفتند. انتشار این روح اخوّت و اتّحاد در طیّ دهه‌های متوالی ادامه داشته و اثرات آن امروز در تحولات گوناگونی، از ردّ تعصّبات شدید نژادی گرفته تا طلوع هشیاری نسبت به جهان‌وطنی، از ازدیاد آگاهی نسبت به محیط زیست تا مجهودات دسته‌جمعی در جهت ترویج بهداشت عمومی، از توجّه به حقوق بشر تا

پیگیری منظمّ تعلیم و تربیت عمومی، از ترویج فعالیت‌های بین‌الادیان تا شکوفائی صدها هزار سازمان محلی، ملی و بین‌المللی که به اقدامات اجتماعی مشغولند، آشکار است.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۰۶ (۱۶۳ بدیع) بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) [۴۳]

مجهودات سازمان‌یافته جامعه بهائی در این زمینه‌ها با ابتکارات متنوّع شخصی احبّا که در میادین مختلف به صورت داوطلب، حرفه‌مند و یا متخصص فعالیت می‌کنند تقویت می‌گردد. وجه تمایز روی کرد بهائیان این است که در حالی که می‌کوشند مردم را در جستجوی اصول بنیادین اخلاقی و روحانی و برای انجام اقدامات عملی به منظور حلّ عادلانه مشکلات جامعه متحد سازند، از درگیری و رقابت برای کسب قدرت اجتناب می‌ورزند. بهائیان بشریت را به مانند یک بدن واحد می‌شمارند. همه به نحو جداناپذیری به هم وابسته‌اند و هر نظم اجتماعی که برای برآوردن احتیاجات یک گروه به قیمت پایمال نمودن منافع دیگران ایجاد شده باشد، نتیجه‌اش بی‌عدالتی و ظلم است. بالعکس، منافع هر جزء تشکیل دهنده زمانی حاصل می‌شود که احتیاجاتش در بستر منافع کل منظور گردد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۳ دسامبر ۲۰۰۸ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) [۴۴]

همان گونه که از مطالعه آثار بهائی دریافت‌اید، اصل یگانگی نوع انسان که نشانه بارز دوران بلوغ اوست باید در تمام جوانب حیات اجتماعی تجلّی کند. تعلق نوع انسان به یک قوم واحد که زمانی با نابوری تلقّی می‌شد امروزه به طور وسیع مورد پذیرش است. ردّ تعصّبات عمیق دیرینه و حسّ روزافزون شهروندی جهانی از جمله نشانه‌های این آگاهی رو به تزاید است. هرچند این آگاهی امیدبخش است ولی باید آن را صرفاً به منزله اولین قدم در فرایندی شمرد که تنها با گذشت سال‌ها بلکه قرن‌ها تکامل خواهد یافت زیرا اصل یگانگی نوع بشر که حضرت بهاءالله مقتضیات آن را اعلان فرموده‌اند فقط خواهان هم‌کاری در بین مردمان و ملت‌ها نیست بلکه مستلزم نواندیشی کامل در باره روابطی است که به اجتماع تداوم می‌بخشد. بحران فزاینده محیط زیست که محرک آن نظامی است که تاراج منابع طبیعی را برای ارضای زیاده‌طلبی بی‌پایان بشری نادیده می‌گیرد گویای آنست که تصوّر کنونی نوع انسان از روابطش با طبیعت تا چه حدّ نارسا است؛ وخامت اوضاع خانواده همراه با افزایش نقض مداوم حقوق زنان و کودکان در سراسر جهان روشن‌گر آنست که عقاید کوتاه‌نظرانه‌ای که امروزه روابط خانوادگی را توصیف می‌کند تا چه اندازه فراگیر است؛ تداوم استبداد از یک سو و بی‌اعتنایی روزافزون مردم جهان به مرجعیّت مشروع از سوی دیگر روشن می‌سازد که ماهیّت روابط کنونی موجود میان فرد و نهادهای اجتماع برای بشریتی رو به بلوغ چقدر غیر قابل قبول است؛ تمرکز ثروت در دست گروهی کوچک از سکنه کره زمین نشان می‌دهد که روابط بین بخش‌های گوناگون اجتماع که اکنون به صورت جامعه‌ای جهانی در آمده چگونه از بنیان به غلط طرح‌ریزی شده است. اصل یگانگی نوع بشر مستلزم تغییری بنیادین در تار و پود ساختار اجتماع در سراسر عالم است.

(پیام مورّخ ۱۲ اسفند ۱۳۹۱ بیت العدل اعظم خطاب به احبّای ایران) [۴۵]

... هرچند اتحاد جهانی امکان‌پذیر و بلکه اجتناب‌ناپذیر می‌باشد ولی در نهایت نمی‌تواند بدون پذیرش بی قید و شرط وحدت عالم انسانی که به توصیف حضرت ولیّ محبوب امر الله "محور جمیع تعالیم حضرت بهاءالله" (ترجمه) است تحقّق یابد. براستی با چه بینش و فصاحتی آن حضرت مفاهیم فراگیر این اصل مهم را تشریح نموده‌اند. در میان آشفتگی امور جهان، به وضوح مشاهده فرمودند که سرآغاز نظم جدید همانا درک واقعیّت یگانگی نوع بشر است. روابط گوناگون بین ملل و در درون ملل، همه باید در پرتو این اصل مورد بازنگری قرار گیرد.

تحقق چنین دیدگاهی دیر یا زود مستلزم یک اقدام برجسته تاریخی از جانب رهبران جهان در امور زمامداری است. افسوس که اراده چنین اقدامی هنوز موجود نیست. بشریت در چنگ یک بحران هویت گرفتار است و مردمان و گروه‌های متعدّد در تعریف هویت خود و جایگاه‌شان و نحوه عمل خویش در کشمکش می‌باشند و بدون دیدگاهی در باره یک هویت مشترک و مقصدی همگانی، در دام رقابت ایدئولوژی‌ها و منازعات برای کسب قدرت گرفتار می‌گردند. تعبیرات به ظاهر بی‌شماری از «ما» و «آنان» هویت گروه‌ها را بیش از پیش محدود و در تضاد با یکدیگر تعریف می‌کند. این گونه تقسیم‌بندی گروه‌ها با علایق ناهمگون به مرور زمان انسجام اجتماع را به تحلیل برده است. مفاهیم رقابت‌آمیز در مورد برتری یک گروه خاص، مانع از شناخت این حقیقت می‌گردد که بشریت در مسیر مشترکی پیش می‌رود که در آن همه همکاری کنند. ملاحظه نمایید که بین چنین مفهوم از هم‌گسیخته‌ای از هویت انسانی و اصل وحدت عالم انسانی چه تفاوتی اساسی وجود دارد. در این چشم‌انداز، کثرت که از خصوصیات خانواده بشری است بدون آنکه یگانگی آن را نفی نماید موجب غنای آن می‌گردد. وحدت از نظر آیین بهائی در بر دارنده مفهوم لازمه تنوع و کثرت است که آن را از هم‌شکلی و یک‌نواختی متمایز می‌سازد. با محبت نسبت به همه مردمان و با ترجیح دادن مصالح عمومی بر وفاداری‌های محدودتر است که وحدت عالم انسانی و جلوه‌های بیشمار تنوع نوع بشر به بهترین وجهی تحقق می‌پذیرد.

(ترجمه‌ای از پیام مورخ ۱۸ ژانویه ۲۰۱۹ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) [۴۶]

نقش دانش

دانائی از نعمتهای بزرگ الهی است تحصیل آن بر کلّ لازم این صنائع مشهوده و اسباب موجوده از نتایج علم و حکمت اوست که از قلم اعلی در زیر و الواح نازل شده قلم اعلی آن قلمی است که لآلی حکمت و بیان و صنائع امکان از خزانه او ظاهر و هویدا.

(مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی) [۴۷]

علم بمنزله جناحست از برای وجود و مرقاقتست از برای صعود تحصیلش بر کل لازم ولکن علومی که اهل ارض از آن منتفع شوند نه علومی که بحرف ابتدا شود و بحرف منتهی گردد ... فی الحقیقه کنز حقیقی از برای انسان علم اوست و اوست علّت عزّت و نعمت و فرح و نشاط و بهجت و انبساط.

(مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی) [۴۸]

حضرت موجود میفرماید علمای عصر باید ناس را در تحصیل علوم نافع امر نمایند تا خود و اهل عالم از آن منتفع گردند علومی که از لفظ ابتدا و بلفظ منتهی گردد مفید نبوده و نخواهد بود.

(مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی) [۴۹]

امروز بهترین میوه درخت دانائی چیزی است که مردمان را بکار آید و نگاهداری نماید.

(حضرت بهاءالله، سرایرده یگانگی، شماره ۱۶۰۱) [۵۰]

در تحصیل کمالات ظاهره و باطنه جهد بلیغ نمائید چه که ثمره سدره انسانی کمالات ظاهریّه و باطنیّه بوده انسان بی علم و هنر محبوب نه مثل اشجار بی‌ثمر بوده و خواهد بود لذا لازم که بقدر قوه و وسع سدره وجود را باثمار علم و عرفان و معانی و بیان مزین نمائید.

(از الواح حضرت بهاء‌الله)

[۵۱]

... جمیع علوم با محبت الهیه مقبول و محبوب و بدون آن بی‌ثمر بلکه مورث جنون هر علمی مانند شجر است و چون ثمر محبت الله باشد آن شجره مبارکه است والا حطب است و عاقبت طعمه آتش گردد.

[۵۲]

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۱۵۴)

در ترقیات عصریه بکوشید و در مدنیت مقدسه جهد بلیغ و سعی شدید نمائید.

[۵۳]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

ادب و نورانیت اخلاق مرجح است اگر اخلاق تربیت نشود علوم سبب مضرت گردد علم و دانش ممدوح اگر مقارن حسن آداب و اخلاق گردد والا سم قاتلست و آفت هائل طیب بدخو و خائن سبب هلاک گردد و علت انواع امراض.

[۵۴]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

در توسیع دائره تعلیم آنچه بیشتر کوشند خوشتر و شیرین‌تر گردد حتی احبای الهی چه صغیر و چه کبیر و چه ذکور و چه اناث هر یک بقدر امکان در تحصیل علوم و معارف و فنون متعارف چه روحانی چه امکانی بکوشند و در اوقات اجتماع مذاکره کل در مسائل علمیّه و اطلاع بر علوم و معارف عصریه باشد.

[۵۵]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

این معلوم است که اعظم مواهب یزدان پاک دانش و دانائیت و علم و فضل از فیض عالم آسمانی پس باید احبای الهی چنان شوق و همّتی در ترویج علم و عرفان و معارف مبذول دارند که در اندک زمانی طفلان دبستان ادیان انجمن علم و عرفان شوند این خدمت بآستان یزدانست و از اوامر قطعیّه حضرت رحمن.

[۵۶]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

... دین الله مروج حقیقت و مؤسس علم و معرفت و مشوق بر دانائی و ممدّن نوع انسانی و کاشف اسرار کائنات و منور آفاق است با وجود این چگونه معارضه بعلم نماید استغفر الله بلکه در نزد خدا علم افضل منقبت انسان و اشرف کمالات بشر است. معارضه بعلم جهل است و کاره علوم و فنون انسان نیست بلکه حیوان بی‌شعور زیرا علم نور است حیاتست سعادت است کمال است جمال است و سبب قرینت درگاه احدیت است شرف و منقبت عالم انسانی است و اعظم موهبت الهی علم عین هدایت است و جهل حقیقت ضلالت.

خوشا بحال نفوسی که ایام خویش را در تحصیل علوم و کشف اسرار کائنات و تدقیق حقیقت صرف نمایند.

[۵۷]

(حضرت عبدالبهاء، مفاوضات)

این فنون و معارف و صنایع و بدایع و تأسیسات و اکتشافات و مشروعات کلّ از ادراکات نفس ناطقه حاصل و در زمانی سرّ مصون و راز مکنون و غیر معلوم بوده و نفس ناطقه بتدریج کشف کرده و از حیّز غیب و خفا بحیّز شهود آورده. و این اعظم قوه ادراک در عالم طبیعت است و نهایت جولان و طیرانش اینست که حقائق و خواصّ و آثار موجودات امکانیه را ادراک نماید.

علم همانا اولین تجلّی از خداوند بر انسان است. همه مخلوقات تجسّمی از استعداد بالقوه کمال مادی هستند اما توانایی تحقیقات فکری و اکتسابات علمی فضیلت والاتری است که منحصر به نوع انسان می‌باشد. سایر مخلوقات و موجودات زنده از این استعداد و اکتساب محرومند. خداوند عشق به حقیقت را در انسان خلق کرده و یا به ودیعه نهاده است. ترقّی و پیشرفت یک ملّت متناسب با میزان اکتسابات علمی آن ملّت است. به مدد این اکتسابات عظمت آن ملّت دائماً افزایش می‌یابد و سعادت و رفاه مردمش روز به روز حاصل می‌شود.

(ترجمه‌ای از خطابات حضرت عبدالبهاء که اصل آن به فارسی موجود نیست)

جميع كتب الهی و جميع انبياء الهی و جميع عقلاء بشر جميعاً متّحد و متّفق بر آنند که جنگ سبب خرابیست و صلح سبب آبادی کلّ متّفقند که جنگ بنیان انسانی براندازد ولی یک قوّتی عظیمه لازم که این صلح را اجرا نماید و این حرب را منع کند و وحدت عالم انسانرا اعلان کند.

زیرا مجرد علم بشیء کفایت نمیکند انسان اگر بداند غنا خوب است غنی نمیشود انسان اگر بداند که علم ممدوح است عالم نمیشود انسان اگر بداند عزّت مقبول است عزیز نمیشود و علی هذا القیاس دانستن سبب حصول نیست کراراً بگوئیم از دانستن خوبی صحتّ انسان صحتّ نمییابد بلکه معالجه لازم دارد استعمال ادویه لازم دارد حکیم حاذق لازم دارد که مطّلع بر جميع اسرار امراض باشد و مطّلع بر جميع معالجات باشد و حکمت تام دستورالعمل دهد تا صحتّ کامل حاصل گردد مجرد بدانیم که صحتّ خوب است صحتّ حاصل نمیشود قوّت و عمل لازم است.

دیگر آنکه حصول هر شیئی مشروط بسه چیز است اوّل دانستن دوم اراده سوم عمل در تحقّق هر مسئله‌ئی جميع این سه ۳ چیز لازم.

(از خطابات حضرت عبدالبهاء)

قبول تعالیم حضرت بهاءالله مستلزم جهد در راه بلوغ روحانی فردی و مشارکت در فعّالیّت‌های اجتماعی به منظور کمک به بنای جامعه‌ای شکوفا و خدمت در جهت رفاه عمومی می‌باشد. علم و دین دو نظام دانایی مستقلّ اما مکملّ یکدیگر و محرّک پیشرفت تمدّن می‌باشند. به فرموده حضرت عبدالبهاء ”ترقّی عالم انسانی به داناییست و تدنّی عالم بشری به نادانی. نوع بشر چون دانایی افزایش رحمانی گردد و چون دانش‌آموز ربّانی شود.“ کوشش در راه کسب علم و دانش و تحصیل فنون مفیده از معتقدات اهل بهاء محسوب می‌گردد. بنا بر این راه حلّ درازمدتی که شما عزیزان برای مقابله با مشکلات تحمیلی در راه تحصیلات عالی انتخاب کرده‌اید، همکاری مثبت با دیگر علاقه‌مندان صلح و آشتی جهت ایجاد جامعه‌ای پیشرفته و قانون‌مند بر اساس ترویج علم و دانش و عدالت اجتماعی می‌باشد.

(پیام مورّخ ۲۷ خرداد ۱۳۹۰ بیت العدل اعظم خطاب به احبّای ایران)

یکی از جنبه‌های بسیار مهمّ یک چارچوب مفهومی که مستلزم توجّه دقیق در سال‌های آینده خواهد بود تولید و کاربرد دانش است.... در کُنه اکثر رشته‌های دانش بشری میزانی از توافق آرا در باره روش‌شناسی وجود دارد — درکی از روش‌ها و چگونگی استفاده مناسب از آنها در جستجوی سیستماتیک واقعیّت برای دستیابی به نتایج قابل اعتماد و نتیجه‌گیری‌های

صحیح. احبّایی که در رشته‌های مختلف از قبیل اقتصاد، آموزش و پرورش، تاریخ، علوم اجتماعی، فلسفه و زمینه‌های بسیار دیگری اشتغال دارند مسلماً با روش‌های معمول در رشته خود کاملاً آشنا هستند. وظیفه این دوستان است که مجدّانه بکوشند تا در باره مقتضیاتی که حقایق مندمج در این ظهور اعظم می‌تواند برای کارشان داشته باشد تأمل کنند. اصل هماهنگی علم و دین اگر صادقانه رعایت شود تضمین خواهد نمود که عقاید دینی تسلیم خرافات نگردد و کشفیات علمی دست‌آویز مادی‌گرایی نشود.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۳ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل)

[۶۲]

(روحانی ملّی)

اساساً قسمت عمده‌ای از تلاش‌های جامعه بهائی متوجّه علّت اصلی تعصّب دینی یعنی جهل و نادانی می‌باشد. بیت العدل اعظم فرموده‌اند که “تداوم بخشیدن به جهل و نادانی از غم‌انگیزترین انواع جور و ستم است و موجب استحکام و ابقای تعصّبات گوناگون می‌گردد، تعصّباتی که مانعی در راه تأسیس وحدت عالم انسانی است... دسترسی به دانش حقّ هر یک از افراد بشر است و مشارکت در ایجاد، به کارگیری و انتشار دانش مسئولیتی است که هر فردی بر حسب استعداد و توانایی خود باید به جهت شرکت در مشروع عظیم بنای یک مدنیت جهانی بر عهده گیرد.” این گرایش به ویژه در تمرکز جامعه بهائی بر امر تعلیم و تربیت که از آغاز این دیانت از مسائل اصلی بوده، در تلاش این جامعه برای پرورش آگاهی و قابلیت فزاینده افراد جهت تشخیص تعصّب و مقابله با آن، در استفاده‌اش از فرایندهای مشورتی در همه امور، و در تعهدش نسبت به نظام‌های دوگانه علم و دین که لازمه پیشبرد تمدن می‌باشد متجلی بوده و هست. به علاوه توسعه و پرورش حیات عقلانی و تحرّی مستقلّ حقیقت که در آثار بهائی بسیار ارزشمند شمرده شده به افراد توانایی می‌دهد تا حقیقت را از کذب تشخیص دهند، که تشخیصی است بسیار ضروری اگر قرار باشد تعصّبات، عقاید خرافی، و سنن فرسوده مانع اتّحاد ریشه‌کن گردد. حضرت عبدالبهاء در این خصوص اطمینان می‌دهند که “چون تحرّی حقیقت گردد عالم انسانی از ظلمات تقالید رهایی یابد.”

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۷ دسامبر ۲۰۱۷ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

[۶۳]

ماهیت توسعه اجتماعی و اقتصادی بهائی

انسجام بین ابعاد مادی و روحانی عالم هستی

... آنچه در آسمانها و زمین است محالّ بروز صفات و اسمای الهی هستند چنانچه در هر ذره آثار تجلّی آن شمس حقیقی ظاهر و هویدا است.

[۶۴]

(حضرت بهاءالله، کتاب ایقان)

آن است سبب بزرگ از برای نظم جهان و اطمینان من فی الامکان ... آنچه از مقام بلند دین کاست بر غفلت اشرار افزود و نتیجه بالآخره هرج و مرج است.

[۶۵]

(مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی)

... دین باید مطابق علم و عقل باشد تا در قلوب انسانی نفوذ نماید اساس متین باشد نه اینکه عبارت از تقالید باشد.

[۶۶] (از الواح حضرت عبدالبهاء خطاب به جمعیت لاهه برای اجرای صلح عمومی)

... هرچند مدنیت مادی از وسائط ترقی عالم انسانیت ولی تا منضم بمدنیت الهیه نشود نتیجه که سعادت بشریه است حصول نیابد ... مدنیت مادیّه مانند زجاجست و مدنیت الهیه مانند سراج زجاج بی سراج تاریک است مدنیت مادیّه مانند جسم است ولو در نهایت طراوت و لطافت و جمال باشد مرده است مدنیت الهیه مانند روح است این جسم باین روح زنده است والاّ جیفه گردد پس معلوم شد عالم انسانی محتاج بنفثات روح القدس است بدون این روح عالم انسانی مرده است و بدون این نور عالم انسانی ظلمت اندر ظلمت است.

[۶۷] (از الواح حضرت عبدالبهاء خطاب به جمعیت لاهه)

... ترقیات مدنی و کمالات جسمانی و فضائل بشری تا منضم بکمالات روحانی و صفات نورانی و اخلاق رحمانی نشود ثمر و نتیجه نبخشد و سعادت عالم انسانی که مقصود اصلی است حاصل نگردد زیرا از ترقیات مدنیّه و تزین عالم جسمانی هرچند از جهتی سعادت حاصل و شاهد آمال در نهایت جمال دلبری نماید ولی از جهات دیگر خطرهای عظیم و مصائب شدیده و بلایای مبرمه نیز حاصل گردد.

[۶۸] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۲۲۵)

امیدواریم که یاران الهی و اماء رحمن بموجب تعالیم آسمانی خدمت بوحدت عالم انسانی نمایند و دین را اساس محبت و الفت بین بشر شمرند و بکوشند تا دین و علم را تطبیق نمایند هر فقیری را کنز غنا شوند و هر مستجیری را ملجأ و معجیر گردند بی‌نویانرا روح و ریحان شوند و بیچارگانرا عون حضرت رحمن گردند.

[۶۹] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

مدنیت جسمانیّه بمنزله زجاج است و مدنیت روحانیّه بمنزله سراج اگر این مدنیت جسمانیّه با آن مدنیت روحانیّه توأم شود آن وقت کامل است زیرا مدنیت جسمانیّه مثل جسم لطیف است و مدنیت روحانیّه مانند روح اگر در این جسم لطیف آن روح عظیم ظهور نماید آن وقت دارای کمال است.

[۷۰] (از خطابات حضرت عبدالبهاء)

برای انسان دو بال لازم است یک بال قوه مادیّه و مدنیت جسمانیّه است یک بال قوه روحانیّه و مدنیت الهیه است یک بال پرواز ممکن نیست دو بال لازم است هر قدر مدنیت جسمانیّه ترقی کند بدون مدنیت روحانیّه بکمال نرسد.

[۷۱] (از خطابات حضرت عبدالبهاء)

مدنیت مادی هر چقدر ترقی نماید نمی‌تواند سبب سعادت نوع بشر گردد. تنها وقتی سعادت بشر محقق می‌شود که مدنیت مادی و روحانی توأم و هماهنگ گردد. آنگاه تمدن مادی قوای خود را صرف نیروهای شیطانی در راه تخریب وحدت بشر نخواهد کرد چونکه در تمدن مادی خیر و شر با هم و هم‌گام به پیش می‌روند. مثلاً پیشرفت مادی نوع بشر در دهه اخیر را در نظر بگیرید. مدارس، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، مؤسسات بشردوستانه، معاهد علمی و مجامع فلسفی تأسیس شده اما به موازات این شواهد توسعه، اختراع و تولید ابزار و سلاح جهت نابودی بشر نیز به همان میزان افزایش یافته است....

اینها همه نتیجه تمدن مادی است؛ بنا بر این اگرچه پیشرفت مادی اهداف خوبی را در زندگی پیش می‌برد در عین حال وسیله اهداف شیطانی هم هست.... اگر مبادی اخلاقی و مبانی مدنیت الهی با پیشرفت مادی انسان همراه شود، شکی نیست که سعادت عالم انسانی رخ بگشاید و بشارت صلح و سلام بر کره ارض از هر طرف اعلان گردد. آنگاه نوع بشر پیشرفت خارق العاده‌ای حاصل خواهد کرد، دامنه هوش انسان بی‌اندازه اتساع خواهد یافت، اختراعات شگفت‌انگیزی پدیدار خواهد شد و روح خداوند، خود را ظاهر خواهد کرد؛ همه انسان‌ها در هوای دل‌انگیز سرور با هم مأنوس خواهند شد و زندگی ابدی به ابناي ملکوت عطا خواهد شد.... بنا بر این تمدن مادی و تمدن الهی یا رحمانی باید با هم پیشرفت کنند تا آنکه اعظم آمال و نوایای نوع بشر تحقق یابد.

[۷۲] (ترجمه‌ای از خطابات حضرت عبدالبهاء که اصل آن به فارسی موجود نیست)

علم اعظم منقبت عالم انسانی است زیرا علم کشف حقایق است ولی علم بر دو قسم است علوم مادی و علوم الهیه علوم مادی کشف اسرار طبیعت کند علوم الهیه کشف اسرار حقیقت نماید عالم انسانی باید تحصیل هر دو علم کند و اکتفای یک علم ننماید زیرا هیچ پرنده‌ئی بجناح واحد پرواز نتواند باید بدو بال پرواز نماید یک بال علوم مادی و یک بال علوم الهیه این علم از عالم طبیعت و آن علم از ما وراء الطبیعة این علم ناسوتی و آن علم لاهوتی.

[۷۳] (از خطابات حضرت عبدالبهاء)

خدا عقل بانسان داده تا حقائق اشیاء را تحقیق نماید اگر مسائل دینیّه مخالف عقل و علم باشد وهم است زیرا مقابل علم جهل است و اگر بگوئیم دین ضد عقل است مقصود این است که دین جهل است لابد دین باید مطابق عقل باشد تا از برای انسان اطمینان حاصل شود اگر مسئله‌ئی مخالف عقل باشد ممکن نیست از برای انسان اطمینان حاصل گردد همیشه متزلزل است.

[۷۴] (از خطابات حضرت عبدالبهاء)

عالم مادی هر قدر ترقی کند لکن باز محتاج تعلیمات روح القدس است زیرا کمالات عالم مادی محدود و کمالات الهی نامحدود است چون کمالات عالم مادی محدود است لهذا احتیاج انسان بکمالات الهی است زیرا کمالات الهی نامحدود است.

ملاحظه در تاریخ بشر نمائید کمالات مادی هرچند بدرجه اعلی رسید لکن باز محدود بود اما کمالات الهیه نامحدود پایانی ندارد لهذا محدود محتاج نامحدود است مادیات محتاج روح است و عالم جسمانی محتاج نفثات روح القدس جسد بیروح ثمر ندارد هر قدر جسد در نهایت لطافت باشد احتیاج بروح دارد قندیل هر قدر لطیف باشد محتاج سراج است بی سراج زجاج ثمری ندارد جسد بیروح ثمر ندارد.

[۷۵] (از خطابات حضرت عبدالبهاء)

این جنگ جهانی اخیر همراه با معاهده صلح و پی‌آمدهایش به جامعه بشری آموخته است که تا تعصبات ملی، مذهبی و سیاسی منسوخ نگردد و تا اخوت عمومی تأسیس نگردد و تا مدنیت روحانی و تمدن مادی هر دو به طور مساوی مورد توجه قرار نگیرند و در نتیجه معیارهای اخلاق فردی، ملی و بین‌المللی را تغییر ندهند، عالم محکوم به شکست و اجتماع محکوم به نابودی مطلق است....

(ترجمه‌ای از نامه صادره از جانب حضرت شوقی افندی در سال ۱۹۲۴ خطاب به یکی از احبّا) [۷۶]

یقیناً مشکلات اجتماعی و اقتصادی که مردم بریتانیا در حال حاضر با آن رو به رو هستند ذهن‌شان را کاملاً مشغول می‌نماید ولی همچنین باید چون وسیله‌ای عمل کند که آنان را متذکر سازد و به مسائل روحانی نزدیک‌تر نماید. مردم باید به این واقعیت پی برند که بدون یک تغییر اساسی در دیدگاه ما و یک اصلاح کامل در اصول هدایت‌کننده زندگی‌مان، به همان نحو که امر الهی توصیه می‌نماید، مشکلات اجتماعی و اقتصادی‌مان نمی‌تواند حلّ شود و اوضاع و شرایطمان بهبود یابد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۷ نوامبر ۱۹۳۱ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۷۷]

تنها رفاه مادی نیست که مردم محتاج آنند. آنچه شدیداً به آن نیاز دارند و تشنه آنند این است که بدانند چگونه زندگی کنند — محتاج‌اند خود را بشناسند، بدانند مقصد از هستی‌شان چیست، و چگونه باید با یکدیگر رفتار کنند؛ و زمانی که پاسخ چنین پرسش‌هایی را بدانند می‌بایست یاری شوند تا این پاسخ‌ها را به تدریج در رفتار روزانه خود به کار گیرند. این است آن مشکل اساسی عالم انسانی که در جهت یافتن راه حلّش بخش عظیم‌تر تمام منابع و قوای ما باید صرف گردد....

... ما می‌دانیم که عملکرد عالم مادی صرفاً بازتابی از شرایط روحانی است و تا زمانی که شرایط روحانی تغییر نکند هیچگونه تغییر پایداری در جهت بهبود امور مادی نمی‌تواند حاصل شود.

(ترجمه‌ای از دستخط مورّخ ۱۹ نوامبر ۱۹۷۴ بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل روحانی ملّی) [۷۸]

در مورد توافق علم و دین، آثار طلعات مقدّسه و تبیینات حضرت ولی‌امرالّله این نکته را بسیار روشن می‌سازد که وظیفه نوع بشر، از جمله جامعه بهائی که به منزله "خمیرمایه" در میان مردم دنیا عمل می‌کند، ایجاد یک تمدّن جهانی است که هم بعد روحانی و هم بعد مادی عالم وجود را در بر گیرد. ماهیت و حیطة عمل یک چنین تمدّنی به مراتب فراتر از درک و تصوّر نسل کنونی است. اجرای این مشروع عظیم متّکی بر تعامل فزاینده بین حقایق و اصول دین و اکتشافات و بینش‌های حاصله از تحقیقات علمی خواهد بود. این تعامل مستلزم این است که وجود مسائل مبهم را یکی از خصیصه‌های طبیعی و اجتناب‌ناپذیر فرایند کشف حقیقت بدانیم. همچنین مستلزم آنست که علم را به هیچ مکتب فکری خاصّ و یا رویکردی که در مسیر توسعه آن مسلّم فرض شده، محدود ننماییم. چالشی که اندیشمندان بهائی با آن رو به رو هستند بر عهده گرفتن رهبری مدبّرانه در این مجهودات است زیرا آنان هستند که هم از بینش پرارزش امر الهی و هم از مزایای پژوهش علمی برخوردارند.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۹ مه ۱۹۹۵ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) [۷۹]

... دین و علم دو نظام لازم‌دانایی‌اند که به وسیله آنها ادراکات بالقوه بشری پرورش می‌یابد. علم و دین، این دو نحوه اساسی که ذهن از طریق آنها حقیقت را کشف می‌کند، نه تنها به هیچ وجه با هم در تضادّ نیستند بلکه به یکدیگر متّکی‌اند و در آن دوره‌هایی از تاریخ — دوره‌هایی کمیاب اما پرشکوه — که واقعیت مکمل بودن آنها پذیرفته شده و این دو توانسته‌اند با هم کار کنند بیش از هر وقت دیگر پر ثمر و اثر بوده‌اند. بینش‌ها و مهارت‌های حاصله از پیشرفت‌های علمی را باید همیشه تابع هدایت تعهّدات اخلاقی و روحانی قرار داد تا بتوان از آنها به نحو صحیح استفاده نمود. اعتقادات دینی نیز هر قدر گرامی باشند باید بتوان آنها را با طیب خاطر با روش‌های علمی بی‌طرفانه بررسی کرد.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ آوریل ۲۰۰۲ بیت العدل اعظم خطاب به رهبران ادیان جهان) [۸۰]

... علم و دین دو نظام مکمل دانش و عمل‌اند که انسان از طریق آنها دنیای اطراف خود را درک می‌کند و به وسیله آنها تمدن را به پیش می‌برد؛ دین بدون علم به سرعت به سطح خرافات و تعصبات تنزل می‌یابد و علم بدون دین به ابزاری برای مادی‌گرایی خشک تبدیل می‌گردد؛ مادام که مصرف‌گرایی به منزله افیون روح انسان عمل می‌نماید دسترسی به رفاه واقعی که ثمره انسجامی پویا بین نیازهای مادی و معنوی زندگی است روز به روز دشوارتر خواهد شد....

(پیام مورخ ۱۲ اسفند ۱۳۹۱ بیت العدل اعظم خطاب به احبای ایران) [۸۱]

بنای مشرق‌الاذکار تجلی‌گاه قوای روحانی و کانون منضّمات و ملحقاتی است که به منظور رفاه نوع بشر و بروز و تحقق اراده جمعی برای خدمات همگانی تأسیس می‌گردد. این ملحقات شامل مراکز آموزشی، علمی، فرهنگی و اقدامات عام المنفعه، مظهر آرمان‌های پیشرفت اجتماعی و تعالی معنوی با استفاده از علم و دانش بشری است و نشان می‌دهد که چون علم و دین با هم هماهنگ شوند راه‌گشای ارتقای مقام انسان و شکوفایی تمدن گردند. همان‌طور که به خوبی مطلع و به آن عاملید، نیایش و پرستش پروردگار اگرچه ریشه در فطرت بشری داشته و عامل ترقی حیات معنوی است ولی باید منشأ ثمر و اثری در عالم وجود گردد و این جدایی‌ناپذیری عبادت و خدمت به هم‌نوع است که مؤسسه مشرق‌الاذکار آن را تجسم و تحقق می‌بخشد.

(پیام مورخ ۲۷ آذر ۱۳۹۳ بیت العدل اعظم خطاب به احبای ایران) [۸۲]

قابلیت‌سازی، مشارکت و رشد ارگانیک

باری باید دامن همت بکمر غیرت زد و از هر جهت باسباب آسایش و راحت و سعادت و معارف و تمدن و صنایع و عزت و شرف و علو منزلت جمعیت بشریه تشبث نمود تا از زلال نیت خالصه و سلسال جهد و کوشش اراضی قزابلایات انسانیه بریاحین فضایل ذاتیه و شقایق حقایق خصایل حمیده سرسبز و خرم گشته رشک گلستان معارف اسلاف گردد.

(حضرت عبدالبهاء، رساله مدتیّه) [۸۳]

مثل عالم سیاسی مثل انسان است که اول نطفه پس تدرج در مراتب علقه و مضغه و عظام و اکساء لحم و انشاء خلق آخر تا برتبه احسن الخالقین واصل گردد هم‌چنان که این از لوازم خلقت و مبنی بر حکمت کلیّه است بهم‌چنین عالم سیاسی دفعه واحده از حضيض فتور باوج کمال و سداد نرسد بلکه نفوس کامله لیلاً و نهاراً به وسایل ما به الترقی تشبث نموده تا دولت و ملت یوماً فیوماً بلکه اناً فانا ترقی و نمو در جمیع مراتب نماید.

(حضرت عبدالبهاء، رساله مدتیّه) [۸۴]

در جمیع ادوار انبیا امور خیریه تعلق بنفس آن ملت داشت مگر مسائل جزئیّه مثل صدقه که تجویز شمول بر عموم داشت اما در این دور بدیع چون که ظهور رحمانیت الهی است جمیع امور خیریه شمول بجمیع بشر دارد بدون استثنا.

(از خطابات حضرت عبدالبهاء) [۸۵]

مانند دانه که شجره در آن موجود است ولیکن مکتوم و مستور است چون دانه نشو و نما نماید شجره بتمامه ظاهر شود. بهم‌چنین نشو و نمای جمیع کائنات بتدریج است. این قانون کلی الهی و نظم طبیعی است. دانه بغته شجره نمی‌شود

نطفه دفعه واحده انسان نمی شود جماد دفعه واحده حجر نمی شود حبه دفعه واحده شجر نمی شود بلکه بتدریج نشو و نما میکنند و بحدّ کمال میرسند.

[۸۶] (حضرت عبدالبهاء، مفاوضات)

در یک موجود زنده حدّ کمال او در بدایت انعقاد نطفه یا تولّدش معلوم و مشخص نیست. پرورش و ترقّی مفهوم مراتب و درجات را می رساند. فی المثل پیشرفت روحانی را می توان به نور صبح گاهی تشبیه نمود اگرچه این نور سحرگاهی کم رنگ است ولی فردی ذی شعور که شاهد حرکت مراحل اوّلیه طلوع است می تواند عظمت و علوّ خورشید را در شکوه کاملش پیش بینی نماید. او به یقین مبین می داند که این آغاز تجلّی خورشید است و بعداً با قدرت و قوّتی عظیم ظاهر خواهد شد. و نیز فی المثل اگر او به دانه ای نظر اندازد که در حال جوانه زدن است مطمئن خواهد بود که عاقبت شجری سبز و خرم شود.

[۸۷] (ترجمه ای از خطابات حضرت عبدالبهاء که اصل آن به فارسی موجود نیست)

حقایق اشیاء در این قرن نورانی نازل و ظاهر شده و آنچه حقیقت است می باید واضح گردد. از جمله این حقایق اصل تساوی رجال و نساء است یعنی حقوق و امتیازات مساوی در جمیع آنچه به امور بشری مربوط است.... زن علی الخصوص باید نیرو و توانایی خود را صرف علوم صنعت و زراعت نماید و در صدد کمک به نوع بشر در اموری برآید که بیشتر مورد نیاز است. از این طریق او قابلیت خود را نشان خواهد داد و در حیطه اجتماعی و اقتصادی تساوی را ممکن خواهد ساخت.

[۸۸] (ترجمه ای از خطابات حضرت عبدالبهاء که اصل آن به فارسی موجود نیست)

و از جمله لوازم ضروریّه تسریع در استتساخ و جمع و ارسال آثار امریه بارض اقدس و تدوین تاریخ عمومی امر الله است یاران غرب که در اقالیم شاسعه ئی آزاد بمشروعات مهمّه پرداخته اند مترصد و منتظرند که این دو امر مهمّ بزودی انجام و اتمام یابد و تمهیدات اساسیه اجراءات آتیه آنان من دون تأخیر تحقّق یابد تا آنچه را در نظر دارند از حیّز آمال بمیدان اجرا گذارند و امر مقدّس را ترویجی عظیم دهند

و همچنین مشارکت یاران با انجمنهای خیریه علمیّه ادبیه است هر انجمنی که مقصدش فی الحقیقه ترویج منافع عمومیّه و مصالح عالم انسانی است باید احبّای الهی بحکمت و اعتدال پس از مشورت کامل بقدر قوّت و استطاعت مساعده و تأیید آترا نمایند و بقدر وسع و امکان مشارکت نمایند ولی باید فعلاً و قلباً و لساناً از ادنی مداخله ئی در امور سیاسیه امتناع نمایند و از مخالطه با احزاب شریره متنازعه تجنّب و احتراز جویند.

[۸۹] (توقیع مورّخ سپتامبر ۱۹۲۶ حضرت شوقی افندی خطاب به احبّای شرق)

ما نمی توانیم قلب انسان را از محیط اطراف مان جدا سازیم و بگوئیم وقتی که یکی از این دو اصلاح شود همه چیز بهبود خواهد یافت. انسان جزء لاینفکّ دنیاست و با آن ارتباطی ارگانیک دارد. حیات باطنی او به محیط اطرافش شکل می دهد و خودش نیز عمیقاً تحت تأثیر محیط قرار می گیرد. هر یک بر دیگری تأثیر می گذارد و هر تغییر پایداری در حیات بشری نتیجه این واکنش متقابل است.

[۹۰] (ترجمه ای از نامه مورّخ ۱۷ فوریه ۱۹۳۳ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا)

حضرت بهاء الله خطاب به ملکه ویکتوریا مرقوم فرمودند ”فانظروا العالم کهیکل انسان“.... در هیکل انسانی، هر سلول، هر عضو، و هر عصب نقشی دارد که ایفا می کند. اگر همه نقش خود را بازی کنند هیکل انسانی سالم، پرتوان، پرتراوت و

آماده برای آنچه به او محوّل گردد خواهد بود. هیچ سلولی، هر قدر ناچیز، حیات مستقلّی از بدن، چه در کمک به بدن و چه در بهره‌مند شدن از آن ندارد. این حقیقت در مورد هیکل عالم انسانی صدق می‌کند که در آن خداوند ”خلعت موهبت را زیور کلّ بشر“ فرموده و در مورد جامعه جهانی بهائی کاملاً صادق است زیرا که این جامعه هم‌اکنون موجودی است زنده، متحد در آرمان‌هایش، و متّفق در روش‌هایش، طالب مساعدت و تأیید از یک منشأ، و منور به نور آگاهی از وحدت خود. در این مجتمع ارگانیک که مهندی به هدایات الهی و مبارک و نورانی است، مشارکت همگانی از اهمّیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و سرچشمه نیرو و نشاطی است که هنوز برای ما ناشناخته می‌باشد....

سرّ واقعی مشارکت عمومی در منویّاتی نهفته است که حضرت مولی‌الوری غالباً ابراز می‌فرمودند، یعنی یاران باید مفتون یکدیگر باشند، یکدیگر را دائماً تشویق کنند، با هم کار کنند، مانند یک روح در یک بدن باشند، و بدین ترتیب پیکری کامل، ارگانیک و سالم شوند که از روح تحرّک و نورانیّت می‌یابد. در چنین پیکری کلّ از خود موجود زنده صحت و نشاط کسب خواهند کرد و ریاحین و اثمار طیّبه به بار خواهد آمد.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۶۴ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) [۹۱]

همانطور که ملاحظه می‌نمایید تمامی این پیشرفت‌ها ارتباط مستقیمی با امر تبلیغ دارد زیرا که جوامع بهائی باید به میزان معیّنی از رشد برسند قبل از اینکه بتوانند به اجرای بسیاری از این اقدامات مبادرت ورزند. چگونه، به عنوان مثال، آیا یک جامعه بهائی می‌تواند به نحو مؤثّری ترک تعصّباتی را به منصّه ظهور رساند که موجب جدایی سکنه یک کشور شده است مگر زمانی که طیف وسیعی از آن سکنه را در بر گرفته باشد؟ یک بذر منشأ زندگی یک درخت است و از اینرو بسیار پراهمّیت می‌باشد اما نمی‌تواند میوه تولید کند تا وقتی که رشد کرده درخت شود و ریاحین و اثمار به بار آورد. بنا بر این تشکیل یک جامعه بهائی نه نفری قدم حیاتی مهمّی است زیرا می‌تواند موجب تشکیل مؤسّسه الهی محفل روحانی محلّی برای آن مکان شود اما هنوز فقط یک بذر است و باید از نظر تعداد و تنوّع اعضایش رشد کند قبل از اینکه بتواند ثمرات واقعاً مجاب‌کننده برای ساکنان محل به بار آرد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۳ ژانویه ۱۹۸۲ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به بی از احبّا) [۹۲]

بیت العدل اعظم دو اصل را در عموم چنین پروژه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی اساسی می‌دانند اگرچه البته استثنائاتی هم وجود خواهد داشت. اوّل آنکه چنین پروژه‌هایی باید بر زیربنای جوامع بهائی محلّی موجود که به قدر کافی مستحکم‌اند بنا شود. دوّم آنکه هدف طویل‌مدّت اجرای چنین پروژه‌هایی می‌بایست خودکفایی و نه وابستگی به حمایت مستمرّ مالی از خارج آن جامعه باشد.

مقتضیات اصل اوّل این است که پروژه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی که حال می‌بایست اجرا شود مرحله‌ای طبیعی از رشد جامعه بهائی می‌باشد و مورد احتیاج خود جامعه است اگرچه قطعاً بخش بسیار وسیع‌تری از اجتماع از آن بهره‌مند خواهد شد....

دوّمین اصل باید در نظر بگیرد که هر پروژه‌ای را که امر الهی آغاز می‌کند باید به نحوی طرّاحی شود که معقولاً و مستمرّاً رشد کند نه اینکه به خاطر فرسودگی از هم پاشد. به عبارت دیگر، کمک و وجوه از خارج، چه از منابع بهائی و چه غیر بهائی، را می‌توان برای سرمایه اوّلیه، بررسی و تحقیقات، شروع فعّالیّت‌ها و ارسال متخصصین به کار برد ولی هدف باید

این باشد که هر پروژه بتواند با پشتوانه نیروی انسانی، منابع مالی و اشتیاق جامعه محلی بهائی ادامه پیدا کند حتی اگر کلیه کمک‌ها از خارج قطع شود.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۸ مه ۱۹۸۴ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل روحانی

[۹۳]

ملی)

دومین اصل اساسی^۲ که ما را قادر به درک الگویی می‌سازد که حضرت بهاءالله برای جامعه بشری در نظر دارند اصل رشد ارگانیک است که مستلزم آن می‌باشد که توسعه مشروح و درک جزئیات آن فقط با گذشت زمان و با هدایات مرجع منصوص امر الهی که مرجع کل است میسر گردد. در این مورد می‌توان مثال یک درخت را ذکر نمود. اگر باغبانی درختی غرس نماید او در آن لحظه قادر نیست از بلندی دقیق، از تعداد شاخه‌ها و یا زمان مشخص بروز شکوفه‌های درخت سخنی گوید ولی می‌تواند به طور کلی در باره اندازه و نحوه رشد درخت اظهار نظر کند و با قاطعیت ابراز نماید که چه ثمری بیار خواهد آورد. همین مثال در مورد تکامل نظم جهانی حضرت بهاءالله صادق است.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۷ آوریل ۱۹۹۵ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

[۹۴]

این طرحها شامل ایجاد مدارس، پروژه‌های رفع بیسوادی، دروس اخلاقیه، آموزش در مدارس عمومی، پروژه‌های بهداشتی، برنامه‌های مخصوص ارتقاء مقام نسوان و گروههای اقلیت و پروژه‌های کشاورزی و حفظ محیط زیست و غیره است. زیرا تجربه نشان داده است که اگر از خارج از کشور برای رفع نیازمندیهای آنان اقدام شود بدون آنکه همکاری و اشتراک مساعی اهالی در میان باشد مردم آنرا متعلق بخود نمیدانند و در قبال آن احساس مسئولیت نمی‌کنند اما اگر از بدو امر متوجه احتیاج خویش شده و در مراحل تصمیم‌گیری و اقدام شریک و سهم باشند خود را در حفظ و نگاهداری و مواظبت از آنچه بوجود آمده مسئول میدانند.

(نامه مورخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۶ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

[۹۵]

جامعه جهانی بهائی، به عنوان یک تمامیت ارگانیک، وراى تقسیمات متداول امروزی مانند ”شمال“ و ”جنوب“، ”توسعه یافته“ و ”توسعه نیافته“ است. بهائیان در تلاش برای به کارگیری تعالیم حضرت بهاءالله در فرایند تدریجی بنای یک تمدن نوین، بدون توجه به میزان رفاه مادی کشورهايشان، کوشش‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی را به عهده می‌گیرند. هر یک از پیروان حضرت بهاءالله عضوی از این جامعه جهانی به شمار می‌آید و مُحَقّق است برای کمک به اقدامی خاص در هر کشوری داوطلب بشود. در قارّات مختلف، افراد بهائی متخصص در بعضی از جنبه‌های امور توسعه و مشتاق خدمت، با کسب تجربه در توسعه اجتماعی و اقتصادی و با پیشرفت در تحصیلات خود در رشته‌های مختلف دانش و یا در میادین شغلی، در پروژه‌هایی در کشور خود و یا در کشورهای خارج قیام می‌نمایند. اگر قوای این افراد به طور مؤثر هدایت نشود و اگر تصویر واقع‌بینانه‌ای از کوشش‌های توسعه بهائی به آنان ارائه نگردد، این دوستان بعداً وقتی که متوجه شوند که ظرفیت پروژه‌های بهائی در دیگر ممالک برای استفاده از استعداد و خدمات آنها محدود است، دچار یأس و دلسردی خواهند شد.

به این دلیل، این نکته حائز اهمیت است که کنفرانس‌ها، سمینارها و نشریات تبلیغاتی، نباید برداشتی را که گستره اجتماع از ”پروژه‌های توسعه“ دارد در اذهان تقویت نمایند. کوشش‌های بهائی در این زمینه معمولاً به صورت ابتکاراتی در سطح مردمی شکل می‌گیرد که توسط گروه‌های کوچکی از احبّا در شهرک‌ها و روستاهای محل سکونت‌شان به مرحله اجرا در می‌آید. همانطور که این ابتکارات پرورش می‌یابند، بعضی از آنها رشد کرده به برنامه‌های پرمحتواتر با ساختارهای اداری دائمی

تبدیل می‌شوند. معه‌ذا، موارد بسیار معدودی از این ابتکارات را می‌توان با پروژه‌های پیچیده‌ای که توسط دولت‌ها و نهادهای بزرگ غیر دولتی حمایت شده احتیاجات مالی‌شان تأمین می‌گردد، قابل قیاس دانست.

همچنین هوشیاری و دقت در استفاده مؤثر از استعداد‌های افراد با تخصّص‌های ویژه لازم است که بتوان تضمین نمود که ابتکار بعضی از نفوس، معمولاً آنهایی که به منابع مالی بیشتری دسترسی دارند، موجب اختناق ابتکارات دیگران نگردد. نظم اداری به طریقی بنا شده است که ابتکارات را پرورش می‌دهد و حقّ نفوس را برای مشارکت مؤثر در توسعه جامعه خودشان محفوظ می‌دارد. بنا بر این، فعالیت‌های احبّا در هر کشور تحت هدایت مؤسّسات بهائی در آن کشور قرار می‌گیرد....

به طور کلی، عامل تعیین‌کننده برای تطبیق کمک و خدمت ارائه شده به پروژه‌ها، باید ظرفیت پروژه‌ها برای دریافت کمک باشد نه میزان منابع موجود. در این مرحله از رشد امر الله، چه بسا ممکن است که نبوغ و استعداد‌های احبّا، ...، به مراتب بیشتر از ظرفیت پروژه‌های توسعه در نقاط دیگر برای دریافت کمک باشد. در این مورد، این رویکرد دوجانبه که شما دنبال می‌کنید بسیار مناسب به نظر می‌رسد. در حالی که برای کمک به افزایش ظرفیت پروژه‌ها در سراسر جهان تلاش می‌کنید، در عین حال، افراد احبّا را در کشورهایی که از لحاظ مادی مرفه‌تر هستند تشویق می‌نمایید که در پروژه‌های بهائی در وطن خود مشارکت کنند. همچنین باید به تشویق آنها برای شرکت در مجهودات ارزشمند در خارج از جامعه امر نیز ادامه دهید تا بتوانند بر میادین شغلی خود تأثیر گذارده روح تعلیم حضرت بهاءالله را در آنها بدمند. باید به آنان اطمینان دهید که این تأثیرگذاری و القای تعلیم الهی در میادین شغلی‌شان خدمتی بس عظیم به امر مبارک به شمار می‌رود و نباید احساس کنند که تنها راه خدمت به امر الله این است که خود را مستقیماً وقف پروژه‌های امری نمایند.

(از یادداشت مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۹۷ بیت العدل اعظم الهی خطاب به دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی) [۹۶]

نیازهای مبرم نوع بشر با کشمکش بین جاه‌طلبی‌های رقابت‌جویانه و یا با اعتراض به یکایک ظلم و ستم‌های بی‌شماری که عصری مستأصل به آن مبتلا است برآورده نخواهد شد. در عوض، لازمه رفع این نیازها تغییری بنیادین در آگاهی وجدان و همچنین پذیرفتن صمیمانه این تعلیم حضرت بهاءالله می‌باشد که زمان آن فرارسیده است که هر یک از ساکنین کره ارض باید مسئولیت رفاه و آسایش تمامی خانواده بشری را قبول نماید.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۴ مه ۲۰۰۱ بیت العدل اعظم خطاب به احبّای مجتمع به مناسبت پایان

مشروعات قوس کرمل) [۹۷]

همانطور که مطلعید توجه عالم بهائی معطوف به پیشبرد فرایند دخول افواج بوده و حدّ اقلّ تا پانزده سال آینده خواهد بود. با شتاب گرفتن چنین فرایندی در سطح محلی، انتظار می‌رود که یکی از پیامدهای طبیعی همانا بروز یک حیات پویای جامعه بهائی، حیاتی مختصّ به اشتیاق برای به کارگیری تعلیم حضرت بهاءالله برای رفع نیازهای اجتماع باشد. سپس با افزایش قابلیت در سطح مردمی و بیداری وجدان جمعی نتیجه همانا اقدام اجتماعی مؤثر خواهد بود.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۶ سپتامبر ۲۰۰۶ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) [۹۸]

مشارکت فزاینده فردی و جمعی در حیات اجتماع نتیجه‌ای اجتناب‌ناپذیر حاصله از شتاب گرفتن فرایند رشد در محدوده‌های جغرافیایی پیشرفته خواهد بود. در جوامع بهائی با منابع محدود، مشارکت زود هنگام و بیش از حدّ در اینگونه مساعی می‌تواند

موجب ائتلاف نیرو و کاهش تمرکزشان در انسجام فعالیت‌های لازم برای رشد باشد. ولی در مناطقی که امر الله به قدر کافی تحکیم یافته، طبیعتاً می‌توان انتظار داشت که بهائیان در اقدام اجتماعی مشارکت نمایند و این مشارکت را در وهله اول با یافتن طرقی برای به کارگیری تعالیم در جهت رفع مشکلات و معضلات خانواده‌هایشان، همسایگان و جوامعی که در آن زندگی می‌کنند شروع کنند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۸ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) [۹۹]

بیت العدل اعظم در پیام رضوان ۲۰۰۸ خود اشاره فرموده‌اند که با پیشرفت فعالیت‌های ترویج و تحکیم، بهائیان به مشارکت روزافزون در حیات اجتماع اطراف خود جذب خواهند شد. ماهیت این مواجهه لزوماً ارگانیک، تدریجی، و با هدایت ناشی از فرایند یادگیری که بهائیان در همه جا به آن اشتغال دارند خواهد بود. به علاوه امید چنان است که مشارکت روزافزون جامعه بهائی در اجتماع در هر محدوده جغرافیایی در سراسر جهان به طور طبیعی صورت خواهد گرفت.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) [۱۰۰]

... هر فرد از آحاد نوع بشر و هر گروه از انسان‌ها، قطع نظر از اینکه در خیل پیروان این امر اعظم درآمده باشند یا نه، می‌توانند از تعالیم مبارکش الهام گیرند و از هر یک از لآلی حکمت و دانش بی‌منتهاش که در رویارویی با مشکلات آنان را مدد می‌دهد، بهره برند. براساسی تمدنی که بشریت را به سوی خود فرامی‌خواند تنها از طریق مساعی جامعه بهائی به وجود نخواهد آمد. گروه‌ها و سازمان‌های متعددی تحت تأثیر روح هم‌بستگی جهانی که جلوه‌ای غیر مستقیم از تعلیم وحدت عالم انسانی حضرت بهاءالله است، در استقرار تمدنی که مقدر است از میان اغتشاش و آشوب جامعه امروز ظاهر گردد سهم خواهند بود.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۱۰ (۱۶۷ بدیع) بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) [۱۰۱]

همانطوری که در پیام رضوان اشاره شده تغییر و تحول اجتماعی پروژه‌ای نیست که یک گروه از مردم به جهت خیر و مصلحت گروه دیگر انجام دهد. وسعت و پیچیدگی اقدام اجتماعی باید با منابع انسانی موجود در دهکده یا محله متناسب باشد. این بدان معنا است که بهتر است مساعی در مقیاس کوچکی آغاز گردد و به طور طبیعی به تناسب افزایش قابلیت ساکنین گسترش یابد — اساساً یک قابلیت برای به کارگیری عناصری از این ظهور اعظم توأم با یافته‌ها و روش‌های علمی، با کارایی فزاینده‌ای در برخورد با واقعیت اجتماعی. از اینرو، بیت العدل اعظم در بسیاری از پیام‌های اخیر خود به وضوح فرموده‌اند که در مرحله کنونی پیشرفت امر الله، قابلیت‌سازی برای رفع نیازهای مادی یک جامعه محلی نباید جدا از فرایندی بررسی گردد که برای رفع نیازهای معنوی آن جامعه در جریان است. این فرایند البته با تشکیل جلسات دعا، کلاس‌های کودکان، گروه‌های نوجوانان و حلقه‌های مطالعه در یک منطقه شتاب می‌گیرد. این فرایند توسط مؤسسات و نهادهای امری هدایت می‌شود و شدیداً متکی به ابتکارات تعداد فزاینده‌ای از افراد است که در آن منطقه به بهبود جوامع خود توجه دارند. چنین افرادی هستند، اعم از مرد و زن و پیر و جوان، که پس از اینکه بدین‌سان توان‌مندی یافتند، شروع به تصمیم‌گیری در مورد رشد روحانی و مادی خود نموده آن را به مرحله اجرا می‌گذارند و با این کار قابلیت جمعی‌شان را نیز بیش از پیش افزایش می‌دهند. بسته به شرایط موجود در منطقه، مجهودات یک سازمان غیر انتفاعی توسعه که با رعایت اصول آیین بهائی فعالیت می‌کند می‌تواند به تسهیل این فرایند توان‌مندسازی که اکنون پیچیده‌تر شده و در منطقه در حال گسترش است کمک کند. چنین سازمانی که خود به صورت ارگانیک به وجود آمده و به مرور زمان استحکام بیشتری یافته تحت هدایت اخلاقی مؤسسات آن

کشور فعالیت می‌نماید. کسانی که از نزدیک در این سازمان کار می‌کنند متمسک به انضباط کافی و لازم هستند تا اطمینان حاصل کنند که کوشش‌های‌شان مستمراً به توان‌مندی مردم کمک می‌نماید، امری که ایجاب می‌کند که در سطح محلی و دوشادوش مردم فعالیت کنند؛ مشکلات‌شان را با آنان در میان گذارند و بدانند که منافع اقتصادی‌شان محدود خواهد بود.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۰ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) [۱۰۲]

یک جامعه کوچک که اعضای آن به سبب عقاید مشترک‌شان با یکدیگر متحدند، آرمان‌های والا ویژگی خاص آن است، در اداره امور خویش ماهر و در برآوردن نیازهای خود کارآمد است و احتمالاً به چند طرح بشردوستانه نیز اشتغال دارد — یک چنین جامعه‌ای شکوفا ولی دور از واقعیت‌هایی که توده‌های وسیع بشریت با آن سر و کار دارند هرگز نمی‌تواند امیدوار باشد که به منزله الگویی برای تجدید ساختار تمامی جامعه بشری عمل نماید. مایه سرور عمیق این جمع است که جامعه بهائی در سراسر عالم توانسته است از خطرات خودخوشنودی و سهل‌انگاری بپرهیزد. جامعه برآستی زمام امور ترویج و تحکیم خود را به خوبی در دست دارد. اما تا یادگیری روش‌های تمشیت امور تعداد فزاینده‌ای از مردم در روستاها و شهرهای مختلف کره زمین و معرفی معیارهای نظم جهانی حضرت بهاءالله به جهانیان هنوز راه درازی در پیش است.

رسیدن به این هدف وظیفه خطیری است که پیش‌گامان فرایند یادگیری باید آن را بپذیرند، فرایندی که پیشرفت آن در طی نقشه آینده ادامه خواهد یافت. هر جا یک برنامه فشرده رشد تأسیس می‌گردد شایسته است که دوستان نهایت سعی و کوشش خود را جهت بالا بردن سطح مشارکت مبذول دارند. به جا است که به شدت تلاش کنند تا سیستمی که با چنین زحمتی به وجود آورده‌اند محدود و درون‌گرا نشود بلکه بیش از پیش گسترش یابد و مردمان بیشتری را در بر گیرد.... به جا است که درس‌های گذشته را فراموش نکنند، درس‌هایی که شکی باقی نگذاشته است که یک گروه نسبتاً کوچک از پشتیبانان فعال امر هر چقدر هم عالم و کاردان و از جان‌گذشته و فداکار باشند قادر نخواهند بود پاسخگوی نیازهای جوامعی باشند که مشتمل بر صدها نفر مرد و زن و کودک است تا چه رسد به هزاران نفر.

(ترجمه‌ای از پیام مورخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین

[۱۰۳]

قاره‌ای)

الگوی حیات روحانی و اجتماعی که در محدوده‌های جغرافیایی در حال شکل‌گیری است و شامل حلقه‌های مطالعه، کلاس‌های کودکان، گروه‌های نوجوانان، جلسات دعا، ملاقات در منازل، مساعی تبلیغی، جلسات تأمل و بازنگری، و نیز برگزاری مراسم تعطیلات بهائی، ضیافات نوزده روزه و سایر گردهمایی‌ها می‌باشد، فرصت‌های بسیاری را برای تعامل، تجربه، مشورت، و یادگیری که تغییر در درک و عمل فردی و جمعی را به دنبال خواهد داشت فراهم می‌کند. با برقراری ارتباط بین دوستان و مردمان مختلف، به خصوص در محیط به هم پیوسته محله‌ها، مسائل مربوط به تعصب نژادی، طبقاتی و رنگ پوست ناگزیر مطرح خواهد شد. در چنین شرایطی، هر فعالیتی می‌تواند با توجه به فرهنگ و علایق مردم متناسب‌ترین شکل را به خود بگیرد تا مؤمنین جدید در محیطی پر محبت و آشنا بتوانند حیات جدید یابند و ثابت‌قدم گردند و مآلاً سهم خود را در حل چالش‌هایی که یک جامعه بهائی در حال رشد با آن رو به رو است ادا نمایند. زیرا این فرایندی نیست که عده‌ای از طرف دیگران که دریافت‌کنندگان منفعلی هستند انجام دهند — یعنی صرفاً گسترش یک جماعت مذهبی و یا دعوتی پدرمآبانه — بلکه فرایندی است که در آن تعداد روزافزونی از نفوس، آگاهانه مسئولیت تقلیب عالم انسانی را که حضرت بهاءالله بانی آن هستند به عهده می‌گیرند. در محیطی مملو از عشق و اعتماد حاصل از اعتقاد، عمل، و رسالت مشترک، افراد از نژادهای

مختلف رابطه قلبی و فکری عمیقی با یکدیگر خواهند داشت، رابطه‌ای که درک و تغییر متقابل به آن بستگی دارد. تعداد فزاینده‌ای از احبّا در نتیجه تعلیم و تزئید معلومات‌شان ینش‌هایی از آثار مبارکه خواهند یافت تا با به کار بردن آنها مسائل مربوط به تعصّبات نژادی را که در زندگی شخصی و خانوادگی و محیط اجتماعی و کاری پیش می‌آید به نحوی حسّاس و مؤثر حل کنند. با پیشرفت برنامه‌های رشد و افزایش دامنه و شدّت فعالیت‌ها، دوستان به مشارکت در گفتگوها و به موقع خود در ابتکاراتی در زمینه اقدام اجتماعی در سطح مردمی جلب خواهند شد، زمینه‌هایی که در آن به نحو مستقیم یا غیر مستقیم مسائل مربوط به رهایی از تعصّبات به طور طبیعی ظاهر می‌شود.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۰ آوریل ۲۰۱۱ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) [۱۰۴]

شما بدون شک با هدایات مذکور در پیام رضوان ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم راجع به ”برخی مفاهیم بنیادین“ در ارتباط با موارد اقدام اجتماعی پی‌گیری شده توسّط بهائیان که شامل پروژه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌باشد آشنایی دارید. از جمله این مفاهیم، اصولی است که ”اگرچه اقدام اجتماعی ممکن است عرضه کالا و خدمات را به صورتی شامل شود امّا مقصد در درجه اول باید ایجاد توان‌مندی در جمعیت مورد نظر باشد تا بتوانند در ساختن یک جهان بهتر مشارکت نمایند.“ و اینکه ”تغییر و تحوّل اجتماعی پروژه‌ای نیست که یک گروه از مردم به جهت خیر و مصلحت گروه دیگر انجام دهد“. چنین مجهوداتی در حقیقت بهتر است از درون جوامعی آغاز شود که از آن بهره‌مند خواهند شد و باید بسیار مراقبت نمود تا اطمینان حاصل شود که منابع ارائه شده از خارج جامعه ماهیت پروژه‌ها را تعیین نکند. در محلّ‌هایی در سراسر جهان که فرایند رشد به خوبی در حال پیشرفت است قابلیت‌های بارزی که فرایند مؤسّسه آموزشی در افراد ایجاد نموده، طبیعتاً موجب تأسیس برنامه‌های پایدار اقدام اجتماعی در سطح مردمی می‌شود زیرا که اعضای یک جامعه هستند که در بهترین موقعیت قرار دارند تا واقعیت اجتماعی خود را درک کنند، احتیاجات‌شان را بررسی نمایند و مسیر پیشرفت‌شان را تعیین کنند. به این دلیل است که بهائیان به طرح و اجرای پروژه‌های توسعه در کشورهایی غیر از کشور خود تشویق نمی‌شوند.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۲ اکتبر ۲۰۱۲ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) [۱۰۵]

بهائیان بر این باور نیستند که تقلیب و تحوّلات مورد نظر تنها از طریق مساعی آنان صورت خواهد گرفت و هم‌چنین به دنبال ایجاد نهضتی نیستند که ینش خود را نسبت به آینده بر اجتماع تحمیل نماید. هر ملّت و هر گروه و در حقیقت هر فرد، به فراخور توان و استعداد خود به ایجاد تمدّنی جهانی که نوع بشر قطعاً به سوی آن پیش می‌رود کمک خواهد کرد.

(پیام مورّخ ۱۲ اسفند ۱۳۹۱ بیت العدل اعظم خطاب به احبّای ایران) [۱۰۶]

در کانون چنین رویکردی مسئله قابلیت‌سازی قرار دارد. در محدوده‌های جغرافیایی متعدّد مشاهده شده است که قابلیت انجام مساعی در زمینه اقدام اجتماعی با مشارکت تعداد بیشتری از افراد در فرایند مؤسّسه آموزشی و حمایت از آنان در صرف قوایشان برای تقلیب معنوی و مادّی مناطق خود، تدریجاً بیشتر می‌شود. مجهودات توسعه اجتماعی و اقتصادی بهائی در سطوح محلی به طور کلی در مقیاس کوچکی آغاز گشته و به طور طبیعی و متناسب با منابع انسانی و مادّی موجود گسترش می‌یابد. در این رابطه، همانطور که در پیام رضوان ۲۰۱۰ اشاره شد، تغییر و تحوّل اجتماعی پروژه‌ای نیست که یک گروه از مردم به جهت خیر و مصلحت گروه دیگر انجام دهد و هم‌چنین نباید آن را صرفاً به عرضه کالا و ارائه خدمات تقلیل داد. با توجّه به این نکات است که بهائیان به اجرای پروژه‌ها در کشورهایی که در آن ساکن نیستند تشویق نمی‌شوند. به علاوه، به دلایلی چند در مواردی که منابع مالی از بیرون از محل در دسترس یک پروژه خاصّ قرار می‌گیرد احتیاط قابل توجّهی باید به

کار برده شود. مثلاً تجربه نشان داده است که وقتی تأمین‌کنندگان منابع مالی از خارج جامعه عهده‌دار مسئولیت مدیریت و هدایت یک پروژه می‌شوند یا نفوذ بیش از حد در مورد ماهیت پروژه اعمال می‌کنند، حق جامعه محلی در تعیین مسیر پیشرفت می‌تواند به خطر بیفتد. علاوه بر این، سازمان‌هایی که فقط متکی به حمایت از بیرون هستند، در صورت قطع منابع مالی از خارج، اغلب برای حفظ و ادامه فعالیت‌های خود دچار مشقت می‌شوند. برای جلوگیری از چنین چالش‌هایی دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی در مرکز جهانی بهائی برای کمک به هماهنگی ساختن نقل و انتقال منابع به پروژه‌های توسعه ملهم از تعالیم بهائی، هم شرایط منطقه و هم بلوغ ابتکارات خاص را در نظر می‌گیرد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۹ آوریل ۲۰۱۳ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) [۱۰۷]

... از دیدگاه بهائی، توسعه فرایندی است که شرکت‌کنندگان اصلی آن خود مردم هستند. تأکید همانا بر قابلیت‌سازی در جوامع جهت اخذ و اجرای تصمیمات در مورد پیشرفت روحانی و مادی آنان است. این امر مستلزم فرایندی است که طی آن، مجهوداتی در مقیاس کوچک به نحوی ارگانیک از یک الگوی حیات جامعه که نتیجه تجربه دوستان در به کار بردن چارچوب عمل مرتبط با نقشه پنج‌ساله در سطح محدوده جغرافیایی است ظاهر می‌شود. با اشتغال در فرایندهای ترویج و تحکیم، مؤمنین طی تلاش‌هایشان موفق به کسب درکی دقیق‌تر از چالش‌هایی می‌شوند که مردمی که به آنها خدمت می‌کنند با آن مواجهند و همچنین به تدریج می‌آموزند تا تعالیم امر مبارک را برای احتیاجات مبرم جوامع خود به کار بندند. تجربه در سراسر عالم بهائی نشان داده است که به کارگیری نهادهای خارجی، فناوری، و یا منابع مالی برای شروع و تداوم پروژه‌ها در مراحل اولیه یعنی قبل از ایجاد قابلیت لازم در سطح محلی کار سازنده‌ای نیست.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۳۰ دسامبر ۲۰۱۴ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) [۱۰۸]

مراحل اولیه مجهودات سیستماتیک برای ایجاد تماس با یک جمعیت و ترغیب آنان به شرکت در فرایند قابلیت‌سازی هنگامی به نحوی بارز سرعت می‌گیرد که اعضای آن جمعیت خود پیش‌گامان آن باشند. این افراد از بینشی خاص در مورد قوا و ساختارهای اجتماع‌شان برخوردارند که می‌تواند به طرق گوناگون فعالیت‌های در دست اقدام را تحکیم بخشد.

(ترجمه‌ای از پیام مورخ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین

قاره‌ای) [۱۰۹]

... بهائیان در شهرها و دهکده‌ها در سراسر کره ارض به تأسیس الگویی از زندگی اشتغال دارد که تعداد فزاینده‌ای از مردم، بدون توجه به پیشینه آنان، دعوت می‌شوند تا در آن مشارکت نمایند. این الگو که نمایانگر انسجامی پویا بین ابعاد مادی و معنوی زندگی می‌باشد شامل کلاس‌هایی است برای تعلیم و تربیت روحانی کودکان که در آن درکی عمیق از وحدت بنیادین ادیان جهان کسب می‌کنند؛ گروه‌هایی برای کمک به نوجوانان تا بتوانند این مرحله حساس و مهم از زندگی خود را هدایت کنند و در مقابل قوای مخرب که به خصوص آنان را هدف قرار داده ایستادگی نمایند؛ حلقه‌هایی برای مطالعه که شرکت‌کنندگان در باره ماهیت روحانی عالم هستی تفکر و تأمل می‌نمایند و قابلیت خدمت به جامعه و اجتماع را کسب می‌کنند؛ گردهمایی‌هایی برای عبادت دسته‌جمعی که خصیصه نیایشی جامعه را تقویت می‌کند؛ و در زمان مناسب انواع فزاینده‌ای از مجهودات برای توسعه اجتماعی و اقتصادی. این الگوی حیات جامعه منتهی به ایجاد جوامع پویا و هدفمند جدیدی می‌گردد که در آن روابط بر اساس یگانگی نوع بشر، مشارکت عمومی، عدالت، و رهایی از تعصب استوار گشته است. این جامعه به روی همه باز است. فرایندی که در حال شکل‌گیری است در پی ترویج همکاری بین گروه‌ها و

قابلیت‌سازی افراد است تا همگی بدون در نظر گرفتن طبقه یا پیشینه مذهبی، بدون توجه به قومیت یا نژاد، صرف نظر از جنسیت یا وضعیت اجتماعی بپا خیزند و به پیشبرد تمدن کمک نمایند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۷ دسامبر ۲۰۱۷ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) [۱۱۰]

شروع اقدام اجتماعی

هیكل مبارک برنامه مطروحه شما برای ازدیاد تولید محصولات کشاورزی به جهت تأمین کمبود احتمالی مواد غذایی در این ایام جنگ را با نهایت علاقه ملاحظه فرمودند. در حالی که ایشان بر نیاز به ارائه چنین برنامه‌ای مطلع هستند و از منویات عالیه‌ای که موجب گرایش شما به سوی این مسئله شده عمیقاً قدردانی می‌کنند، با وجود این معتقدند که هنوز وقت آن نرسیده است که بهائیان به طور جمعی اقداماتی اجتماعی و اقتصادی با چنین وسعت و خصوصیات را به عهده بگیرند. نه تعداد احبّا و نه امکانات مادی که در دسترس دارند به حدی است که بتواند امیدی برای اجرای موفقیت‌آمیز این نوع مشروعات به آنان بدهد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۶ نوامبر ۱۹۴۰ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۱۱۱]

حال وقت آن نیست که یاران الهی در فکر ایجاد یک دهکده بهائی باشند؛ آنان وظایف مشخصی در پیش دارند که در نهایت درجه اهمیت و فوریت قرار دارد و باید توجه‌شان را در آن متمرکز نمایند. به علاوه، حضرت ولی‌امرالله مقتضی نمی‌دانند که یاران الهی در این زمان اقدام به خریداری زمین نمایند. وقتی در آینده به اهدافی که مولای محبوب (حضرت عبدالبهاء) بنفسه برایشان تعیین فرموده‌اند نائل گردند آنگاه قادر خواهند بود که مشروعات محلی بیشتری را تأسیس نمایند ولی در این زمان اقدام به چنین مشروعاتی فقط موجب تحلیل قوایی خواهد شد که کلاً باید متمرکز به امور تبلیغی گردد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۶ مارس ۱۹۴۳ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از

احبّا) [۱۱۲]

احبای عزیز نمی‌بایست از توجه به وظایف عاجل و فوری خود که عبارت است از تحکیم صبورانه مؤسسات نظم‌اداری‌شان و تأسیس محافل جدید ... و بذل مساعی در تکامل حیات بهائی لحظه‌ای غفلت ورزند زیرا این وظایف از جمله اموری است که هیچ گروه دیگری از مردم روی زمین قادر بر انجام آن نبوده و یا آن را انجام نخواهند داد و فقط پیروان اسم اعظم‌اند که قادر به ایجاد بنیان روحانی و نمونه می‌باشند که طرح‌های بزرگ‌تر جهان باید نهایتاً برآن استوار گردد. در عین حال می‌بایست جمیع مساعی را در این زمان متمرکز بر انتشار تعالیم امرالله و مرتبط ساختن آنها با مصائب عالم انسانی و نقشه‌های آینده‌اش نمود.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۹ مارس ۱۹۴۵ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از

محافل روحانی ملی) [۱۱۳]

افق وسیعی در مقابل ما در حال پدیدار شدن است که نمایان‌گر جلوه روزافزون و عالم‌گیر قوای نهفته امر مبارک برای اداره امور بشری است. در پرتو این نور نه تنها وظایف فوری ما نمایان است بلکه فعالیت‌ها و مسئولیت‌های جدیدی را که باید به زودی بر عهده گیریم می‌توان ملاحظه نمود....

... قوای روحانی منبعث از ظهور حضرت بهاءالله متناسب با نیازهای زمان است. بنا بر این می‌توانیم اطمینان کامل داشته باشیم که قوای محرکه جدیدی که در سراسر عالم بهائی جاری است توانمندی لازم را به جامعه اعطا خواهد نمود تا متناسب با بلوغ و منابعش، پاسخگوی چالش‌هایی باشد که در پیش است — مانند مساعدت به پیشرفت حیات اجتماعی و اقتصادی مردمان، هم‌کاری با قوایی که منجر به استقرار نظم در جهان می‌شود، تأثیرگذاری بر بهره‌برداری و استفاده سازنده از تکنولوژی مدرن — و از همه این طرق موجب افزایش اعتبار و پیشرفت امر مبارک و اعتلای شرایط زندگی عموم بشر شود.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۱۴۰ (۱۹۸۳) بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) [۱۱۴]

پیام مورخ ۲۰ اکتبر ۱۹۸۳ بیت العدل اعظم مفاهیم، اهداف و اصول راهنما جهت انتخاب و اجرای پروژه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های توسعه بهائی را به طور واضح تشریح کرده است. اکثر پروژه‌های بهائی اساساً در سطح محلی ایجاد خواهد شد و در ابتدا و در صورت نیازمندی، حمایت منابع بهائی چه مالی و چه انسانی را دریافت خواهد کرد. پروژه‌ها همانطوری که متوجه شده‌اید، غیر انتفاعی و عمدتاً مربوط به فعالیت‌هایی مرتبط با آموزش و پرورش، سلامت و بهداشت، کشاورزی و فعالیت‌های ساده توسعه جامعه خواهد بود. امید است که همه این نوع پروژه‌ها، بازتاب توانایی اصول روحانی مندمج در تعالیم حضرت بهاءالله باشد.

حائز اهمیت است که دامنه اقدامات ما در حال حاضر محدود باشد. سپس با کسب اطمینان و تجربه بیشتر و با افزایش منابع مان، گستره اقدامات مان اهداف وسیع‌تری را در بر خواهد گرفت و دوستان، زمینه‌های جدیدی از فعالیت اجتماعی و اقتصادی را بررسی خواهند کرد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۲ دسامبر ۱۹۸۳ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) [۱۱۵]

رابطه بین تبلیغ و توسعه اقتصادی و اجتماعی باید هم از نظر بعضی اصول بنیادی و هم با توجه به فرایندهایی که مشخص رشد جامعه بهائی است مورد بررسی قرار گیرد. شما از اصول مربوطه که شامل موارد زیر است کاملاً آگاه هستید: بهائیان باید تعالیم حضرت بهاءالله را با آزادی و بدون قید و شرط در اختیار اهل عالم قرار دهند تا مردم بتوانند آنها را در مسائل مبرم اجتماعی به کار برند و به ترقی خود از نظر مادی و معنوی موفّق شوند. احبّا باید در ارتباط خود با جامعه بیرون صادق و از هرگونه شائبه فریب و نیرنگ برکنار باشند. پروژه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی نباید به عنوان وسیله‌ای که مردم را به تغییر دین وا می‌دارد مورد استفاده قرار گیرد و کمک‌های مالی از منابع غیر بهائی نباید برای اهدافی که مطلقاً مربوط به جامعه بهائی است به کار رود. هیچ یک از این نکات از اهمیت وظیفه مقدّس تبلیغ امر الله نمی‌کاهد. تبلیغ امر الله باید شور و اشتیاق حاکم بر حیات هر فرد از آحاد احبّا و رشد جامعه مسئله‌ای عمده و مورد نظر خاصّ جامعه بهائی باشد.

با پیشرفت جامعه بهائی از یک مرحله به مرحله دیگر، دامنه فعالیت‌هایی که قادر بوده است بر عهده بگیرد افزایش یافته است. ماهیت رشد جامعه بهائی ارگانیک می‌باشد بدین معنی که تغییرات تدریجی در عملکردهای جامعه رخ داده است. زمانی که جامعه بهائی کوچک بود، جمیع مراودات آن با اجتماع بیرون به راحتی تحت عناوین تبلیغ مستقیم و تبلیغ غیر مستقیم خلاصه می‌شد. اما به مرور ابعاد جدیدی از این مراودات مانند مشارکت در جامعه مدنی، امور بسیار سازمان‌یافته دیپلماتیک، اقدام اجتماعی و امثال آن ظهور نمود که هر یک اهداف، روش‌ها و منابع مخصوص به خود را دارا می‌باشد. از یک نقطه نظر معین، می‌توان به جمیع این فعالیت‌ها به عنوان تبلیغ اشاره کرد زیرا هدف غایی آنها نشر نفحات الله، ارائه آثار حضرت بهاءالله

به اهل عالم و خدمت به نوع بشر است. اما در عمل، آنچه ثمربخش‌تر به نظر می‌رسد این است که هر یک را خطوط عمل جداگانه ولی مکمل یکدیگر به حساب آوریم. فی‌المثل، اگر بعضی مجهودات توسعه اقتصادی و اجتماعی به سادگی تبلیغ غیر مستقیم تلقی شود، ممکن است حدّ اقلّ به دو صورت ایجاد اشتباه نماید: از یک طرف احتمالاً این تصوّر را پیش خواهد آورد که هدف اولیّه و کوتاه‌مدّت فعالیت‌های توسعه باید تسجیل احبّای جدید باشد که البته داشتن چنین هدفی درست نیست. از طرف دیگر ممکن است در ذهن بعضی از احبّای این فکر را القا نماید که صرفاً با شرکت در اقدام اجتماعی موفق به انجام وظایف تبلیغی خود می‌شوند.

توسعه اقتصادی و اجتماعی به تنهایی، و مستقلّ از دیگر اقدامات، میدان مهمّی از فعالیت است و انجام آن نباید بر مبنای توانایی آن برای جلب مسجّلین جدید توجیه شود. توسعه اقتصادی و اجتماعی مکمل و ممدّ تبلیغ است. طبیعتاً وقتی مساعی در زمینه توسعه موفقیت‌آمیز باشد علاقه عمومی به امر مبارک را افزایش داده فرصت‌های جدید تبلیغی برای جامعه بهائی پدید می‌آورد، فرصت‌هایی که احبّای باید از طریق فعالیت‌های ترویج و تحکیم خود آنها را مغتنم شمرده از آن استفاده نمایند.

(از یادداشت مورّخ ۲۷ آوریل ۱۹۹۸ بیت العدل اعظم الهی خطاب به دفتر توسعه اجتماعی و

[۱۱۶]

اقتصادی)

یکی از اصول اساسی توسعه اجتماعی و اقتصادی بهائی آن است که احبّای باید تعالیم حضرت بهاءالله را آزادانه و بدون قید و شرط به بشریت ارائه دهند تا مردم در همه جا بتوانند آنها را در حلّ مسائل مبرم اجتماعی به کار برند و زندگی فردی و جمعی خود را، هم از نظر مادّی و هم از نظر معنوی، بهبود بخشند. دسترسی به کلمه الله نباید منوط به پذیرش حضرت بهاءالله به عنوان مظهر ظهور الهی برای امروز باشد. به علاوه در مواردی ممکن است بر حسب شرایط ذکر صریح منبع الهام برنامه آموزشی که بر اساس تعالیم آن حضرت تهیه شده لازم نباشد. در پرتو این حقیقت، هنگام تهیه مطالب آموزشی که از تعالیم و اصول امر مبارک سرچشمه گرفته است، گستره‌ای از گزینه‌ها وجود دارد که دوستان می‌توانند آنها را مورد نظر قرار دهند.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۱ ژوئن ۲۰۰۶ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّای)

البته انتظار می‌رود که تمایل به انجام اقدام اجتماعی با تغییر و تحوّل گروهی هم‌راه باشد، تغییر و تحوّل جمعی که در یک دهکده یا محله با آمیزش عبادت جمعی و ملاقات در منازل و اقداماتی برای تعلیم و تربیت روحانی آن جمعیت با هدف ایجاد یک الگوی غنی حیات جمعی آغاز می‌شود. اقدام اجتماعی البته می‌تواند شامل غیر رسمی‌ترین تلاش‌های کوتاه‌مدّت تا برنامه‌های بسیار پیچیده توسعه اجتماعی و اقتصادی باشد که توسط سازمان‌های غیر دولتی ملهم از تعالیم بهائی دنبال می‌شود — همگی در جهت به کار بستن تعالیم الهی در مورد برخی از نیازهای شناسایی شده در زمینه‌هایی مانند بهداشت، آموزش و پرورش، کشاورزی و محیط زیست.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۴ ژانویه ۲۰۰۹ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل)

[۱۱۸]

(روحانی ملّی)

در پیام رضوان ۲۰۰۸ خاطرنشان ساختیم که با ادامه مساعی در سطح محدوده جغرافیایی، احبّای بیش از پیش به مشارکت در حیات عمومی اجتماع جلب خواهند شد و با این وظیفه مهم رو به رو خواهند گشت که فرایند یادگیری سیستماتیک را که به آن مشغول هستند توسعه دهند تا دامنه وسیعی از مجهودات انسانی را در بر گیرد. در هر محدوده

جغرافیایی، در حالی که عبادت دسته‌جمعی و گفتگوها در محیط صمیمانه منازل با فعالیت‌هایی به منظور آموزش روحانی به همه مردم از بزرگسال و جوان و کودک آمیخته می‌گردد، تصویر زیبا و پرباری از حیات جامعه به ظهور و بروز می‌رسد. آگاهی اجتماعی طبعاً آنگاه اعتلا می‌یابد که فی‌المثل گفتگوهای پرشور در بین والدین در باره آمال و علایق فرزندان‌شان تکثر یابد و پروژه‌های خدمت با ابتکار نوجوانان به راه افتد. با ازدیاد وافر منابع انسانی در محدوده جغرافیایی و استحکام الگوی رشد، مشارکت و هم‌کاری جامعه بهائی با اجتماع می‌تواند و در واقع می‌باید افزایش یابد. در این برهه خطیر از اجرای نقشه، هنگامی که تعداد بسیاری از محدوده‌های جغرافیایی به چنین مرحله‌ای نزدیک شده‌اند، مقتضی است که احبّا در کلیه نقاط در باره ماهیت کمک‌هایی که جوامع پویا و در حال رشد آنها به پیشرفت مادی و معنوی اجتماع ارائه خواهند داد تأمل نمایند. در این خصوص، تفکر در دو حوزه فعالیت که به هم مرتبط و تقویت‌کننده یک‌دیگرند یعنی اشتغال به اقدام اجتماعی و شرکت در گفتمان‌های رایج در اجتماع، سودمند خواهد بود....

اقدام اجتماعی به بهترین تعریف، طیفی از مجهوداتی است که می‌تواند از یک سو مساعی نسبتاً غیر رسمی و کوتاه‌مدتی را که افراد یا گروه‌های کوچکی از احبّا انجام می‌دهند شامل شود و از سوی دیگر، برنامه‌های پیچیده و پیشرفته توسعه اجتماعی و اقتصادی سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی را در بر گیرد. هر نوع اقدام اجتماعی، صرف نظر از دامنه و مقیاس آن، کوششی برای به کارگیری تعالیم و اصول امر الهی به منظور اصلاح یک و یا بعضی از جنبه‌های حیات اجتماعی یا اقتصادی گروهی از مردم می‌باشد. به این ترتیب، شاخص این گونه مجهودات هدف صریح ترویج رفاه مادی مردم و در عین حال سعادت معنوی آنها است. از جمله تعالیم اساسی دیانت بهائی آن است که تمدن جهانی که اکنون در افق حیات بشری نمایان گردیده باید انسجامی پویا بین نیازهای مادی و معنوی زندگی برقرار سازد. بدیهی است که این آرمان پیامدهای مهمی برای ماهیت هر اقدام اجتماعی که بهائیان دنبال کنند، صرف نظر از دامنه و تأثیر آن، در بر دارد. هرچند شرایط و احوال از کشور تا کشور بلکه از یک محدوده تا محدوده دیگر تفاوت خواهد داشت و در نتیجه مساعی احبّا نیز متفاوت خواهد بود اما برخی مفاهیم بنیادین وجود دارد که باید همه آن را در نظر گیرند. یکی از این مفاهیم جایگاه مرکزی دانش در حیات اجتماعی است. تداوم بخشیدن به جهل و نادانی از غم‌انگیزترین انواع جور و ستم است و موجب استحکام و ابقای تعصبات گوناگون می‌گردد، تعصباتی که مانعی در راه تأسیس وحدت عالم انسانی است، وحدتی که در عین حال هم هدف و هم اصل اجرایی امر حضرت بهاءالله می‌باشد. دسترسی به دانش حقّ هر یک از افراد بشر است و مشارکت در ایجاد، به کارگیری و انتشار آن مسئولیتی است که هر فردی بر حسب استعداد و توانایی خود باید به جهت شرکت در مشروع عظیم بنای یک مدنیت جهانی بر عهده گیرد. عدالت مشارکت عمومی را ایجاب می‌نماید. در نتیجه، اگرچه اقدام اجتماعی ممکن است عرضه کالا و خدمات را به صورتی شامل شود اما مقصد آن در درجه اول باید ایجاد توانمندی در جمعیت مورد نظر باشد تا بتوانند در ساختن یک جهان بهتر مشارکت نمایند. تغییر و تحول اجتماعی پروژه‌ای نیست که یک گروه از مردم به جهت خیر و مصلحت گروه دیگر انجام دهد. وسعت و پیچیدگی اقدام اجتماعی باید با منابع انسانی موجود در دهکده یا محله متناسب باشد. بنا بر این بهتر است که مساعی در مقیاس کوچکی آغاز گردد و به طور طبیعی به تناسب افزایش توانمندی ساکنین گسترش یابد. البته هم‌چنان که دست‌اندرکاران تغییر و تحول اجتماعی می‌آموزند که عناصری از این ظهور اعظم را توأم با یافته‌ها و روش‌های علمی، با کارایی فزاینده‌ای در برخورد با واقعیت اجتماعی خود، به کار برند توانمندی به سطوح جدیدی ارتقا می‌یابد. آنان باید بکوشند تا با بینشی هماهنگ با تعالیم الهی به این واقعیت بنگرند یعنی هم‌نوعان خود را به مثابه معادنی از جواهر گران‌بها

مشاهده نمایند و اثرات فرایند دوگانه سازندگی و تخریب را هم در قلوب و عقول و هم در ساختارهای اجتماعی تشخیص دهند....

... به علاوه مشارکت بیشتر در حیات اجتماع ناپستی نابهنگام و عجولانه صورت گیرد. این مشارکت به تدریج با کوشش و پشت کار احبّا در هر محدوده جغرافیایی در اجرای مفاد و مندرجات نقشه از طریق فرایند عمل، تأمل، مشورت، مطالعه و نتیجتاً یادگیری به طور طبیعی پیش خواهد آمد. مشارکت در زندگی اجتماع با افزایش تدریجی توانمندی جامعه در پیشبرد رشد و حفظ تحرّک و پویایی خود، شکوفا خواهد شد و تا حدّی که در آن از عناصر چارچوب مفاهیم ذهنی حاکم بر سلسله نقشه‌های جهانی کنونی استفاده شود، با فعّالیت‌های ترویج و تحکیم انسجام خواهد یافت و به همان اندازه که این عناصر در زمینه‌های تازه یادگیری به نحو سازنده‌ای به کار گرفته شود، به حرکت جمعیت‌ها به سوی بینش حضرت بهاءالله نسبت به یک تمدّن جهانی مرفّه و صلح‌آمیز کمک خواهد کرد.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۱۰ (۱۶۷ بدیع) بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) [۱۱۹]

با پیشرفت مستمرّ ترویج و تحکیم در سال گذشته، کوشش در سایر عرصه‌های مهم نیز غالباً به موازات آنها پیش رفته است. یکی از بارزترین نمونه‌ها آنست که پیشرفت‌هایی که در سطح فرهنگ برخی از دهکده‌ها و محله‌ها مشاهده می‌گردد تا حدّی مدیون آموخته‌های ناشی از مشارکت بهائیان در اقدام اجتماعی است. دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی بیت العدل اعظم اخیراً سندی در این زمینه تهیه نموده که حاوی عصاره تجربه سی ساله، یعنی از ابتدای تأسیس آن دفتر در مرکز جهانی بهائی تا امروز است. از جمله نکات مذکور در این سند این است که فرایند مؤسسه آموزشی تا چه حدّ به مشارکت در اقدام اجتماعی نیز تحرّک می‌بخشد. این امر به تنهایی در اثر افزایش منابع انسانی صورت نمی‌پذیرد بلکه تجربه نشان داده است که بینش‌های روحانی و خصایص و توانایی‌های منبعث از فرایند مؤسسه آموزشی به همان اندازه که برای کمک به فرایند رشد ضروری است برای مشارکت در اقدام اجتماعی نیز حائز اهمیت می‌باشد. نکته دیگری که در این سند توضیح داده شده این است که چگونه یک چارچوب ذهنی مشترک در حال تکامل و متشکّل از عناصری که متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند، بر تمامی فعّالیت‌های جامعه بهائی حکم‌فرما است هرچند این عناصر در عرصه‌های متمایز عمل جلوه‌های متفاوتی به خود می‌گیرند. سند مذکور اخیراً به محافل روحانی ملّی ارسال شده است. حال از آن محافل دعوت می‌نمایم که در مشورت با مشاورین این مسئله را مورد بررسی قرار دهند که چگونه مفاهیم مندرج در آن می‌تواند به پیشبرد مساعی جاری در عرصه اقدام اجتماعی در مناطق تحت اشراف آنها کمک کند و آگاهی از این بُعد مهمّ مجهودات بهائی را افزایش دهد.^۲ این دعوت نباید به عنوان فراخوانی عمومی برای تلاش‌های گسترده در این زمینه تعبیر گردد زیرا در یک جامعه در حال رشد شروع اقدام اجتماعی به طور طبیعی صورت می‌پذیرد ولی بجاست که احبّا در باره نتایج و مقتضیات مساعی خود در جهت تقلیب اجتماع عمیق‌تر به تفکّر و تأمل پردازند. ازدیاد یادگیری در اقدام اجتماعی مشغله بیشتری برای دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی ایجاد می‌نماید و تمهیداتی در دست تهیه است تا عملیات این دفتر به نحو متناسبی بسط و تکامل یابد.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۱۳ (۱۷۰ بدیع) بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) [۱۲۰]

در سال‌های اخیر روشن شده است که در جوامعی که تأکیدی شدید بر قابلیت‌سازی مبتنی بر ویژگی‌های نقشه پنج ساله وجود داشته، توانایی احبّا در انجام اقدام اجتماعی به طور قابل توجهی افزایش یافته است. بنا بر این شایسته است که دوستان را به مداومت در تلاش‌های‌شان در راه تقویت مؤسسه آموزشی و فعّالیت‌های نقشه که کلید ازدیاد منابع انسانی و ایجاد

یک جامعه با محبت، پویا و متحد است تشویق کنید. با پیشرفت در این مسیر، دوستان به طور فزاینده‌ای قادر خواهند شد تا به طرق ملموسی در حلّ عملی مشکلاتی که جمعیت‌ها در سطح مردمی در شهرهای بزرگ و کوچک، محله‌ها و دهکده‌ها با آن مواجهند، مشارکت نمایند.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱ اکتبر ۲۰۱۵ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل

[۱۲۱]

روحانی ملّی)

آغاز تحرّکی جدید در زمینه اقدام اجتماعی یکی از نتایج طبیعی افزایش منابع و ازدیاد آگاهی از مقتضیات ظهور امر الهی برای زندگی یک جمعیت است. برنامه توان‌دهی روحانی به نوجوانان و یا مشاورات در باره شرایط محلی در گردهمایی‌های جامعه اغلب به طور ارگانیک موجب شروع این چنین اقداماتی می‌شود. این مجهودات می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد مثلاً ارائه کمک تدریسی به کودکان، طرح‌هایی برای بهبود محیط زیست، و فعالیت‌هایی در جهت بهداشت بهتر و پیش‌گیری از بیماری‌ها. بعضی از این ابتکارات تداوم می‌یابد و به تدریج رشد می‌کند. در نقاط مختلف، تأسیس مدرسه جامعه بعد از افزایش توجّه به آموزش صحیح کودکان و آگاهی به اهمیت آن به طور طبیعی از مطالعه موادّ مؤسسه حاصل شده است. در مواقعی تلاش‌های دوستان می‌تواند از طریق کار یک سازمان ملهم از تعالیم بهائی که در آن حوالی فعالیت می‌کند بسیار تقویت گردد. یک اقدام اجتماعی هر چقدر هم در ابتدا کوچک باشد نشانه‌ایست از اینکه یک جمعیت در درون خود قابلیت بسیار مهم را پرورش می‌دهد که امکاناتی بی‌شمار و اهمیتی فراوان برای قرون آینده دارد: قابلیت یادگیری اینکه چگونه می‌توان تعالیم این ظهور اعظم را در ابعاد گوناگون حیات اجتماعی به کار گرفت. مجموعه این چنین ابتکارانی به غنی کردن مشارکت در گفتمان‌های متداول در اجتماع در سطح فردی و جمعی نیز کمک می‌کند و همان طور که انتظار می‌رفت دوستان بیش از پیش به اشتغال فزاینده در حیات اجتماع جلب می‌شوند — پیشرفتی که بالقوه از همان ابتدا در الگوی عمل یک محدوده جغرافیایی موجود می‌باشد اما اکنون آشکارتر شده است.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین

[۱۲۲]

قاره‌ای)

پروژه‌های توسعه بهائی به طور کلی در سطوح محلی شروع می‌شوند و در مراحل اولیه توسط منابع انسانی و مالی موجود در محل تداوم می‌یابند. اگر چنین پروژه‌هایی به طور زود هنگام در یک محدوده جغرافیایی عرضه شوند ممکن است موجب پراکندگی انرژی دوستانی شود که توجّه‌شان باید در درجه اول معطوف به پیشبرد فرایندهای ترویج و تحکیم باشد. تجربه در این راستا نشان داده است که مدرسه جامعه (community school) مانند دیگر مساعی اقدام اجتماعی زمانی پایدارتر خواهد بود که در نقاطی ظاهر شود که فرایند مؤسسه آموزشی استحکام یافته است و امتدادی طبیعی از فعالیت‌های در حال انجام جامعه‌سازی باشد. در این نقاط، شرایط ایجاد یک مدرسه با افزایش تعداد شرکت‌کنندگان در دوره‌های متسلسل اصلی مؤسسه آموزشی مهیا می‌شود، دوره‌هایی که موجب تجهیز تعداد فزاینده‌ای از افراد به صفات، نگرش‌ها و توانایی‌های مورد نیاز جهت کمک به فرایندهای تقلیب روحانی و مادّی می‌شود. به علاوه، هنگامی که تلاش برای ازدیاد و تقویت کلاس‌های کودکان و گروه‌های نوجوانان موجب ترویج حسّ مالکیت یک جامعه برای تعلیم و تربیت نسل‌های جوان می‌شود، باعث افزایش قابلیت جمعی برای مجهودات حتی پیچیده‌تری نیز می‌گردد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۹ آوریل ۲۰۱۷ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل

[۱۲۳]

روحانی ملّی)

با شدت یافتن فعالیت‌های جامعه‌سازی، دوستان قابلیت‌های نویافته خود را که برای بهبود شرایط اجتماع اطراف خویش پرورش داده‌اند، به کار می‌گیرند و اشتیاقشان با مطالعه تعالیم الهی شعله‌ور می‌شود. تعداد پروژه‌های کوتاه‌مدت افزایش بسیاری یافته، برنامه‌های منظم گسترش پیدا کرده، و اکنون تعداد بیشتری از سازمان‌های توسعه ملهم از تعالیم بهائی به فعالیت در زمینه‌های آموزش، بهداشت، کشاورزی، و غیره مشغولند. از تقلیب مشهود در حیات فردی و جمعی می‌توان نشانه‌های اولیه قدرت غیر قابل تردید اجتماع‌سازی امر حضرت بهاءالله را ملاحظه نمود. پس جای تعجب نیست که دفاتر جامعه بین‌المللی بهائی در کوشش‌های خود برای مشارکت در گفتمان‌های متداول در اجتماع از چنین موارد اقدام اجتماعی، اعم از ساده یا پیشرفته و کوتاه‌مدت یا درازمدت، الهام می‌گیرند.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۱۸ (۱۷۵ بدیع) بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) [۱۲۴]

در دوران قیادت حضرت عبداله‌اء و حضرت شوقی افندی اولین جامعه‌ای که از نظر تعداد توانست با به اجرا گذاشتن تعالیم حضرت بهاءالله به نحوی سیستماتیک پیشرفت مادی و معنوی را متحد نماید جامعه مؤمنین مهد امر الله بود. استمرار هدایات از ارض اقدس بهائیان ایران را قادر ساخت که تنها طی یک یا دو نسل گام‌های عظیمی برداشته سهمی برجسته در پیشرفت ملت‌شان داشته باشند. لذا شبکه‌ای از مدارس برای تعلیم و تربیت اخلاقی و علمی که مشمول دختران نیز می‌شد شکوفا گردید. بیسودی عملاً از جامعه بهائی ریشه‌کن شد، و مشروعات خیرخواهانه تأسیس گردید. تعصبات میان گروه‌های قومی و مذهبی که در اجتماع بزرگ شعله‌ور بود در آغوش پرمهر جامعه خاموش گشت. روستاها از نظر نظافت، نظم و پیشرفت شهرت یافتند. و مؤمنین آن سرزمین نقش مهمی در بنای اولین مشرق‌الاذکار و ملحقات آن در سرزمین مجاورشان داشتند تا ”عاجزان را آسایش بخشد، فقرا را دست‌گیر شود، مسافران را مأوی دهد، غم‌زدگان را تسلی عطا کند و نادانان را تربیت نماید.“ مجهوداتی از این قبیل به مرور زمان با ابتکارات متفرقه جوامع بهائی در نقاط مختلف عالم افزایش یافت. اما همانطور که حضرت شوقی افندی فرموده بودند تعداد احبّا هنوز بسیار قليل بود که بتواند تغییر قابل توجهی در اجتماع بزرگ ایجاد نماید و در طی بیش از نیم قرن اول عصر تکوین احبّا تشویق می‌شدند که قوای خود را در تبلیغ امر الهی متمرکز سازند، زیرا این وظیفه‌ای بود که فقط بهائیان قادر به انجامش بودند — در واقع اولین وظیفه روحانی آنان بود — و آنها را برای زمانی آماده می‌ساخت که بتوانند به نحو مستقیم‌تری توجه را به مشکلات عالم انسانی معطوف دارند.

سی و پنج سال پیش، اوضاع در داخل و خارج از جامعه بهائی مجموعاً امکانات تازه‌ای را برای مشارکت بیشتری در حیات اجتماع فراهم آورد. امر مبارک به مرحله‌ای از پیشرفت رسیده بود که لازم گردید فرایندهای توسعه اجتماعی و اقتصادی به صورت فعالیت‌های منظم جامعه درآید و در اکتبر ۱۹۸۳ از بهائیان جهان دعوت نمودیم که به این میدان جدید فعالیت وارد شوند. به منظور مساعدت به ما در پیشبرد و هماهنگی فعالیت‌های احبّا در سراسر جهان، دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی در مرکز جهانی بهائی تأسیس شد. در آن زمان، فعالیت‌های جامعه بهائی در زمینه توسعه اجتماعی و اقتصادی، در هر سطحی از پیشرفت، حدود چند صد فعالیت بیش نبود. امروز این رقم به ده‌ها هزار رسیده است که صدها طرح پایدار مانند مدارس و ده‌ها سازمان توسعه را شامل می‌گردد. دامنه وسیع فعالیت‌های کنونی از روستاها و محله‌ها تا مناطق و کشورها را در بر می‌گیرد و مجموعه‌ای از چالش‌ها از جمله آموزش و پرورش از کودکان تا دانشگاه، سوادآموزی، بهداشت، محیط زیست، حمایت از پناهندگان، پیشرفت زنان، تواندهی به نوجوانان، رفع تعصبات نژادی، کشاورزی، اقتصاد محلی و توسعه روستایی را شامل می‌شود. بر اثر تسریع فرایند ترویج و تحکیم به خصوص در محدوده‌های جغرافیایی پیشرفته، قوه اجتماع‌سازی امر حضرت

بهاء‌الله به نحوی سیستماتیک و منظم‌تر در حیات جمعی احبّا جلوه‌گر شده است. بعلاوه، البتّه مؤمنین بیشماری از طریق مجهودات حرفه‌ای و داوطلبانه خویش، نیرو و ینش خود را صرف طرح‌ها و سازمان‌هایی می‌کنند که برای خیر عموم تأسیس شده است.

بدین ترتیب بار دیگر نیروهایی در داخل و خارج از امر مبارک ظهور مرحله جدیدی را در کار توسعه اجتماعی و اقتصادی در عالم بهائی ممکن ساخته است. لذا در این ایام مبارک جشن‌های میلاد دو مظهر ظهور الهی با نهایت خوشوقتی اعلام می‌داریم که دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی اکنون به صورت مؤسسه جهان‌شمول جدیدی مستقرّ در مرکز جهانی تحت عنوان سازمان توسعه بین‌المللی بهائی شکوفا می‌گردد. بعلاوه، یک صندوق توسعه بهائی تأسیس خواهد شد که این سازمان جدید از آن برای کمک به فعالیت‌های توسعه در سراسر جهان، اعمّ از طرح‌های درازمدّت و یا جدید، استفاده خواهد کرد. این صندوق توسط بیت العدل اعظم حمایت خواهد شد و افراد و مؤسسات می‌توانند به آن تبرّع نمایند.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۹ نوامبر ۲۰۱۸ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان)

[۱۲۵]

ترقی و توسعه جامعه و حرکت جمعیت‌ها

یا ملأ الانشاء عمّروا بیوتاً بأكمل ما یمكن فی الامکان باسم مالک الأدیان فی البلدان و زینوها بما ینبغی لها لا بالصّور و الأمثال ثم اذكروا فیها ربکم الرحمن بالروح و الریحان الا بذکره تستنیر الصّدور و تقرّ الأبصار.

(حضرت بهاء‌الله، کتاب اقدس، بند ۳۱)

[۱۲۶]

... جمیع قطعات عالم یعنی ملل و دول و مدن و قری محتاج یک‌دیگر و از برای هیچ یک استغنائی از دیگری نه زیرا روابط سیاسیه بین کل موجود و ارتباط تجارت و صنعت و زراعت و معارف در نهایت محکمی مشهود لهذا اتفاق کل و اتّحاد عموم ممکن الحصول.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۱۵)

[۱۲۷]

مشرق الأذکار هرچند بظاهر بنیان جسمانیست ولی تأثیر روحانی دارد و سبب الفت قلوب و اجتماع نفوس گردد در ایام ظهور هر مدینه‌ئی که در آن معبدی تأسیس شد سبب ترویج و تثبیت قلوب بود و سبب اطمینان نفوس زیرا در آن اماکن ذکر حقّ مستمرّ و دائم بود و از برای قلب سکون و قرار جز بذکر ربّ مختار نه سبحان‌الله بنای مشرق الأذکار تأثیری عظیم در جمیع مراتب دارد در شرق تجربه شد و چنین ظاهر و آشکار گشت حتّی اگر در قریه‌ئی خانه‌ئی مسمّی به مشرق الأذکار گشت تأثیری دیگر داشت تا چه رسد به بنا و تأسیس آن.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۶۰)

[۱۲۸]

مشرق الأذکار از اعظم تأسیسات عالم انسانیت و تفرّعاتش بسیار است مشرق الأذکار اگرچه محلّ عبادتست ولیکن مربوط باسپیتال و اجزاخانه و مسافرخانه و مکتب اطفال ایام و مدرسه تدریس علوم عالیه است هر مشرق الأذکار مربوط باین پنج چیز است امیدوارم که در امریک حال مشرق الأذکار تأسیس شود و بتدریج اسپیتال و مکتب و مدرسه و اجزاخانه و مسافرخانه نیز در نهایت انتظام ترتیب یابد بیاران الهی این تفصیل را بفهمانید تا بدانند که مشرق الأذکار چه قدر مهمّ است مجرد عبارت از محلّ عبادت نیست بلکه از هر جهت مکملّ است.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۶۴) [۱۲۹]

اساس حیات و وجود تعاون و تعاضد است و سبب انعدام و اضمحلال انقطاع این امداد و استمداد و هر چه رتبه بالاتر آید این امر عظیم یعنی تعاون و تعاضد شدیدتر گردد لهذا در عالم انسانی تعاون و تعاضد اتم و اکملتر از سائر عوالم است بقسمی که بکلی زندگانی انسانی مربوط باین امر عظیم است علی‌الخصوص بین احبای الهی باید این اساس قویم در نهایت متانت باشد بقسمی که هر یک در جمیع مراتب مدد بدیگری رساند چه در مراتب حقایق و معانی و چه در مراتب جسمانی علی‌الخصوص در تأسیسات عمومی که نتایجش راجع بکل افراد است و بالأخص در مشرق‌الاذکار که اعظم اساس الهیست.

(از الواح حضرت عبدالبهاء) [۱۳۰]

وظائف محافل روحانیّه که در بلدان شرق بتبشیر دین الله مشغولند در الواح مقدّسه مصرّح و مثبت.

تحسین اخلاق است و تعمیم معارف ازالّه جهل و نادانی و دفع تعصّبات است و تحکیم اساس دین حقیقی در قلوب و نفوس اعتماد بر نفس است و اجتناب از تقلید حسن ترتیب و نظم در امور است و تمسّک بلطافت و نظافت در جمیع احوال و شئون راستی و صداقت است و جرأت و صراحت و شجاعت.

ترویج صنعت و زراعت است و تشیید ارکان تعاون و تعاضد حرّیت و ترقّی عالم نسا است و تعلیم اجباری اطفال از بنین و بنات استحکام اصول مشورت در بین تمام طبقات است و دقّت در حسن معاملات.

(توقیع مورّخ ۳۰ ژانویه ۱۹۲۶ حضرت شوقی افندی خطاب به محافل روحانی شرق) [۱۳۱]

دهکده‌های بسیاری در حال حاضر در هندوستان، فیلیپین، افریقا، امریکای لاتین و غیره وجود دارد که بهائیان، اکثریت و یا حتی تمامی جمعیت آن را تشکیل می‌دهند. یکی از اهداف نقشه پنج‌ساله همانطور که مستحضرید توسعه ویژگی‌های حیات جامعه بهائی است و چنین دهکده‌هایی به خصوص مورد نظر است. محافل روحانی محلی این قبیل دهکده‌ها باید به تدریج دامنه فعالیت‌های خود را وسیع نمایند تا نه فقط همه جوانب حیات روحانی احبای حوزه تحت اشراف خود را توسعه دهند بلکه از طریق مشورت بهائی و با استفاده از بعضی تعالیم و اصول آیین بهائی مانند هماهنگی علم و دین، اهمیت تعلیم و تربیت، و اشتغال به کار به عنوان عبادت به ترویج موازین کشاورزی و سایر فنون در حیات مردم پردازند. برای نیل به این هدف آنان نیازمند کمک بهائیان متخصص از دیگر سرزمین‌ها خواهند بود. این اقدام مهمی است و به تدریج در هر زمان و محلی که امکان آن موجود باشد در حال شروع است.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۷۶ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) [۱۳۲]

وقتی جامعه بهائی در یک دهکده بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت را تشکیل می‌دهد از فرصت‌های متعدّد و متفاوتی برخوردار است تا سرمشق و مشوقی برای بهبود کیفیت زندگی در آن دهکده باشد. از جمله ابتکاراتی که جامعه بهائی می‌تواند اتخاذ نماید تدابیری است برای ترویج تعلیم و تربیت کودکان، سوادآموزی بزرگسالان، و آموزش زنان به منظور انجام هر چه بهتر وظایف مادری خود و ایفای نقشی گسترده‌تر در حیات اداری و اجتماعی دهکده؛ تشویق مردم دهکده صرف نظر از باورهای دینی‌شان به گرد هم آمدن، شاید در صبح‌گاهان، برای دعا و نیایش؛ حمایت از مساعی در جهت اصلاح وضع بهداشت و

سلامت دهکده از جمله توجه به تأمین آب سالم، حفظ نظافت در محیط دهکده، و آموزش در باره اثرات زیان‌آور مواد مخدر و مسکرات. بدون تردید امکانات دیگری برای جامعه بهائی دهکده و محفل روحانیش فراهم خواهد آمد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۸ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل)

[۱۳۳]

(روحانی ملّی)

یک جامعه البتّه بیش از مجموع اعضای آن است؛ جامعه یک واحد کامل تمدّن و متشکّل از افراد، خانواده‌ها و مؤسّسات می‌باشد که همگی مؤسّسین و مشوّقین سیستم‌ها، نهادها، و سازمان‌هایی هستند که با هدفی مشترک برای رفاه مردم، هم در داخل و هم در خارج از مرزهای خود با هم کار می‌کنند؛ جامعه ترکیبی از شرکت‌کنندگان متنوّع و همبسته است که در حال دستیابی به اتّحاد در کاوشی خستگی‌ناپذیر به دنبال ترقّی روحانی و اجتماعی‌اند. از آنجا که بهائیان در همه جا در اوّلین مراحل فرایند جامعه‌سازی هستند، کوشش عظیمی باید صرف تکالیف جاری شود.

همانطور که در یکی از پیام‌های قبلی ذکر کرده‌ایم، شکوفایی جامعه به خصوص در سطح محلّی نیاز به بهبود قابل ملاحظه‌ای در الگوهای رفتار دارد: آن الگوهایی که به وسیله آنها جلوه جمعی خصایل فرد اعضای جامعه و کارکرد محفل روحانی در وحدت و صمیمیت جامعه و در پویایی فعالیت و رشد آن متجلّی است. شکوفایی جامعه نیاز به همبستگی عناصر متشکّله آن — یعنی بزرگسالان، جوانان، اطفال — در فعالیت‌های روحانی، اجتماعی، آموزشی، اداری و اشتغال آنان در نقشه‌های محلّی تبلیغ و توسعه دارد. لازمه شکوفایی جامعه وجود اراده‌ای جمعی و احساسی از هدف‌مندی است تا به محفل روحانی از طریق انتخابات سالیانه تداوم بخشد. این شکوفایی شامل نیایش جمعی پروردگار است. از اینرو، برگزاری جلسات مرتّب دعا، در صورت امکان در حظیرةالقدس‌های محلّی و در غیر این صورت در اماکن دیگر از جمله در منازل احبّاء، برای حیات روحانی جامعه ضروری است.

[۱۳۴]

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۱۵۳ (۱۹۹۶) بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان)

همان طور که مطلقاً در یک محدوده روستایی که شامل تعدادی ده و شاید یک یا دو شهر کوچک می‌باشد مساعی احبّاء، در دورانی که الگوی عمل مربوط به یک برنامه فشرده رشد در حال شکل‌گیری است، غالباً منحصر به چند محل می‌باشد. اما همان طور که در پیام رضوان امسال توضیح داده شده این الگو را بعد از استقرار می‌توان به سرعت به سایر دهکده‌ها یکی بعد از دیگری گسترش داد. در هر محل، ابتدا محفل روحانی محلّی تأسیس می‌گردد و تکامل مستمرّ آن مسیری را طی می‌کند که به موازات و کاملاً مرتبط با فرایند نوپای رشدی است که در دهکده جریان دارد. رشد محفل محلّی را نیز باید مانند دیگر جنبه‌های این فرایند از زاویه پرورش قابلیت نگریست.

آنچه در وهله اوّل باید انجام شود نسبتاً واضح است: آگاهی فردی از فرایند رشدی که در دهکده در حال شتاب‌گیری است و نتیجه اشتغال شخصی هر فرد در فعالیت‌های اساسی نقشه می‌باشد بایستی به یک آگاهی جمعی بدل شود که هم ماهیت تقلیب و تغییر در حال وقوع را تشخیص دهد و هم به وظیفه محفل روحانی برای پرورش آن واقف باشد. بدون شک بعضی از وظایف اوّلیّه اداری امری مانند تشکیل جلسات نسبتاً منظمّ محفل، برگزاری ضیافات نوزده‌روزه و تدارک بزرگداشت ایّام متبرّکه، تأسیس یک صندوق محلّی و انجام انتخابات سالیانه طبق اصول بهائی، باید مورد توجه قرار گیرد. ولی برای محفل روحانی محلّی نباید مشکل باشد که هم‌زمان با این مساعی و به تشویق یکی از مساعدین اعضای هیئت معاونت در باره یک یا

دو مسئله خاص که با حیات جامعه ارتباط نزدیک دارد به مشورت پردازد. مثلاً، چگونه خصلت نیایش در دهکده از طریق مساعی افرادی که اولین دوره مؤسسه آموزشی را به اتمام رسانده‌اند تقویت می‌شود؟ چگونه معلمینی که توسط مؤسسه تعلیم داده شده‌اند به تربیت روحانی کودکان رسیدگی می‌کنند؟ چگونه استعداد نوجوانان از طریق برنامه توان‌دهی روحانی شکوفا می‌شود؟ و چگونه بافت روحانی و اجتماعی جامعه با ملاقات دوستان در منازل یکدیگر تقویت می‌گردد؟ با مشورت در باره چنین مطالب مشخصی، محفل می‌آموزد که فرایند رشد را صبورانه و با محبت پرورش دهد و روابطش با لجنة تبلیغ ناحیه‌ای و با مؤسسه آموزشی بر اساس یک مقصد مشترک مستحکم می‌گردد. اما از همه مهم‌تر بنای شالوده‌ای را آغاز خواهد کرد که بر روی آن می‌توان آن روابط بسیار صمیمانه و حمایت‌آمیزی را که محافل روحانی باید با افراد احباً برقرار سازند و حضرت ولی محبوب امر الله آن را در بسیاری از توقیعات خود توصیف فرموده‌اند بنا نمود.

واضح است که یادگیری شور و مشورت در باره مسائل خاص مربوط به نقشه جهانی هر قدر مهم و اساسی باشد فقط یکی از ابعاد فرایند ایجاد توان‌مندی است که محفل روحانی محلی باید به آن اشتغال ورزد. تکامل مستمر محفل روحانی اطاعت از این دستور حضرت عبداله‌اء را ایجاب می‌نماید که می‌فرماید: ”مذاکرات به تمامها محصور در امور روحانی که تعلق به اداره تربیت نفوس و تعلیم اطفال و اعاشه فقرا و اعانه ضعیفا جمیع فرق عالم و مهربانی به کل امم و نشر نفعات الله و تقدیس کلمه الله باشد.“ پیشرفت پایدار محفل مستلزم تعهد استوار به پیشبرد مصالح جامعه و مراقبت در حفظ فرایند رشد از نفوذ نیروهای انحطاط اخلاقی است که خطر متوقف نمودن آن را دارد. لازمه ترقی مداوم محفل ایجاد حسن وسیع‌تری از مسئولیت است، مسئولیتی که از دایره دوستان و خانواده‌هایی که به فعالیت‌های اساسی نقشه اشتغال دارند فراتر رفته تمامی جمعیت دهکده را در بر گیرد. آنچه بلوغ تدریجی محفل را استمرار خواهد بخشید ایمانی راسخ به وعده حضرت عبداله‌اء است که می‌فرماید هر محفل روحانی را در کھف حفظ و حمایت خود خواهند گرفت.

مسئله دیگری که با این افزایش آگاهی جمعی مرتبط است رشد فزاینده توانایی محفل روحانی در ارزیابی و استفاده صحیح از منابع، اعم از مالی و غیره، هم در حمایت از فعالیت‌های جامعه و هم در ایفای وظایف اداری خویش است که ممکن است در بعضی موارد شامل انتصاب سنجیده لجنات و استفاده از یک ساختمان ساده نیز باشد. مسئله بسیار مهم دیگر توانایی محفل برای به وجود آوردن محیطی است که مشوق وحدت در عمل با شرکت تعداد زیادی از افراد باشد و توجه به اینکه انرژی و استعداد این افراد قطعاً کمکی به پیشرفت امور نماید. در همه این موارد، سلامت روحانی جامعه همواره بالاترین اولویت محفل است. و هر گاه مشکلات اجتناب‌ناپذیری پیش بیاید، چه در ارتباط با بعضی فعالیت‌ها و چه در بین افراد، محفل روحانی به آن رسیدگی خواهد نمود، محفلی که آن‌چنان اعتماد کامل اعضای جامعه را به خود جلب نموده که همه طبعاً برای طلب کمک به آن روی می‌آورند. این بدان معنا است که محفل به تجربه آموخته است چگونه به احباً کمک کند تا از روش‌های تفرقه‌افکن یک ذهنیت جانب‌گرا احتراز کنند، چگونه بذل اتحاد را حتی در دشوارترین و نامساعدترین شرایط بیابد و آن را تدریجاً و با محبت پرورش دهد و در تمام اوقات به حبل عدالت متمسک باشد.

با افزایش تعداد اعضای جامعه و ازدیاد توان‌مندی برای حفظ تحرک و نشاط، همان گونه که در گذشته اشاره نمودیم، احباً بیش از پیش به مشارکت در حیات عمومی اجتماع جلب خواهند شد و با این وظیفه مهم رو به رو خواهند گشت که به کمک رویکردهایی که ابداع کرده‌اند در حل مسائل پدیده و وسیعی که دهکده‌شان با آن مواجه است شرکت نمایند. مسئله انسجام که برای رشدی که تا کنون حاصل شده این چنین ضروری بوده و برای چارچوب عمل در حال تکامل نقشه نیز بسیار

مهم است، حال ابعاد جدیدی پیدا می‌کند. محفل روحانی محلی نه در مقام مجری پروژه بلکه در مقام یک مرجع اخلاقی باید مراقب باشد که هم‌چنان که احبّا می‌کوشند تا با به کار گرفتن تعالیم بهائی و از طریق فرایند عمل، تأمل و مشورت به اصلاح شرایط بپردازند، لطمه‌ای بر یک‌پارچگی مساعی شان وارد نشود.

پیام رضوان سال ۲۰۱۰ بعضی از خصوصیات اقدام اجتماعی در سطح مردمی و شرایطی را که باید دارا باشد توصیف نموده است. مجهودات در یک دهکده معمولاً در مقیاس محدود و شاید از طرف گروه‌های کوچک از دوستانی آغاز می‌گردد که هر یک نیاز اجتماعی یا اقتصادی خاصی را شناسایی کرده و اقدامات مناسب ساده‌ای را دنبال می‌کنند. مشورت در ضیافات نوزده‌روزه فضای مناسبی به وجود می‌آورد تا آگاهی فزاینده اجتماعی جامعه به طریقی سازنده جلوه نماید. صرف نظر از ماهیت فعالیت‌ها، محفل محلی باید مراقب خطرهای بالقوه باشد و در صورت لزوم به احبّا کمک نماید که از آنها بگذرند از جمله: فریب پروژه‌های بلندپروازانه که انرژی زیادی را مصرف خواهد کرد و سرانجام حاصلی نخواهد داشت، وسوسه کمک‌های مالی که مستلزم دوری جستن از اصول بهائی خواهد بود، امکانات استفاده از تکنولوژی که به طور فریبنده عرضه می‌شود ولی می‌تواند دهکده را از میراث فرهنگی‌اش محروم سازد و به چندپارچگی و اختلاف سوق دهد. استحکام فرایند مؤسسه آموزشی در دهکده و افزایش توان‌مندی‌هایی که در افراد پرورش داده است در نهایت ممکن است دوستان را قادر سازد که از روش‌ها و برنامه‌هایی که توسط یکی از سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی به وجود آمده و کارایی آنها به تجربه ثابت شده و در محدوده جغرافیایی به پیشنهاد و با حمایت دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی به اجرا در آمده است بهره گیرند. به علاوه محفل باید پیام‌آموز که با سازمان‌های اجتماعی و سیاسی محلی تعامل نماید و به تدریج آگاهی نسبت به حضور امر و تأثیری را که بر پیشرفت دهکده می‌گذارد افزایش دهد.

آنچه تشریح شد نمونه‌ای از خصوصیات است که محافل روحانی محلی در بسیاری از دهکده‌های جهان به تدریج کسب خواهند نمود و به برآوردن نیازهای جوامعی که رشد کمی روزافزونی دارند کمک خواهند کرد. با ظهور تدریجی قابلیت‌ها و اختیارات نهفته در این محافل، ساکنان هر دهکده اعضای آن را ”امناء الرحمن بین الامکان“ مشاهده خواهند نمود. بدین سان این محافل ”سرج نورانیّه و حدایق ملکوتیه“ خواهند شد و ”یتشر منها نفحات القدس علی الآفاق و یشرق منها انوار العرفان علی الامکان و یسری منها روح الحیاة علی کلّ الجهات.“

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین)

[۱۳۵]

قاره‌ای)

با ملاحظه این اقدامات موفقیت‌آمیز، یک نکته درخور توجه خاص است. در پیام رضوان سه سال قبل اظهار امیدواری نمودیم که در محدوده‌های جغرافیایی با برنامه فشرده رشد، احبّا بتوانند با ایجاد مراکز فعالیت فشرده در محله‌ها و دهکده‌ها، یادگیری خود را در باره راه‌های جامعه‌سازی افزایش دهند. توفیقات حاصله از انتظارات این جمع فراتر رفته است زیرا حتی در محدوده‌هایی که برنامه رشد از تحرک لازم برخوردار نیست، مساعی چند نفر به منظور شروع فعالیت‌های اصلی نقشه در بین ساکنان یک ناحیه کوچک، کارایی خود را مکرراً به ثبوت رسانده است. این رویکرد در اصل بر استقبال مردم از تعالیم حضرت بهاءالله تمرکز می‌یابد، مردمی که برای تقلیب روحانی منبعث از ظهور حضرتش آمادگی دارند و مشتاق‌اند که از طریق شرکت در فرایند آموزشی ارائه شده توسط مؤسسه آموزشی، رخوت و بی‌تفاوتی حاصله از نیروی‌های اجتماع را کنار گذاشته به جای آن الگوهایی از عمل را که باعث ایجاد تحوّل در زندگی می‌شود دنبال کنند. در هر محله یا هر دهکده‌ای که این

رویگرد چند سالی توسعه یافته و احبّا تمرکز خود را حفظ کرده‌اند، نتایج قابل ملاحظه‌ای به تدریج ولی قاطعانه آشکار می‌گردد. توان‌دهی به جوانان موجب می‌شود تا مسئولیت پیشرفت اطرافیان جوان‌تر از خود را به عهده بگیرند. بزرگ‌سالان از مشارکت جوانان در گفتگوهای پرمحتوا و سودمند راجع به امور تمامی جامعه استقبال می‌کنند. دست‌آورد‌های حاصله از طریق فرایند آموزشی جامعه، توان‌مندی برای مشورت را در پیر و جوان به طور یکسان ایجاد می‌کند و فضاهای تازه‌ای برای مکالمات هدف‌مند پدیدار می‌شود. با این حال، تغییر و تحوّل صرفاً به بهائیان و افراد دیگری که در فعالیت‌های اصلی نقشه شرکت می‌کنند و قاعدتاً ممکن است انتظار رود که زمانی طرز فکر جدیدی اتخاذ کنند منحصر نمی‌گردد. جوّ محیط کلاً تحت تأثیر قرار می‌گیرد. گرایش به ستایش خداوند در بین گستره وسیعی از جمعیت ایجاد می‌شود. تساوی زن و مرد با جلوه‌های چشم‌گیرتری ابراز می‌گردد. تعلیم و تربیت کودکان اعمّ از پسر و دختر، مورد توجّه بیشتری قرار می‌گیرد. خصوصیات روابط درون خانواده که در قالب تصوّرات کهنه قرون و اعصار شکل گرفته به نحو محسوسی تغییر می‌یابد. حسنّ مسئولیت نسبت به جامعه محلی و محیط اطراف خود فراگیر می‌شود. حتّیّ بالای تعصّب که سایه شوم خود را بر هر اجتماعی افکنده به تدریج تسلیم قوای غالبه یگانگی می‌گردد. نهایتاً مساعی جامعه‌سازی احبّا بر جوانب مختلف فرهنگ تأثیر می‌گذارد.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۱۳ (۱۷۰ بدیع) بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) [۱۳۶]

یک مشرق‌الاذکار البتّه جزء لاینفکی از فرایند جامعه‌سازی است و ساخت آن نمادی مهمّ از توسعه و پیشرفت یک جامعه می‌باشد. بیت العدل اعظم امیدوارند که احبّا در ... با شور و شوق و عزم جزمی که در انجام فعالیت‌های ضروری نقشه پنج‌ساله دارند، تسریع فرارسیدن زمان مناسب برای بنای مشرق‌الاذکار در کشور شما را موجب گردند.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۳ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) [۱۳۷]

اساس این فرایند البتّه از آغاز مبتنی بر حرکتی جمعی به سوی بینشی از رفاه مادی و معنوی بوده که از جانب نفس مقدّس محیی عالمیان افاضه گردیده اما وقتی که گروه‌های چنین عظیمی به مشارکت قیام می‌کنند آن گاه حرکت تمامی یک جمعیت به راحتی قابل تشخیص است.

این حرکت در حال حاضر به خصوص در محدوده‌هایی مشهود است که قرار است در آنها مشرق‌الاذکار محلی مرتفع گردد. برای مثال در وانواتو (Vanuatu) احبّای ساکن جزیره تانا (Tanna) در راه افزایش آگاهی مردم نسبت به مفهوم مشرق‌الاذکار کوشش فوق‌العاده‌ای مُجرا داشته‌اند به حدّی که تا به حال حدّ اقلّ یک سوّم سکنه سی هزار نفره این جزیره به طرق گوناگون در گفتگوی در حال گسترشی در باره این موضوع مشارکت داشته‌اند. توانایی استمرار بخشیدن به یک گفتگوی ارزشمند در بین جمعیتی چنین بزرگ از طریق سال‌ها تجربه در ارائه تعلیم حضرت بهاء‌الله و اتّساع دامنه پوشش یک مؤسسه آموزشی پویا به تدریج شکل یافته است. گروه‌های نوجوانان جزیره با تشویق و حمایت سران دهکده‌ها که شاهد توان‌دهی روحانی شرکت‌کنندگان بوده‌اند به طور اخصّ شکوفا شده‌اند. این نوجوانان عزیز با الهام از اتّحاد و تعهد جمعی خود، نه تنها سستی و رخوت بی‌تفاوتی را در خویش زایل نموده‌اند بلکه از طریق پروژه‌های عملی متنوّع وسیله‌ای برای خدمت در راه بهبود جامعه خود یافته‌اند و در نتیجه افرادی از سنین مختلف از جمله والدین‌شان قیام به اقدامات سازنده نموده‌اند. چه احبّا و چه اعضای جامعه گسترده موهبت امکان مراجعه به محفل روحانی محلی به منظور کسب هدایت و حلّ مسائل مشکل را درک می‌کنند و در نتیجه، تصمیمات محافل روحانی بیش از پیش به حکمت و ملاطفت مخصّص می‌گردد. شواهد زیادی نشان می‌دهد که هنگامی که عناصر چارچوب عمل نقشه به صورت یک کلّیت منسجم در هم می‌آمیزد تأثیرگذاری آن بر مردم

می‌تواند بسیار عمیق باشد. بر مبنای چنین پیشرفت مداوم در زمینه ترویج و تحکیم و اجرای سی دوره از برنامه‌های فشرده رشد است که احبّا هم‌گام با سایر ساکنان این جزیره مجدّانه می‌کوشند تا درک عمیق‌تری در باره مشرق‌الاذکار یعنی بنیانی برای حصول "الفت قلوب و اجتماع نفوس" را در بین خود حاصل نمایند. ساکنان جزیره تانا با حمایت فعالانه رهبران سنتی خود بیش از صد ایده و نظر در رابطه با طرح این معبد ارائه داده‌اند که خود نمایان‌گر آنست که تا چه حدّ مشرق‌الاذکار افکار آنان را به خود مشغول داشته و چه چشم‌اندازهای جذّابی از تأثیرات آن مؤسسه رفیع‌البنیان بر زیستن در سایه ممدودش آشکار شده است.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۱۴ (۱۷۱ بدیع) بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) [۱۳۸]

... مشرق‌الاذکار مقررّ است مرکز روحانی هر جامعه باشد و توأم با ملحقّاتش که ایجاد خواهد شد، نقشی مهمّ در ارائه الگویی شکوفا از حیات جمعی ایفا می‌نماید. در حال حاضر، اوّلین مشرق‌الاذکار هر قاره، نقش مشرق‌الاذکار ملّی را در کشوری که در آن قرار دارد و همچنین در جوامع مجاورش ایفا می‌کند و تأثیر بسزایی در فعّالیّت‌های محلّی دارد. با گسترده شدن فرایند رشد، مشارق اذکار بیشتری در سطوح ملّی و محلّی بنا شده و یادگیری بسیاری در مورد ماهیّت این معابد و نقش آنها در فرایند جامعه‌سازی کسب خواهد شد. و بدین ترتیب ابعاد گوناگون عملکرد این مؤسسه به تدریج نمایان خواهد شد. به فرموده حضرت ولی‌امرالّله: "هیچ یک جز مؤسسه مشرق‌الاذکار نمی‌تواند به نحو اکمل و اتم ضروریّات عبادت و خدمت بهائی را که هر دو برای تجدید حیات عالم لازم و واجب است تأمین نماید."

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۶ ژانویه ۲۰۱۵ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) [۱۳۹]

در بعضی از محدوده‌های جغرافیایی که رشد تا این مرحله به پیش رفته، تحوّل حتّی مهیج‌تر به وقوع پیوسته است. محل‌هایی در این محدوده‌ها وجود دارد که درصد قابل ملاحظه‌ای از تمامی جمعیت اکنون به فعّالیّت‌های جامعه‌سازی مشغول‌اند. مثلاً دهکده‌های کوچکی هستند که در آنها مؤسسه آموزشی توانسته است همه کودکان و نوجوانان را در برنامه‌های خود مشارکت دهد. وقتی پوشش فعّالیّت‌ها وسیع می‌شود اثرات اجتماعی امر مبارک بیشتر آشکار می‌گردد. جامعه بهائی در مقام یک قوه اخلاقی ممتاز در زندگی مردم جایگاهی والا کسب می‌کند و قادر است بینش و دیدگاهی سرشار از آگاهی، مثلاً در خصوص تربیت نسل‌های جوان‌تر را به گفتمان‌های جاری در اجتماع تقدیم کند. مسئولین امور اجتماع از بینش و تجارب ناشی از اقدامات اجتماعی ملهم از تعالیم حضرت بهاء‌الله استفاده می‌نمایند. گفتگوهای راجع به رفاه عمومی و متأثر از تعالیم الهی در بخش وسیع‌تری از جمعیت رایج می‌شود تا جایی که اثرش را در گفتمان عمومی در یک محل می‌توان مشاهده نمود. ورای جامعه بهائی، سایرین نیز محفل روحانی محلّی را به عنوان منبع درخشانی از حکمت می‌دانند که می‌توانند جهت تنویر افکار به آن روی آورند.

ما به این نکته واقفیم که چنین پیشرفت‌هایی هنوز چشم‌انداز دوری برای بسیاری از محدوده‌ها است حتّی در مواردی که الگوی فعّالیّت‌ها تعداد زیادی را در بر می‌گیرد امّا در بعضی نقاط این پیشرفت هم‌اکنون در حال وقوع می‌باشد. در چنین محدوده‌هایی در حالی که احبّا هم‌چنان به تداوم فرایند رشد اشتغال دارند ابعاد دیگر مجهودات بهائی به نحو فزاینده‌ای توجّه‌شان را به خود معطوف می‌دارد. آنان خواهان درک این نکته هستند که چگونه یک جمعیت محلّی شکوفا می‌تواند اجتماعی را که خود بخشی از آنست تقلیب نماید، سؤالی که مرزی جدید برای یادگیری‌های آینده‌ای نه چندان دور است و سرانجام تمامی عالم بهائی از بینش‌های حاصله آن مستفیض خواهد شد.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین

قاره‌ای)

[۱۴۰]

... با شدّت یافتن فعّالیّت‌ها در هزاران دهکده و محله، حیاتی پویا و هدفمند در هر یک از آنها نضج می‌گیرد. شمار محدوده‌های جغرافیایی که در آنها سیستمی برای گسترش این الگوی فعّالیّت به تعداد فزاینده‌ای از نقاط در حال تأسیس است، به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته و احبّا را قادر ساخته تا از سوّمین نماد پیشرفت در پیوستار رشد عبور نمایند. و اینجا، در مرزهای یادگیری عالم بهائی و به خصوص در حرکت جمعیت‌ها به سوی بینش حضرت بهاءالله است که نه فقط جمّ غفیری به آغوش فراگیر فعّالیّت‌های بهائی می‌پیوندند بلکه دوستان اکنون می‌آموزند که چگونه گروه‌های بزرگی از مردم هویت خود را در جامعه اسم اعظم می‌یابند. در چنین نقاطی است که کودکان به طور مرتّب کلاس‌ها را سال به سال طیّ می‌کنند و برنامه تواندهی روحانی به نوجوانان با هماهنگی از سطحی به سطح دیگر پیش می‌رود و در نتیجه تلاش‌های آموزشی جامعه جنبه منظم‌تری به خود می‌گیرد. در این نقاط، مؤسسه آموزشی چگونگی پرورش منابع انسانی کافی برای تهذیب روحانی و اخلاقی تعداد روزافزونی از کودکان و نوجوانان را می‌آموزد. مشارکت در این فعّالیّت‌های اساسی آنچنان در فرهنگ مردم ریشه دوانده که به عنوان یکی از جنبه‌های ضروری حیات یک جامعه محسوب می‌گردد. شور و نشاطی تازه در میان جمعیتی ظاهر می‌شود که مسئولیت توسعه و پیشرفت خود را به عهده می‌گیرد و در مقابل نیروهای اجتماعی که موجد رخوت و بی‌تفاوتی‌اند مصونیت می‌یابد. امکانات پیشرفت مادی و معنوی شکل می‌گیرد. تقلیب اجتماع شروع می‌شود.

[۱۴۱]

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۱۸ (۱۷۵ بدیع) بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان)

روش‌ها و رویکردها

یادگیری و اقدام سیستماتیک

مقصود از علم منفعت عباد است ... مقصود از علم علمی است که منفعت آن عاید خلق شود نه علمیکه سبب کبر و غرور و نهب و ظلم و ستم و غارت گردد.
(از الواح حضرت بهاءالله)

[۱۴۲]

... عزّت و سعادت و بزرگواری و منقبت و تلذذ و راحت انسان در ثروت ذاتیه خود نبوده بلکه در علوّ فطرت و سموّ همّت و وسعت معلومات و حلّ مشکلاتست.
(حضرت عبدالبهاء، رساله مدّتیّه)

[۱۴۳]

اساس متین دین الله را ارکان مبین مقررّ و مسلمّ است رکن اعظم علم و دانائی است و عقل و هوشیاری و اطلاع بر حقائق کونیّه و اسرار الهی لهذا ترویج علم و عرفان فرض و واجب بر هر یک از یاران است.

[۱۴۴]

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۹۷)

جميع مواهب منشأ الهی دارد ولی هیچ یک با این قوه تحقیق و تدقیق که عطیه‌ای جاودانی و موجد سرور دائمی است قابل قیاس نیست.... لذا شما باید در تحصیل علوم و فنون سعی بلیغ نمایید. هر چه توفیق شما بیشتر باشد سهم شما در

کمک به تحقق مقصد الهی بیشتر خواهد بود. صاحب علم مُدرک و بصیر است ولی شخصی جاهل و غافل کور و نابینا. ذهن محقق هشیار و زنده است؛ فکر متحجّر و بی تفاوت ناشنوا و مرده. صاحب علم نمودار شاخصی از نوع بشر است زیرا با استنتاجات عقلی و تحقیقی از جمیع آنچه مربوط به عالم انسانی است آگاه می‌شود و از اوضاع و احوال و شرایط و وقایع مطلع می‌گردد. سیاست هیئت بشری را مطالعه می‌کند و مشکلات و مسائل اجتماعی را درک می‌نماید و تار و پود تمدن را به هم می‌بافد. فی الحقیقه علم را می‌توان به مرآت تشبیه کرد که تصاویر و اشکال لانهائی موجودات در آن مشهود و منعکس است. علم اسّ اساس جمیع ترقّیات فردی و ملیّتی است. بدون این اساس تحقیق، توسعه و ترقّی محال است. پس با جان و دل در کسب دانش و حصول به جمیع قوای مندمج در این موهبت عظمی جهد نمایید.

[۱۴۵] (ترجمه‌ای از خطابات حضرت عبدالبهاء که اصل آن به فارسی موجود نیست)

شرایط امروز عالم — یعنی بی‌ثباتی‌های اقتصادی، اختلافات اجتماعی، نارضایتی‌های سیاسی و بی‌اعتمادی‌های بین‌المللی‌اش — باید جوانان را از خواب غفلت بیدار کند و آنان را وادار نماید که پیرسند آینده چه به بار خواهد آورد. اگر فاجعه‌ای در جهان رخ دهد، بی‌تردید جوانان‌اند که بزرگ‌ترین صدمات را خواهند دید. بنا بر این باید چشم خود را به مشاهده اوضاع کنونی کاملاً باز نمایند، قوای شوم دست‌اندرکار را مورد بررسی قرار دهند و سپس با سعی بلیغ قیام نمایند و اصلاحات لازم را به وجود آورند، اصلاحاتی که دامنه‌اش جنبه‌های حیات روحانی و همچنین اجتماعی و سیاسی انسان را در بر خواهد گرفت.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۳ مارس ۱۹۳۲ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از

[۱۴۶] احبّاء)

لازمه سیستماتیک بودن به طور کلی داشتن رویکردی منظم در همه امور مربوط به خدمات امری اعم از فعالیت‌های تبلیغی یا اداری، یا مجهودات فردی و جمعی است. سیستماتیک بودن در حالی که امکان ابتکار و اقدامات خودجوش فردی را فراهم می‌سازد، لزوم روشنی فکر، روش‌مندی، کارآیی، استمرار، اعتدال و هماهنگی را می‌رساند. سیستماتیک عمل نمودن شیوه‌ای ضروری در انجام کار است و انگیزه آن لزوم فوریت عمل.

[۱۴۷] (ترجمه‌ای از پیام رضوان ۱۵۵ (۱۹۹۸) بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان)

اگر قرار است شیوه اصلی عملی در یک جامعه یادگیری باشد، پس بینش‌ها، استراتژی‌ها، اهداف و روش‌ها باید به دفعات مورد بررسی مجدّد قرار گیرند. با انجام وظایف، رفع موانع، بسط منابع و تجربه، اهداف و رویکردها باید تعدیل گردند اما به نحوی که استمرار عمل حفظ شود.

[۱۴۸] (مؤسسه مشاورین، سندی تهیه شده توسط بیت العدل اعظم)

یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های شما ازدیاد آگاهی به اهمیت اقدام سیستماتیک خواهد بود که در حال حاضر نیز به سبب موفقیت‌های حاصله از آن افزایش یافته است. وصول به دیدگاهی واحد درباره رشد که بر اساس ارزیابی واقع‌بینانه امکانات و منابع است، ایجاد استراتژی‌هایی که به آن دیدگاه ساختار می‌بخشد، ابداع و اجرای نقشه‌های عملی متناسب با قابلیت موجود، انجام تعدیلات لازمه در عین حفظ تداوم عمل، و توسعه فعالیت‌ها بر اساس موفقیت‌های حاصله از جمله ضروریات سیستماتیک بودن است. هر جامعه‌ای باید این نکات را فرا گیرد و آن را در راه و روش خود رسوخ دهد.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۵ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین

قاره‌ای)

[۱۴۹]

نشانه این تکامل در آگاهی جمعی استفاده روزافزون از واژه “همراهی” در مکالمات بین احبّا است، واژه‌ای که با وارد شدن در مجموعه لغات متداول در جامعه بهائی مفهوم جدیدی یافته است. این واژه نمایان‌گر تقویت چشم‌گیر فرهنگی است که در آن یادگیری شیوه عمل است، شیوه‌ای که باعث مشارکت آگاهانه تعداد فزاینده‌ای از مردم در کوششی متحد برای به کارگیری تعلیم حضرت بهاءالله در بنای تمدن الهی می‌گردد، تمدنی که تأسیس آن به فرموده حضرت ولی‌امرالله غایت قصوی و مقصد اعلای این دور مقدس است. چنین رویکردی با ورشکستگی روحانی و روش رو به زوال یک نظام اجتماعی کهنه شدیداً در تضاد است، نظامی که اغلب با سلطه‌جویی یا آز و طمع و یا ایجاد حس گناه‌کاری در افراد و یا دخل و تصرف ریاکارانه در امور خواهان تسلط بر قوای بشری می‌باشد.

تجلی این تحوّل فرهنگی در روابط بین احبّا در کیفیت تعامل آنان مشاهده می‌شود. یادگیری به صورت یک شیوه عمل مستلزم آن است که همگی تواضع و فروتنی در پیش گیرند حالتی که در آن انسان نفس خویش را فراموش می‌کند، توکل تام بر حضرت پروردگار دارد، متکی به قدرت و حمایت اوست، به تأییدات لاریبیه‌اش مطمئن است و به یقین مبین می‌داند که تنها حیّ توانا است که قادر است پشه ضعیف را عقاب قوی و قطره را بحر عظیم نماید. در چنین حالتی نفوس پیوسته با هم فعالیت می‌کنند و شادی و سرور خود را نه چندان در دست‌آوردهای خویش بلکه در پیشرفت و خدمات دیگران می‌یابند. از این جهت است که افکارشان همواره متوجه یاری رساندن به یک‌دیگر است تا بر قلیل خدمت در سیل امر مبارکش عروج نمایند و در افلاک علم و معرفت او به پرواز درآیند. این است آنچه شاهد شکوفایی آن در الگوی کنونی فعالیت در سراسر جهان هستیم، الگویی که پیر و جوان و قدیم و جدید همه در کنار هم به ترویج آن مشغولند.

این پیشرفت فرهنگی نه فقط بر روابط بین افراد تأثیر می‌گذارد بلکه پیامدهایش را می‌توان در اجرای امور اداری امری نیز ملاحظه نمود. از آنجا که یادگیری شاخص نحوه عمل جامعه شده است برخی از جنبه‌های تصمیم‌گیری در زمینه ترویج و تحکیم به جمع مؤمنین محوّل گردیده تا برنامه‌ریزی و اجرای آن بتواند بیشتر پاسخگوی وضعیت موجود محل باشد....

امر حضرت بهاءالله بی‌نهایت عظیم است و حصول تغییراتی عمیق را نه فقط در سطح فردی بلکه در ساختار اجتماع ضروری می‌شمارد. آن حضرت اعلام می‌فرماید که “مقصود از هر ظهور، ظهور تغییر و تبدیل است در ارکان عالم سرّاً و جهرّاً ظاهراً و باطناً.” کاری که امروز در اطراف و اکناف کره ارض در حال پیشرفت است نمایان‌گر مرحله اخیر مساعی مستمرّ جامعه بهائی برای ایجاد هسته تمدنی شکوهمند است که در تعلیم این ظهور اعظم مندمج می‌باشد، تمدنی که بنای آن مشروعی بی‌نهایت عظیم و پیچیده و به ثمر رساندن آن مستلزم قرن‌ها کوشش و تلاش نوع انسان است. در این مسیر نه راه میان‌بری وجود دارد و نه فرمولی. تنها با تلاش در جهت کسب بینش از امر اعظمش، با استفاده از دانش فزاینده نوع بشر، با به کارگیری هشیارانه تعلیمش در حیات بشری و با مشورت در مسائلی که پیش می‌آید یادگیری مورد نیاز حاصل خواهد شد و توان‌مندی لازم به وجود خواهد آمد.

[۱۵۰]

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۱۰ (۱۶۷ بدیع) بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان)

البته بسیاری مسائل که این فرایند یادگیری که اکنون در جوامع مختلف بهائی در هر گوشه از جهان در جریان است باید به آنها پردازد از جمله: گردهم‌آوری مردمانی از پیشینه‌های مختلف در محیطی دور از خطر مداوم نفاق و اختلاف، محیطی که به روح ستایش و نیایش متمایز است، ترک ذهنیت تفرقه‌اندازی را تشویق می‌کند، موازین بالاتری از وحدت فکر و عمل را ترویج می‌دهد و صمیمیت و هم‌کاری قلبی را سبب می‌گردد؛ توان‌دهی به گروه‌های فزاینده‌ای از مردان و زنان به نحوی که از خمودت و بی‌تفاوتی به در آیند و به فعالیت‌هایی اشتغال ورزند که به پیشرفت روحانی، اجتماعی و فکری‌شان منجر می‌شود؛ اداره امور جامعه‌ای که عاری از وجود طبقه روحانیون مدعی برتری و امتیاز است؛ کمک به جوانان تا در عبور از این مرحله حساس و پرمخاطره زندگی راه خود را بیابند و توانمند شوند تا انرژی سرشار خود را در مسیر پیشبرد تمدن به کار برند؛ ایجاد فضایی سازنده و منسجم در محیط خانواده تا به رفاه مادی و معنوی بیانجامد، در کودکان و جوانان احساس بیگانگی نسبت به «دیگران» القا نشود و فکر بدرفتاری با «دیگران» تقویت نگردد؛ فراهم ساختن تمهیداتی برای یک فرایند مشورتی که در آن تصمیم‌گیری از افکار و آرای متنوع بهره‌مند گردد، فرایندی که در نقش اقدامی جمعی در جستجوی واقعیت و فارغ از دل‌بستگی به دیدگاه‌های شخصی، اطلاعات مبتنی بر تجارب عملی را ارج نهد، آنچه را که صرفاً یک نظر و یک رأی است به مقام واقعیت ارتقا ندهد و حقیقت را وجه المصالحه توافق بین گروه‌های مخالف ذی‌نفع نسازد. برای بررسی بهتر این مسائل و موضوع‌های بی‌شمار دیگری که مسلماً پیش خواهد آمد، جامعه بهائی شیوه عمل معینی اتخاذ کرده است که ویژگی آن اقدام، بازنگری، مشورت و مطالعه‌ای است که نه تنها مراجعه مداوم به آثار امری بلکه تجزیه و تحلیل علمی الگوهای حاصله را نیز در بر می‌گیرد. سؤالاتی نیز از قبیل اینکه چگونه می‌توان یک چنین روش یادگیری در حین عمل را ادامه داد، چگونه می‌توان مشارکت تعداد فزاینده‌ای از افراد را در تولید و به کار گیری دانش مربوطه تضمین نمود، و چگونه می‌توان ساختارهایی برای استفاده سیستماتیک از تجربیات حاصله در سراسر جهان و برای ارائه و انتقال درس‌های آموخته شده طرح نمود، از جمله مسائلی است که مورد کاوش و تحقیق مستمر جامعه بهائی می‌باشد.

مسیر کلی این فرایند یادگیری از طریق یک سلسله نقشه‌های جهانی هدایت می‌شود که جهت و چارچوب آن را بیت العدل اعظم تعیین می‌کنند. واژه کلیدی این نقشه‌ها پرورش قابلیت است. هدف بالا بردن سطح توان‌مندی سه شرکت‌کننده در این اقدام جمعی یعنی افراد، جامعه و مؤسسات می‌باشد تا پایه‌های حیات روحانی را در همه جا — از دهکده‌های بی‌شمار در مناطق روستایی گرفته تا محله‌های شهرهای بزرگ — تقویت نمایند، رفع برخی از نیازهای اجتماعی و اقتصادی ساکنین محل را وجهه همّت خود قرار دهند، در گفتمان‌های رایج مشارکت نمایند و در عین حال انسجام لازم در روش‌ها و رویکردها را حفظ کنند.

(پیام مورخ ۱۲ اسفند ۱۳۹۱ بیت العدل اعظم خطاب به احبای ایران) [۱۵۱]

اندیشه وجود یک چارچوب مفهومی در حال تکامل برای پیشبرد مجهودات ترویج و تحکیم، اقدام اجتماعی، و شرکت در گفتمان‌های اجتماع حائز اهمیت بسیار است، قالبی که فکر را منظم می‌کند، به فعالیت‌ها شکل می‌بخشد و با اندوختن تجربه پیچیده‌تر و کامل‌تر می‌گردد. سعی در راه تشخیص آگاهانه و تلطیف تدریجی عناصری از این چارچوب ... اقدامی ثمربخش خواهد بود.... شاید مهم‌ترین این موارد یادگیری در عمل می‌باشد؛ احبّا در یک فرایند مداوم عمل، تأمل، مطالعه، و مشورت شرکت می‌کنند تا موانع را برطرف سازند و موفقیت‌ها را با هم در میان گذارند، استراتژی‌ها و روش‌ها را بررسی و بازبینی و تجدید نظر کنند، و به مرور زمان مجهودات را سیستماتیک و بهتر نمایند.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۳ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل

[۱۵۲]

روحانی ملّی)

رویکرد بهائی برای سؤالاتی که شما مطرح کرده‌اید رویکردی است که به مرور زمان با صبر و کوشش مستمرّ و از طریق فرایند یادگیری که جامعه بهائی به آن مشغول است حاصل خواهد شد. این فرایند از طریق تحقیق و گفتگو و با تلاش در جهت مرتبط ساختن تعلیم بهائی با افکار مدرن، از جمله شناسایی تشابه‌ها و تمایزها بین این تعلیم و ساخت‌های اجتماعی رایج، گسترش و تقویت خواهد یافت؛ بینش‌های حاصله با مشارکت احبّا در گفت‌وگوهای اجتماعی در فضاهای اجتماعی گوناگون، دقیق‌تر خواهد شد. مطالعه مستمرّ تعلیم و تلاش سیستماتیک برای عملی ساختن تعلیم بهائی از طریق اشتغال به فرایندهای جامعه‌سازی، تعلیم و تربیت کودکان و جوانان و اقدام اجتماعی به ما کمک خواهد کرد تا درک‌مان از آنچه منظور نظر حضرت بهاء‌الله برای همه جنبه‌های حیات بشری است تلطیف یابد. در سال‌های آینده توانایی جامعه بهائی برای کمک به ایجاد تحوّل اجتماعی که افکار را شکل می‌دهد افزایش خواهد یافت و پاسخ به سؤالاتی که امروزه لاینحل به نظر می‌رسد از طریق یک فرایند تغییر ارگانیک و نه با تحمیل دیدگاهی خاصّ آشکار خواهد شد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۱ ژانویه ۲۰۱۴ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) [۱۵۳]

از بسیاری جهات موفق‌ترین جوامع مسیری را طی می‌کنند که دیگران نیز مشتاق پیمودن آن می‌شوند. با این حال سطح فعالیت در یک محدوده جغرافیایی هر چه باشد، آنچه موجب تسریع پیشرفت می‌شود قابلیت یادگیری احبّای محلّی برای عمل در یک چارچوب مشترک است. هر فرد در این مجهود سهمی دارد و خدمات هر یک به غنی‌سازی کل کمک می‌کند. پویاترین محدوده‌ها آنهایی هستند که در آنها، فارغ از منابع موجود در جامعه و قطع نظر از تعداد فعالیت‌ها، احبّا واقفند که وظیفه‌شان آنست که آنچه را برای نیل به پیشرفت لازم است تشخیص دهند — قابلیت نورسته‌ای که باید پرورش یابد، مهارت تازه‌ای که باید کسب شود، پیش‌گامان تلاش نوحاسته‌ای که باید همراهی گردند، فضای تفکر و تعمقی که باید ایجاد شود، مجهودی جمعی که باید هماهنگ گردد — و سپس راه‌های خلاقیتی بیابند که از آن طریق بتوان وقت و منابع لازم را برای نیل به آن تأمین نمود. هر موقعیت خاصّی چالش‌های مربوط به خود را داراست و وقوف بر این واقعیت، هر جامعه‌ای را قادر می‌سازد تا نه تنها از آنچه در دیگر نقاط عالم بهائی آموخته می‌شود بهره گیرد بلکه بر این دانش اندوخته شده نیز بیفزاید. آگاهی از این حقیقت شخص را از جستجوی بیهوده برای یافتن یک فرمول عملی انعطاف‌ناپذیر آزاد می‌سازد و در عین حال امکان آن را فراهم می‌سازد که بینش‌های کسب شده در محیط‌های گوناگون الهام‌بخش فرایند رشدی باشد که در هر محیط شکل خاصّی به خود می‌گیرد. این رویکرد با تصوّرات کوتاه‌بینانه‌ای از مفاهیم ”موفقیت“ و ”شکست“ که مولد آشفتگی و یا فلج‌کننده اراده است کاملاً در تضادّ می‌باشد. انقطاع لازم است؛ هرگاه که اقدام و فعالیت کلاً به خاطر رضای الهی انجام شود هر چه پیش آید به او تعلق دارد و هر پیروزی که به نام او حاصل گردد موقعیتی است برای ستایش او.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۱۴ (۱۷۱ بدیع) بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) [۱۵۴]

... قابلیت برای یادگیری که میراثی ارزشمند از نقشه‌های پیشین است از قلمرو ترویج و تحکیم فراتر رفته در حال گسترش به سایر مجهودات بهائی به خصوص اقدام اجتماعی و شرکت در گفت‌وگوهای رایج در اجتماع است.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین

[۱۵۵]

قاره‌ای)

مشورت و هم‌کاری

یا حزب الله بشنويد آنچه را که اصغاء آن سبب آزادی و آسودگی و راحت و علو و سمو کلّ است از برای ایران قانون و اصولی لازم و واجب ولکن شایسته آنکه حسب الاراده حضرت سلطان ائده الله و حضرات علمای اعلام و امرای عظام واقع شود باید باطلاع ایشان مقرری معین گردد و حضرات در آن مقرّر جمع شوند و بحیل مشورت تمسک نمایند و آنچه را سبب و علت امنیّت و نعمت و ثروت و اطمینان عباد است معین فرمایند و اجرا دارند چه اگر بغیر این ترتیب واقع شود علت اختلاف و ضوضا گردد.

[۱۵۶] (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی)

حضرت موجود میفرماید آسمان حکمت الهی بدو نیز روشن و منیر مشورت و شفقت در جمیع امور بمشورت متمسک شوید چه که او است سراج هدایت راه نماید و آگاهی عطا کند.

[۱۵۷] (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی)

اگر در ممالک و اقالیم آفاق سیر نمائید از جهتی آثار خراب و دمار مشاهده کنید و از جهتی مآثر مدنیّت و عمار ملاحظه فرمائید اما خراب و ویرانی آثار جدال و نزاع و قتالست ولی عمار و آبادی نتایج انوار فضائل و الفت و وفاق.

[۱۵۸] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۲۲۵)

باری هر کاری که بلفت و محبت و خلوص نیت فیصل شود نتیجه‌اش انوار است و اگر ادنی اغبراری حاصل شود نتیجه‌اش ظلمات فوق ظلمات ... مذاکرات بتمامها محصور در امور روحانیّه که تعلق باداره تربیت نفوس و تعلیم اطفال و اعاشه فقرا و اعانه ضعیفاء جمیع فرق عالم و مهربانی بکلّ امم و نشر نفحات الله و تقدیس کلمه الله باشد.

[۱۵۹] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

در امور جزئی و کلی انسان باید مشورت نماید تا بآنچه موافق است اطلاع یابد شور سبب تبصّر در امور است و تعمق در مسائل مجهول انوار حقیقت از رخ اهل مشورت طالع گردد ... ولی باید اعضای مشورت در نهایت محبت و الفت و صداقت با یکدیگر باشند اصول شور از اعظم اساس الهی و باید افراد ملت در امور عادیّه نیز شور نمایند.

[۱۶۰] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

باری کائنات عمومیه عالم هر یک منفرداً زندگانی میتوانند هر شجری منفرداً نشو و نما نماید بدون اینکه از سایر اشجار مستفید شود همچنین حیوان منفرداً زندگی تواند ولکن انسان ممکن نیست نوع انسان محتاج تعاون و تعاضد است محتاج مراوده و اختلاط است تا کسب سعادت و آسایش کند و راحت و آرایش یابد.

مثلاً اگر در میان دو قریه ارتباط تام حاصل شود سبب منفعت کلیّه و ترقی گردد همچنین میان دو شهر چون تعاون و تعاضد حاصل شود سبب ترقی و آسایش گردد پس اگر میان دو اقلیمی ارتباط تام و تعاون و تعاضد کامل حاصل گردد شبهه‌ئی نیست مزید ترقیات و فوائد عظیمه شود ... معلوم میشود که منافع و فوائد عظیمه حاصل خواهد شد.

[۱۶۱] (از خطابات حضرت عبدالبهاء)

اعظم نیاز نوع بشر تعاون و تعاضد متقابل است. هر چه الفت و محبت بین بشر مزدا شود سعادتش بیشتر شود. بدون تعاون و تعاضد متقابل عضو جامعه بشری، فردی خودخواه، غافل از مقاصد خیریه، محدود و منزوی در راه پیشرفت، به مانند حیوان و نبات، در مراتب دانیّه باقی می ماند.

(ترجمه‌ای از خطابات حضرت عبدالبهاء که اصل آن به فارسی موجود نیست) [۱۶۲]

جمال قدم جلّ اسمہ الأعظم میفرماید خیمه نظم عالم بدو ستون قائم و برپا مشورت و شفقت و حضرت عبدالبهاء در لوحی از الواح باین بیان ناطق از مشورت مقصود آنست که آراء نفوس متعدده البتّه بهتر از رأی واحد است نظیر قوت نفوس کثیره البتّه اعظم از قوت شخص واحد است لهذا شور مقبول درگاه کبریا و مأمور به و آن از امور عادیّه شخصیه گرفته تا امور کلیّه عمومیّه مثلاً شخصی را کاری در پیش البتّه اگر با بعضی اخوان مشورت کند تحرّی و کشف آنچه موافقت گردد و حقیقت حال واضح و آشکار شود و همچنین ما فوق آن اگر اهل قریه‌ئی بجهت امور خویش با یکدیگر مشورت نمایند البتّه طریق صواب نمودار شود و همچنین هر صنف از اصناف مثلاً اهل صنعت در امور خویش با یکدیگر مشورت نمایند و تجار در مسائل تجاریّه مشورت کنند خلاصه شور مقبول و محبوب در هر خصوص و امور.

(توقیع مورّخ ۱۵ فوریه ۱۹۲۲ حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از محافل روحانی محلّی) [۱۶۳]

اصل مشورت که یکی از اصول اساسی نظم اداری محسوب می شود باید در کلیّه مجهودات بهائی که بر منافع جمعی امر الله تأثیر دارد اعمال گردد زیرا با هم کاری و تبادل مستمرّ افکار و نظرات است که امر مبارک می تواند منافعش را به بهترین وجه حفظ و حمایت نماید. ابتکار فردی، توانایی شخصی و کاردانی هرچند لازم و ضروری است اما اگر با تجربیات و حکمت جمعی گروه حمایت و تقویت نگردد از انجام چنین وظیفه عظیمی کاملاً عاجز و ناتوان است.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۳۰ اوت ۱۹۳۳ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۱۶۴]

هیچ امری به جز چنین مشورت‌های مستمرّ صمیمانه نمی تواند موفّقیت مساعی شما را تضمین نماید لذا ایشان توصیه می فرمایند که در تمام فعالیت‌های آینده خود همین روش را به کار برید.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۳۰ مه ۱۹۳۷ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به دو نفر از احبّا) [۱۶۵]

با توجّه به این گونه عقاید و افکار، بهائیان می کوشند تا حدّی که امکانات شان اجازه دهد با تعداد فزاینده‌ای از جنبش‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد هم کاری نمایند و به اقدامات مشترکی بپردازند که بر اتحاد و یگانگی می افزاید، رفاه عالم انسانی را ترویج می دهد و به هم بستگی جهانی کمک می نماید. آثار بهائی پیروان این آیین را به مشارکت فعّالانه در جوانب بی شماری از زندگی معاصر فرا می خواند. بهائیان برای انتخاب میادین مشارکت خود موظّفند که این اصل مندمج در تعالیم بهائی را نیز مدّ نظر داشته باشند که وسیله باید با هدف توافق و تطابق داشته باشد و نمی توان از راه‌های ناشایست به اهداف متعالی دست یافت. به خصوص ممکن نیست بتوان وحدتی پایدار را از طریق مجهوداتی بنیان نهاد که اختلاف را ترویج می دهد و یا مبتنی بر این باور است که تعاملات بشری کلاً و ذاتاً بر شالوده تضادّ منافع استوار می باشد. در اینجا باید متذکّر شد که با وجود محدودیت‌های ناشی از پای بندی به این اصل، جامعه بهائی دچار کمبود موقعیت برای هم کاری نبوده است؛ چه بسازند مردمانی که امروزه در سراسر جهان در جهت تحقّق اهدافی که مورد نظر بهائیان نیز هست مجدّانه در تلاش‌اند. بهائیان هم چنین می کوشند تا در هم کاری‌های خود با دیگران از مرزهای مشخصی فراتر نروند مثلاً هیچ اقدام مشترکی را فرصتی

برای تحمیل عقاید مذهبی خود نشمرند و از خودبرحق‌بینی و سایر جلوه‌های نامطلوب هیجانات مذهبی احتراز جویند. اما درس‌هایی را که از تجربیات خود آموخته‌اند بی‌دریغ در اختیار اطرافیان‌شان می‌گذارند و بینش‌هایی را که دیگران اندوخته‌اند با خوشنودی در مساعی جامعه‌سازی خود به کار می‌گیرند.

(پیام مورّخ ۱۲ اسفند ۱۳۹۱ بیت العدل اعظم خطاب به احبّای ایران) [۱۶۶]

بهائیان با تأمل در مورد اینکه چگونه می‌توان به اصلاح عالم کمک نمود، بدون شک درمی‌یابند که شرکت در تظاهرات تنها راه و یا مؤثرترین وسیله موجود برایشان نمی‌باشد. بلکه در عوض می‌توانند به مرور بر میزان یادگیری و قابلیت خویش برای کمک به هموطنان خود بیفزایند تا مسائل را به طرقی عاری از نفاق مطرح سازند، نظریات را به روشی در میان گذارند که از رویکردهای تفرقه‌انگیز فراتر رود و فضاهایی ایجاد و در آن شرکت نمایند که بتوانند با همکاری یکدیگر جهت یافتن راه حل‌هایی برای مشکلاتی که ملت‌شان را به ستوه آورده بکوشند. حضرت بهاء‌الله فرموده‌اند “قل لا انسان الا بالانصاف و لا قوّة الا بالاتحاد و لا خیر و لا سلامة الا بالمشورة.” در پرتو این بیان مبارک، عدالت و انصاف برآستی وسیله‌ای است ضروری برای مقاومت در مقابل تصوّرات بیهوده و خیالات واهی و دسیسه‌های اجتماعی و سیاسی و ابزاری است اساسی که بتوان حقیقت را با چشم خود دید و الزامات یک نظم عادلانه اجتماعی را تشخیص داد. البته وحدت نیز ضروری است، وحدت منبعث از فرایندهای مشورتی که شامل عمل و تأمل می‌باشد، تا بتوان نیروی لازم برای تغییر مثبت اجتماعی را کسب نمود.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۷ آوریل ۲۰۱۷ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّای) [۱۶۷]

مفاهیم و اصول مشورت بهائی باید راهنمای نحوه تعامل احبّای با یکدیگر و مشارکت‌شان در گفتمان‌های اجتماعی و اقدام اجتماعی باشد. مشورت وسیله‌ای است برای وصول به درک مشترک و نحوه اقدام جمعی را فراهم می‌آورد؛ و تلاشی است آزادانه، منصفانه، توأم با احترام و وقار از جانب گروهی از افراد که هدف‌شان تبادل نظر، کشف حقیقت و سعی در حصول توافق است. تفاوت نظر اولیّه نقطه آغازی است برای بررسی موضوع و نیل به درکی بیشتر و حصول توافق، و نباید سبب خصومت، بیزاری و کدورت گردد. با وحدت عمل تصمیم در مورد اقدامی خاصّ می‌تواند به بوته امتحان درآمده، در صورت لزوم طیّ یک فرایند یادگیری مورد بررسی و بازبینی قرار گیرد. در غیر این صورت بنا بر فرموده حضرت عبدالبهاء “اصرار و عناد در رأی منجرّ به منازعه و مخاصمه گردد و حقیقت مستور ماند.”

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۹ نوامبر ۲۰۱۷ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به سه نفر از احبّای) [۱۶۸]

استفاده از منابع مادّی

تمسّکوا بحبل الأسباب متوکّلین علی الله مسبّب الأسباب.

(مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی) [۱۶۹]

امروز بر هر نفسی خدمت امر الله لازم امورات ارض را حقّ جلّ جلاله باسباب معلّق فرموده.

(از الواح حضرت بهاء‌الله) [۱۷۰]

غنا منتهای مملوچیت را داشته اگر بسعی و کوشش نفس خود انسان در تجارت و زراعت و صناعت بفضل الهی حاصل گردد و در امور خیریه صرف شود و علی‌الخصوص اگر شخصی عاقل و مدبّر تشبّث بوسایلی نماید که جمهور اهالی ثروت و غنای کلی برسند همّتی اعظم از این نه و عندالله اکبر ثبوتات بوده و هست چه که این بلندهمّت سبب آسایش و راحت و سدّ

احتیاجات جمع غفیری از عباد حق گردد ثروت و غنا بسیار ممدوح اگر هیئت جمعیت ملت غنی باشد ولیکن اگر اشخاص معدوده غنای فاحش داشته و سایرین محتاج و مفتقر و از آن غنا اثر و ثمری حاصل نشود این غنا از برای آن غنی خسران مبین است ولی اگر در ترویج معارف و تأسیس مکاتب ابتدائیه و مدارس صنایع و تربیت ایتم و مساکین خلاصه در منافع عمومیه صرف نماید آن شخص عند الحق و الخلق بزرگوارترین سگان زمین و از اهل اعلی علین محسوب.

[۱۷۱]

(حضرت عبدالبهاء، رساله مدنیّه)

در خصوص اسباب و دعا سؤال نموده بودی دعا بمنزله روحست و اسباب بمنزله دست تصرفات روح بواسطه دستست هرچند رازق حق است اما واسطه حصول رزق ارض و فی السماء رزقکم زیرا چون رزق مقدر گردد بهر سببی حصول یابد اما ترک اسباب مانند آنست که انسان تشنه بدون آب و سائر مایعات سیرابی طلبد معطی ماء و موجد ماء حضرت کبریاست و آنرا سبب تسکین عطش قرار داده ولی بسته باراده اوست اگر اراده او تعلق نیابد مرض استسقا حاصل شود و دریا عطش را ساکن ننماید.

[۱۷۲]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

ای بنده الهی عبدالبهاء را خانه و کاشانه بی سر و سامانیست و لانه و آشیانه زندان ظلمانی قصر مشید جوید ولی در عالم الهی بیت معمور خواهد ولی در جهان رحمانی بنیان خاک ولو بافلاک رسد عاقبت ویرانیست بلکه قبر ظلمانی تأسیس ابنیه و قصور و بناء بیوت عالیه و کشک و مینو و سرای در دین الله مقبول و ممدوح و محمود ولی نباید دلبستگی و تعلق داشت نیت باید معموریت جهان باشد و مدنیت انسان ولی شخص دانشمند ابنیه عمومیه بلند نماید یعنی مواقعی که تعلق بعموم دارد مثل مشرق الأذکار و دبستان تعلیم اطفال صغار و کبار و مسافرخانه و بیمارخانه چه که هر بنیانی عمومی بنیان الهیست و سرمدی و ابدی و علیک التّحیّه و الثّناء.

[۱۷۳]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

در هر حال امور خیریه لزوماً به معنای پروژه‌ای در قلمرو امور توسعه نیست. امر خیریه در ساده‌ترین شکل خود صرفاً اشاره به انتقال منابع، چه مالی و یا منابع دیگر، است از کسانی که فراوان دارند به کسانی که در مضیق هستند. انگیزه‌ای که سبب چنین عمل خیرخواهانه‌ای می‌شود البته قابل ستایش است. حضرت بهاءالله بنفسه المقدس می‌فرماید "انفاق عندالله محبوب و مقبول و از سید اعمال مذکور". با این حال نحوه انجام عمل باید با دقت و احتیاط لازم توأم باشد. مثلاً مهم است که از اشاره به هرگونه احساس برتری احتراز شود و اهداکننده باید نسبت به ارزش‌های ضمنی و نهفته در هر سیستم توزیعی که اتخاذ می‌کند آگاه باشد.

[۱۷۴]

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۲ اکتبر ۲۰۱۲ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

تمدن مورد نظر حضرت بهاءالله تمدنی است شکوفا که در آن منابع وسیع عالم در جهت عزّت و احیای نوع بشر و نه برای ذلّت و نابودی او صرف خواهد شد.... بهائیان در اجتماعاتی زندگی می‌کنند که امور مادی آن به شدّت آشفته و مختل است. فرایند جامعه‌سازی که دوستان در محدوده‌های جغرافیایی خود به پیش می‌برند نگرش و رفتاری را در مورد ثروت و دارایی ترویج می‌کند که با افکار متداول در عالم کاملاً متفاوت است.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین

قاره‌ای)

[۱۷۵]

بینش حضرت بهاء‌الله بسیاری از پیش‌فرض‌هایی را که مجازند گفت‌مان معاصر را شکل دهند به چالش می‌کشد از جمله اینکه منفعت‌طلبی شخصی مورّج رفاه است و نه تنها نباید به هیچ وجه محدود شود بلکه ابراز آن از طریق رقابت‌های بی‌امان شرط پیشرفت می‌باشد. افکار بهائی با سنجش ارزش افراد بر حسب میزان ثروتی که می‌توانند ذخیره کنند و یا بر اساس مقدار کالای بیشتری که نسبت به دیگران می‌توانند مصرف نمایند مطلقاً سازگاری ندارد. اما از سوی دیگر تعالیم بهائی با نفی همه‌جانبه ثروت و آن را ذاتاً نامطّوع و غیر اخلاقی شمردن موافق نیست و ریاضت را نیز منع می‌نماید. ثروت باید به بشریت خدمت کند، استفاده از آن باید با اصول روحانی هم‌خوان باشد، و سیستم‌ها در پرتو این اصول باید ایجاد شود. به فرموده حضرت بهاء‌الله، ”هیچ نوری به نور عدل معادله نمی‌نماید. آنست سبب نظم عالم و راحت امم.“

[۱۷۶]

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۱ مارس ۲۰۱۷ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان)

گزیده‌ای از مطالب مربوط به توسعه اجتماعی و اقتصادی

تعلیم و تربیت

انسان طلسم اعظم است ولکن عدم تربیت او را از آنچه با او است محروم نموده بیک کلمه خلق فرمود و بکلمه آخری بمقام تعلیم هدایت نمود و بکلمه دیگر مراتب و مقاماتش را حفظ فرمود حضرت موجود می‌فرماید انسان را بمثابه معدن که دارای احجار کریمه است مشاهده نما بتربیت جواهر آن بعرضه شهود آید و عالم انسانی از آن منتفع گردد.

[۱۷۷]

(مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابھی)

کل را وصیت می‌فرمائیم بآنچه که سبب علو و سمو کلمه الله است بین عباد و همچنین در اموری که سبب ارتقاء وجود و ارتفاع نفوس است و سبب اعظم تربیت اولاد است باید کل بآن تمسک نمایند انا امرناکم بذلک فی الواح شتی و فی کتابی الاقدس طوبی للعاملین.

[۱۷۸]

(از الواح حضرت بهاء‌الله)

چون نظر دقیق نمائید مشهود و معلوم گردد که علّت عظمای جور و فتور و عدم عدل و حقانیت و انتظام امور از قلّت تدبیر حقیقی و عدم معارف جمهور است مثلاً اگر اهالی متدبّر و در قرائت و کتابت ماهر و متفکّر باشند اگر مشکلی رخ نماید اولاً بحکومت محلیّه شکایت نمایند اگر امری مغایر عدل و انصاف بیند و روش و حرکت حکومت را منافی رضای باری و مغایر معدلت شهریاری مشاهده کنند داوری خود را بمجالس عالیّه رسانند و انحراف حکومت محلیّه را از مسلک مستقیم شرع مبین بیان کنند و بعد مجالس عالیّه صورت استنطاق را از محلّ معلوم بطلبند البتّه آن شخص مشمول الطاف عدل و داد گردد ولکن حال اکثر اهالی از قلّت معارف زبان و بیانی که تفهیم مقاصد خویش نمایند ندارند.

[۱۷۹]

(حضرت عبدالبهاء، رساله مدتیّه)

الزم امور و اقدم تشبّئات لازمه توسیع دایره معارف است و از هیچ ملّتی نجات و فلاح بدون ترقّی این امر اهمّ اقوم متصوّر نه چنانچه باعث اعظم تنزّل و تزلزل ملل جهل و نادانی است و الآن اکثر اهالی از امور عادیه اطلاع ندارند تا چه رسد بوقوف حقایق امور کلّیه و دقایق لوازم عصریه

[۱۸۰]

(حضرت عبدالبهاء، رساله مدّتیّه)

دقت نمائید که چگونه معارف و تمدّن سبب عزّت و سعادت و حرّیت و آزادی حکومت و ملّت میشود.

و هم چنین لازم است که در جمیع بلاد ایران حتّی قرا و قصبات صغیره مکتبهای متعدّد گشوده و اهالی از هر جهت تشویق و تحریص بر تعلیم قرائت و کتابت اطفال شوند حتّی عند اللّزوم اجبار گردند تا عروق و اعصاب ملّت بحرکت نیاید کلّ تشبّئات بی فایده است چه که ملّت بمثابّه جسم و غیرت و همّت مانند جان جسم بی جان حرکت نکند حال این قوّه عظمی در طینت اهالی ایران در منتها درجه موجود محرّکش توسیع دایره معارف است.

[۱۸۱]

(حضرت عبدالبهاء، رساله مدّتیّه)

و از جمله تعالیم بهاءالله تعمیم معارفست باید هر طفلی را بقدر لزوم تعلیم علوم نمود اگر ابوی مقتدر بر مصارف این تعلیم فیها والا باید هیئت اجتماعیه آن طفل را وسائط تعلیم مهیا نماید.

[۱۸۲]

(از الواح حضرت عبدالبهاء خطاب به جمعیت لاهه)

تعلیم اطفال و پرورش کودکان اعظم مناقب عالم انسان و جاذب الطاف و عنایت حضرت رحمان زیرا اسّ اساس فضائل عالم انسانیست و سبب تدرّج باوج عزّت جاودانی.

[۱۸۳]

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۱۰۳)

لهذا باید مکتب اطفال بنهایت انتظام باشد تعلیم و تعلّم محکم گردد و تهذیب و تعدیل اخلاق منتظم شود تا در صغر سنّ در حقیقت اطفال تأسیس الهی شود و بنیاد رحمانی بنیاد گردد.

[۱۸۴]

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۱۱۱)

دبستانهایی در نهایت انتظام ترتیب دهید و اصول تحصیل معارف را ترویج معلّمانی در نهایت تقدیس و تنزیه جامع آداب و کمال تعیین نمائید و ادیبان و مرّیانی حائز علوم و فنون ترتیب دهید....

همچنین در ترویج صنائع و اکتشاف بدایع و توسیع دائره تجارت و صناعت و ترتیب آداب مدنیّت و تزیین مملکت ... بکوشید و جهد نمائید....

[۱۸۵]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

یکی از دوستان نامه‌ئی در خصوص مکتب عشق آباد مرقوم نمود که این ایّام الحمد لله آن یاران بکمال همّت بترتیب و تنظیم مکتب مشغول شده‌اند و معلّمین مناسبی قرار دادند و من بعد نهایت مواظبت و دقت و محافظت در مکتب خواهد شد....

از جمله مهمّ امور تربیت و تعلیم جمهور اطفالست و این قضیه را بسیار منظور دارید زیرا تأیید و توفیق نفوس منوط و مشروط بخدمت و عبودیت حضرت سبّوح قدّوس.

و از جمله خدمات فائده تربیت و تعلیم اطفال و ترویج معارف و فنون شتی است حال الحمد لله شما در این خدمت سعی بلیغ دارید و جهدی عظیم هر چه در این امر مهمّ اقدام بیشتر فرمائید تأییدات و توفیقات الهیه بیشتر ظاهر و آشکار گردد بدرجهئی که خود شما حیران مانید.

[۱۸۶] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

این دبستان از تأسیسات اصلیّه اساسیه است که فی الحقیقه سبب استحکام بنیان عالم انسانست انشاء الله از هر جهت مکمل گردد و چون این دبستان از هر خصوص مکمل و معمور و فائق بر سائر مکاتب و مدارس گردد دیگری و دیگری بالتتابع تأسیس شود.

مقصود اینست که یاران باید در فکر تربیت و تعلیم عموم اطفال ایران افتند تا کل در دبستان عرفان چشم و گوش باز نموده و بحقائق کائنات پی برده کشف رموز و اسرار الهی نمایند و بانوار معرفت و محبت حضرت احدیت منور گردند و این بهترین وسیله است بجهت تربیت عموم.

[۱۸۷] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

در تحصیل علوم و عرفان بکوشید و در اکتساب کمالات صوری و معنوی جهد بلیغ نمائید.

اطفال را از صغر سنّ بتحصیل هر علمی تشویق کنید و باکتساب هر صنعتی تحریص نمائید تا قلب هر یک بعون و عنایت حقّ مانند آئینه کاشف اسرار کائنات گردد و بحقیقت هر شیء پی برد و در علوم و معارف و صنایع مشهور آفاق شود البتّه صد البتّه در تربیت اطفال قصور و فتور مفرمائید و باخلاق رحمانی پرورش دهید و مطمئن بموهبت و عنایت حضرت پروردگار باشید.

[۱۸۸] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

نامه شما فصیح بود و بلیغ و مضمون بدیع بود و لطیف زیرا دلالت بر همّت موفور و بذل سعی مشکور در تربیت اطفال اناث و ذکور بود و این از اهمّ امور باید اسباب تربیت از برای نورسیدگان رحمانی و نونهالان بوستان الهی از هر جهت فراهم آورد اینست سبب روشنائی عالم انسانی.

الحمد لله احبّا در عشق آباد بنیان متینی نهادند و اساس محکمی گذاشتند اول مشرق الاذکار در مدینه عشق تأسیس شد و حال اسباب تربیت اطفال نیز رو باکمال است چه که در سنین حرب و قتال نیز اهمال نشد بلکه نواقص اکمال گردید حال باید دائره را توسیع داد و در تدبیر تأسیس مدارس عالیّه کوشید تا مدینه عشق مرکز علوم و فنون بهائیان گردد و بعون و عنایت جمال مبارک اسباب میسر گردد.

مدرسه بناترا نیز خیلی اهمّیت بدهید زیرا ترقی عالم نسا سبب ظهور عظمت و بزرگواری این کور بدیع است اینست که

ملاحظه مینمائید در جمیع اقالیم عالم نسا رو بترقی است این از اثر ظهور اعظم و از قوه تعالیم الهی.

اما باید در مدارس ابتدا بتعلیم دین گردد بعد از تعلیم دیانت و انعقاد قلوب اطفال بر محبت حضرت احدیت بتعلیم سائر علوم پرداخت.

[۱۸۹] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

باید بمنتهای همت در ترتیب و تنظیم و تکمیل مدرسه تربیت بکوشید و بهر وسیله تشبث نمائید که بلکه آن دبستان روضه رحمن شود و انوار عرفان بتابد و اطفال از آشنا و بیگانه چنان تربیت شوند که مفخرت عالم انسان گردند و موهبت حضرت رحمن نهایت ترقی را در اندک مدتی بنمایند و چشم بگشایند و کشف حقایق اشیاء نمایند در هر فنی نهایت مهارت اکتساب کنند و اسرار اشیاء را کما هی ادراک نمایند و این منقبت از آثار باهره عبودیت آستان مقدس است.

البته کمال اهتمام را مجری دارند و در فکر این باشند که مدارس متعدده باز نمایند و مدارس علوم باید دبستان تعلیم و ادب باشد و در آداب و اخلاق بیش از علوم و فنون اهتمام نمایند زیرا ادب و نورانیت اخلاق مرجح است اگر اخلاق تربیت نشود علوم سبب مضرت گردد علم و دانش ممدوح اگر مقارن حسن آداب و اخلاق گردد والا سم قاتلست و آفت هائل طیب بدخو و خائن سبب هلاک گردد و علت انواع امراض.

این قضیه را بسیار ملاحظه داشته باشید که اساس دبستان اول تعلیم آداب و اخلاق و تحسین اطوار و کردار باشد.

[۱۹۰] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

تعلیمات مکتب اطفال مفصل است و حال فرصت میسر نیست لهذا مختصر جزئی تعلیم مرقوم میگردد اول تربیت آداب و تربیت اخلاق و تعدیل صفات و تشویق بر اکتساب کمالات و تحریص بر تمسک بدین الله و ثبوت بر شریعت الله و اطاعت و انقیاد تام بحکومت عادله و صداقت و امانت بسریر سلطنت حاضره و خیرخواهی عموم اهل عالم و مهربانی با کلّ امم.

و تعلّم فنون مفیده و السن اجنبیه و حسن سلوک و مداومت ادعیه خیریه در حقّ ملوک و مملوک و اجتناب از قرائت کتب طوائف مادّیه امم طبیعیّه و از حکایات و روایات عشقیّه و تألیفات غرامیه.

خلاصه جمیع دروس محصور در اکتساب کمالات انسانیّه.

این تعالیم ترتیب مکتبهاست که مختصر مرقوم میگردد.

[۱۹۱] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

نامه شما رسید و سبب نهایت مسرت گردید که الحمد لله در همدان تأسیس اعانه خیریه گردید امیدوارم که سبب نجاح و فلاح کلی گردد و اسباب راحت و آسایش فقرا و ضعفا و تعلیم اطفال و تربیت ایتم حاضر و مهیا شود.

مسئله تربیت اطفال و پرستاری ایتم بسیار مهم است و همچنین تربیت و تعلیم بنات اهم ترین امور است زیرا این دختران وقتی مادران گردند و اول مربی اطفال امهاتند اطفال را هر قسم تربیت نمایند نشو و نما کنند و مادام الحیات آن تربیت تأثیرش

باقی و تبدیل و تغییر بسیار مشکل مادر بی‌ تربیت و نادان چگونه تربیت و تعلیم اطفال نماید پس معلوم شد که تربیت و تعلیم دختران اعظم و اهم از پسرانست این کیفیت بسیار اهمّیت دارد باید نهایت همّت و غیرت را مبذول داشت.

خدا در قرآن میفرماید لا یستوی الذّین یعلمون و الذّین لا یعلمون پس جهل مطلقاً مذموم خواه در ذکور و خواه در اناث بلکه در اناث مضرتش بیشتر است لهذا امیدوارم که احبّا اطفال را چه ذکور چه اناث در نهایت همّت تربیت و تعلیم نمایند هذا هو الحقّ و ما بعد الحقّ الا الضّلال المبین.

[۱۹۲] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

ترویج علوم و معارف در این امر بدیع اساس اعظم متین است باید جمیع یاران بذل جهد بلیغ نمایند تا ترویج امر نور مبین گردد و جمیع اطفال بقدر لزوم بهره از علوم و فنون برند حتّی طفل دهقانی نماند که بکلی از علوم محروم باشد.

مبادی علوم فرض است و قرائت و کتابت واجب لهذا تحسین این تأسیس می‌گردد و تشویق این ترتیب میشود از خدا خواهم که سائر قری نیز تأسی بشما نماید در هر قریه‌ئی که معدودی از احبّا هستند مکتبی ترتیب شود که نورسیدگان در آن تحصیل قرائت و کتابت و مبادی علوم نمایند.

[۱۹۳] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

از جمله تعالیم بهاء‌الله این است که جمیع عالم باید تحصیل معارف کنند تا سوء تفاهم از میان برخیزد جمیع بشر متحد شوند و ازالّه سوء تفاهم بنشر معارفست.

[۱۹۴] (از خطابات حضرت عبدالبهاء)

و از جمله وظائف مقدّسه محافل روحانیّه تعمیم معارف تأسیس مدارس و ایجاد تسهیلات و لوازم تحصیل از برای عموم بنین و بنات است.

هر طفلی من‌دون استثنا باید از صغر سنّ علم قرائت و کتابت را کاملاً تحصیل نماید و بحسب میل و رغبت بقدر استعداد و استطاعت خویش در اکتساب علوم عالیّه و فنون نافعّه و لغات مختلفه و حرف و صنایع موجوده همّت و سعی موفور مبذول نماید.

اعانه و دستگیری اطفال فقرا در کسب این کمالات علی‌الخصوص در تحصیل مبادی اوّلّیه بر اعضای محافل روحانیّه فرض و واجب و از فرائض مقدّسه وجدانیّه امنای الهی در جمیع بلاد محسوب.

"انّ الذی ربّی ابنه او ابناً من الابداء کانه ربّی احد ابنائی علیه بهائی و عنایتی و رحمتی الّتی سبقت العالمین".

[۱۹۵] (توقیع مورّخ ۸ ژوئن ۱۹۲۵ حضرت شوقی افندی خطاب به محافل روحانی شرق)

در موضوع فقر و غنا و زحمت فقرا و راحت اغنیا استفسار نموده بودید و اظهار تعجّب و حیرت از این وضعیّت فرموده‌اید....

مراد این نیست که همه فقرا اغنیا شوند و یکسان گردند این خیال مثل آنست که بگوئیم همه جهلا و بی‌سوادها علامه دهر و فهامه زمان شوند و حال آنکه تربیت و تعلیم چون عمومی و اجباری گردد جهل و نادانی تخفیف یابد و بی‌سواد و بی‌بهره

از علم کسی نماند ولی چون تفاوت در استعداد و قابلیت و فرق در مدارک و هوش و ذکا است پس همه در علم و معرفت و دانائی متساوی نگردند مقصد اینست که مقتضیات خلقت و ایجاد برای تمشیت و نظام امور عالم منوط بمراتب و درجات تفاوت است و تنوع و اختلاف کائنات نوعاً و شکلاً و رتبه و مقاماً اسباب حفظ و بقا و وحدت و ائتلاف و لازم و ملزوم یکدیگرند.

(نامه مورخ ۲۲ مه ۱۹۲۸ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۱۹۶]

... حضرت بهاءالله آموزش و پرورش را یکی از اساسی‌ترین عوامل مدنیت حقیقی دانسته‌اند. اما برای اینکه این آموزش و پرورش کافی و مثمر ثمر واقع شود، باید از نظر ماهیت جامع بوده نه تنها جنبه جسمانی و فکری انسان بلکه جوانب روحانی و اخلاقی او را نیز در بر گیرد.

(نامه مورخ ۹ ژوئیه ۱۹۳۱ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۱۹۷]

شما از هیکل مبارک درخواست اطلاعات مفصل در باره برنامه تعلیم و تربیت بهائی نموده‌اید. هنوز برنامه‌ای به عنوان موادّ درسی بهائی موجود نیست و نشریات بهائی مختصّ به این موضوع وجود ندارد زیرا که تعالیم حضرت بهاءالله و حضرت عبداله‌ای یک نظام آموزشی مشخص با تعیین جزئیات را عرضه نمی‌کند بلکه صرفاً اصولی اساسی و تعدادی آرمان‌های تربیتی را ارائه می‌دهد که می‌بایست مربیان آینده بهائی را در مجهودات‌شان برای تنظیم یک برنامه آموزشی مناسب هدایت کند، برنامه‌ای که هماهنگی کامل با روح تعالیم بهائی داشته باشد تا نیازها و ملزومات عصر حاضر را برآورده سازد.

این اصول اساسی در آثار مقدّسه امر الهی موجود است و باید با دقت مورد مطالعه قرار گیرد و به تدریج در برنامه‌های کالج‌ها و دانشگاه‌های مختلف گنجانده شود. ولی وظیفه تنظیم یک سیستم آموزشی که به طور رسمی توسط امر الله شناخته شده در تمام عالم بهائی به مورد اجرا گذاشته شود واضحاً امری نیست که نسل کنونی پیروان اسم اعظم بتوانند آن را انجام دهند و باید توسط محققین بهائی و متخصصین تعلیم و تربیت آینده به تدریج جامه عمل پوشد.

(نامه مورخ ۷ ژوئن ۱۹۳۹ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۱۹۸]

آموزش و پرورش رشته وسیعی است و تئوری‌های آموزشی فراوانند. مطمئناً بسیاری از این تئوری‌ها مزایای قابل ملاحظه‌ای دارند ولی باید به خاطر داشت که هیچ یک عاری از فرضیاتی در باره ماهیت انسان و اجتماع نیستند. مثلاً یک فرایند آموزشی باید در کودک نسبت به استعدادهای خود آگاهی ایجاد نماید ولی از بزرگداشت نفس و از پرورش احساس خودپسندی شدیداً پرهیزد. چه بسا مواردی که به نام ایجاد اعتماد به نفس، نفس اماره تقویت می‌گردد. همین طور در تربیت نسل جوان، بازی مکان خود را دارد ولی کودکان و نوجوانان اغلب قابلیت خود را برای شرکت در مباحث انتزاعی — در سطحی متناسب با سن‌شان — به اثبات رسانده و از تلاش جدی برای درک و فهم مطالب حظّ وافر برده‌اند. یک فرایند آموزشی که با دریایی از سرگرمی‌های فریبنده و مسحورکننده محتوای موادّ آموزشی را کم مایه می‌سازد نفعی برای کودکان و نوجوانان ندارد.

(ترجمه‌ای از پیام مورخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۱ بیت العدل اعظم خطاب به محافل روحانی ملی) [۱۹۹]

کشاورزی و زراعت

در صحیفه حمرا در سجن عگا نازل شد آنچه که سبب سموّ عباد و عمار بلاد است از جمله این بیانات در آن از قلم مالک امکان نازل اسّ اعظم که اداره خلق بآن مربوط و منوط آنکه.

اوّل باید وزرای بیت عدل صلح اکبر را اجرا نمایند تا عالم از مصاریف باهظه فارغ و آزاد شود این فقره لازم و واجب چه که محاربه و مجادله اسّ زحمت و مشقّت است.

دوم باید لغات منحصر بلغت واحده گردد و در مدارس عالم بآن تعلیم دهند.

سوم باید باسبابی که سبب الفت و محبّت و اتحاد است تشبّث جویند.

چهارم جمیع رجال و نساء آنچه را که از اقتراف و زراعت و امور دیگر تحصیل نمایند جزئی از آن را از برای تربیت و تعلیم اطفال نزد امینی ودیعه گذارند و باطّلاع امنای بیت عدل صرف تربیت ایشان شود.

پنجم توجّه کامل است در امر زراعت این فقره اگرچه در پنجم ذکر شد ولکن فی الحقیقه دارای مقام اوّلست.

[۲۰۰] (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی)

در باره زراعت در این امور حکم کلیّه فرموده‌اند و آن اینست که بر هر نفسی واجب شده که بکسب یا زرع و یا صنعت مشغول شود و همان عمل نفس عبادتست نزد حق ولو بیومی توقّف در ارضی باشد چنانچه در ایّام حرکت عراق با اینکه تدارک هجرت دیده میشد معذلک بزرع مشغول بودند و حین خروج امر شد که حاصل آن را ما بین احباب قسمت نمایند.

[۲۰۱] (از الواح حضرت بهاءالله)

و چون بکشت‌زاری مرور نمائی که زرع و نبات و گل و ریحان پیوسته است و جمعیتی تشکیل نموده دلیل بر آنست که آن کشت‌زار و گلستان بتربیت دهقان کاملی انبات و ترتیب شده است و چون پریشان و بی‌ترتیب و متفرّق مشاهده نمائی دلیل بر آنست که از تربیت دهقان ماهر محروم بلکه گیاه خودروئیست.

[۲۰۲] (از الواح حضرت عبداله‌بهاء خطاب به جمعیت لاهه)

تا میتوانی بکوش که در فنّ زراعت نهایت مهارت را حاصل نمائی زیرا بموجب تعلیم الهی تحصیل فنون و اتقان صناعت عبارت از عبادتست شخصی اگر بتمام همّت بتحصیل علمی پردازد و یا باتقان صنعتی کوشد مانند آنست که در کنائس و معابد عبادت الهی مینماید پس تو چون در مدرسه زراعی داخل شوی و بکمال همّت تحصیل فنون نمائی فی الحقیقه شب و روز بعبادت مشغولی و این عبادت مقبول درگاه کبریا چه موهبتی اعظم از این که علم عبارت از عبادت باشد و صنعت عبارت از خدمت بملکوت الله باشد.

[۲۰۳] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله‌بهاء، جلد ۱، شماره ۱۲۶)

چون طفل عزیزت را امتحان کنند از درگاه الهی رجا نمائیم که موفّق و مؤید گردد و در مستقبل تحصیل علوم و فنون زراعت نماید فنّ زراعت علم جلیل است اگر مهارت یابد سبب راحت جمعی غفیر گردد.

[۲۰۴] (از الواح حضرت عبداله‌بهاء)

فی الحقیقه تجارت و زراعت و صناعت مانع از خدمت حضرت احدیّت نه بلکه بجهت اثبات دیانت و امانت و ظهور اخلاق رحمانیّت واسطه عظماست و دلیل لائح.

[۲۰۵] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

بحران موجود در جهان منحصر به کشاورزان نیست. اثراتش در تمام امور معیشت نفوذ کرده است. کشاورزان از یک نظر در موقعیّت بهتری هستند زیرا اقلّاً غذای خود را دارند. اما این بحران به طور کلیّ به مقصدی بزرگ کمک می‌کند. چشم‌انداز بشر را توسعه می‌دهد و به او می‌آموزد که فکرش جهانی باشد و او را ملزم می‌دارد که اگر مایل به اصلاح شرایط خود می‌باشد باید رفاه و آسایش همسایگان خود را هم در نظر گیرد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲ مارس ۱۹۳۲ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاء) [۲۰۶]

امور اقتصادی

ای بندگان من

شما اشجار رضوان منید باید باثمار بدیعۀ منیعۀ ظاهر شوید تا خود و دیگران از شما منتفع شوند لذا بر کل لازم که بصنایع و اکتساب مشغول گردند اینست اسباب غنا یا اولیّ الألباب و انّ الأمور معلّقه بأسبابها و فضل الله یغنیکم بها و اشجار بی‌ثمر لایق نار بوده و خواهد بود.

[۲۰۷] (حضرت بهاءالله، کلمات مکنونه فارسی، شماره ۸۰)

اگر این تعالیم عظیمه انتشار یابد هیئت اجتماعی عموم انسانی از جمیع مخاطرات و علل و امراض مزمنه نجات یابد و همچنین مسئلۀ اقتصاد بهائی نهایت آرزوی عمّال و منتها مقصد احزاب اقتصاد است.

[۲۰۸] (لوح حضرت عبدالبهاء خطاب به دکتر فورال)

مختصر اینست در تعالیم بهاءالله مواساتست و این اعظم از مساواتست مساوات امریست مجبوری ولکن مواسات امریست اختیاری.

کمال انسان بعمل خیر اختیاریست نه بعمل خیر اجباری و مواسات خیر اختیاریست و آن اینست که اغنیا بفقرا مواسات نمایند یعنی اتفاق بر فقرا کنند ولی بمیل و اختیار خویش نه اینکه فقرا اغنیا را اجبار نمایند زیرا از اجبار اختلال حاصل گردد و انتظام امور بشر مختل شود ولی مواسات که آن اتفاق اختیاریست سبب راحت عالم انسانیست سبب نورانیّت عالم انسانیست و سبب عزّت عالم انسانیست.

[۲۰۹] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۷۹)

ای یاران رحمانی من اعظم وسائط ترقّیات عصریّه و معموریّت ممالک و مدنیّت امم تأسیس شرکتها در تجارت و صناعت و سائر موادّ ثروتست زیرا شرکت آیتی از وحدت کلمه و اتّحاد و اتّفاق در امر الهیست نوع بشر منفرداً بسیار مشکلاست که بر امری موفق گردد ولکن چون انجمنی تشکیل شود و شرکتی تأسیس یابد بالاتفاق موفق بتمشیت امور عظیمه گردند مثلاً سپاه اگر هر کدام منفرداً جنگ نماید هر یک بقوّه واحده محاربه نماید و چون فوج تشکیل شود هر یک از افراد این فوج بهزار قوّت مقاومت کند زیرا قوّت هزار نفس در نقطه‌ئی اجتماع کند و همچنین سائر امور ولی تأسیس هر شرکتی باید

بر مبادی الهی باشد اساسش امانت و دیانت و صداقت گردد تا حقوق جمیع ناس محافظه نماید و روز بروز مغناطیس امانت سبب شود و تأییدات ربّ العزّت رخ بگشاید و همچنین شرکت مشروعه باید که آنچه در قوّه دارد در حفظ حقوق جزئی و کلی خلق مجرا دارد و امور شرکت را بنهایت اتقان و درستکاری و صیانت اداره نماید چون چنین گردد شبهه نیست که آن شرکت مظهر برکت شود و آن انجمن مغناطیس تأیید حضرت ذوالمنن گردد و در صون حمایت اسم اعظم از جمیع آفات محفوظ و مصون ماند و علیکم التّحیّة و التّناء.

[۲۱۰]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

این مسئله اقتصاد را باید از دهقان ابتدا نمود تا منتهی باصناف دیگر گردد زیرا عدد دهقان بر جمیع اصناف اضعاف مضاعف است لهذا سزاوار چنان است که اقتصاد از دهقان ابتدا شود و دهقان اوّل عامل است در هیئت اجتماعیّه باری در هر قریه باید که از عقلاء آن قریه انجمنی تشکیل گردد که قریه در زیر اداره آن انجمن باشد و همچنین یک مخزن عمومی تأسیس شود و کاتبی تعیین گردد و در وقت خرمن بمعرفت آن انجمن از حاصلات عموم مقادیری معین بجهت آن مخزن گرفته شود.

این مخزن هفت واردات دارد واردات عشریّه رسوم حیوانات مال بی‌وارث لقطه یعنی چیزی که در راه پیدا شود و صاحب نداشته باشد دفینه اگر پیدا شود ثلثش راجع باین مخزن است معادن ثلثش راجع باین مخزن است تبرّعات خلاصه.

هفت مصرف نیز دارد اوّل مصارف معتدله عمومی مانند کاتب مخزن و اداره صحت عمومی ثانی ادای عشر حکومت ثالث ادای رسوم حیوانات بحکومت رابع اداره ایام خامس اداره اعاشه عجزه سادس اداره مکتب سابع اکمال معیشت ضروریّه فقرا.

اوّل واردات عشر است و آن باید چنین گرفته شود ملاحظه میشود که یک نفر واردات عمومیّه‌اش پانصد دلار است و مصارف ضروریّه‌اش پانصد دلار از او چیزی عشر گرفته نشود شخصی دیگر مصارفاتش پانصد دلار ولی وارداتش هزار دلار از او عشر گرفته میشود زیرا زیاده از احتیاجات ضروریّه دارد اگر عشر بدهد در معیشتش خلل حاصل نگردهد شخص دیگر هزار دلار مصارف ضروریّه دارد ولی پنج‌هزار دلار واردات چون چهارهزار دلار فضله دارد از او یک عشر و نصف گرفته میشود زیرا فضله زیاد دارد شخص دیگر مصارف ضروریّه‌اش هزار دلار است ولی وارداتش ده‌هزار دلار از او دو عشر گرفته میشود زیرا فضله زیاد دارد شخص دیگر مصارف ضروریّه‌اش چهار یا پنجهزار دلار است ولی وارداتش صد‌هزار دلار از او ربع گرفته میشود دیگری حاصلاتش دویست دلار ولی احتیاج ضروریّه‌اش که قوت لایموت باشد پانصد دلار است و در سعی و جهد قصوری ننموده ولی کشتش برکتی نیافته این شخص را باید از مخزن معاونت نمود تا محتاج نماند و براحات زندگانی نماید.

و در ده هر قدر ایام باشد بجهت اعاشه آنان از این مخزن باید مقداری تخصیص نمود و از برای عجزه ده باید مقداری تخصیص داد و از برای نفوس از کارافتاده محتاج باید از این مخزن مقداری تخصیص نمود از برای اداره معارف ده باید مقداری از این مخزن تخصیص نمود از برای اداره صحت باید مقداری از این مخزن تخصیص نمود و اگر چیزی زیاد ماند آن را باید نقل بصندوق عموم ملت بجهت مصارف عمومی کرد.

[۲۱۱]

(از خطابات حضرت عبدالبهاء)

پس باید نظام و قانونی ترتیب داد که معدّل ثروت مفرط نفوس معدود گردد و باعث سدّ احتیاج هزار میلیون از فقراء جمهور شود تا اندکی اعتدال حاصل شود.

ولی مساوات تامّ نیز ممکن نه چه که مساوات تامّ در ثروت و عزّت و تجارت و فلاح و صنعت سبب اختلال راحت و پریشانی و اغتشاش معیشت و ناکامی عمومی شود و بکلی انتظام امور جمهور بر هم خورد زیرا در مساوات غیر مشروع نیز محذور واقع پس بهتر آنست که اعتدال بمیان آید و اعتدال اینست که قوانین و نظاماتی وضع شود که مانع ثروت مفرط بی‌لزم بعضی نفوس شود و دافع احتیاج ضروریّه جمهور گردد مثلاً اصحاب فبریک صاحب کارخانه‌ها هر روز کنزی بدست آرند ولی بیچارگان عمله بقدر کفایت معیشت یومیّه اجرت نگیرند این نهایت اعتساف است البتّه انسان منصف قبول ننماید پس یا باید نظامات و قوانینی گذاشت که گروه عمله اجرت یومیّه از صاحب فبریک بگیرند و شرکتی در ربع و یا خمس منافع باقتضای وسع فبریک داشته باشند و یا در منافع و فوائد گروه عمله با صاحب فبریک بنوع معتدلی مشترک گردند یعنی رأس المال و اداره از صاحب فبریک و شغل و عمل از گروه فعله و یا آنکه عمله بقدر معیشت معتدله اجرت یومیّه گیرند و چون سقط یا عاجز یا ناتوان گردند بقدر کفاف حقّ استفاده از واردات فبریکه داشته باشند و یا اجرت باندازه‌ئی باشد که عمله بصرف مقداری از اجرت قناعت نمایند و اندکی از برای روز عجز و ناتوانی اندوخته کنند.

چون کار بر این منوال باشد نه صاحب فبریک هر روز کنزی اندوخته نماید که بهیچوجه از برای او مضرّ ثمر نیست (زیرا ثروت اگر بی‌نهایت شود شخص صاحب ثروت در زیر حمل ثقیل افتد و در غایت زحمت و محنت افتد و اداره دایره ثروت مفرطه بسیار مشکل شود و قوای طبیعی انسان مضمحل گردد) و نه عمله و فعله از نهایت تعب و مشقّت از پا افتد و در نهایت عمر بشدّت احتیاج مبتلا گردند.

پس معلوم و مسلم گردید که اختصاص ثروت مفرطه بنفوس معدوده با احتیاج جمهور ظلم و اعتساف است و همچنین مساوات تامّ نیز مخلّ زندگانی و راحت و انتظام و آسایش نوع انسانی. پس در اینصورت اعتدال از همه بهتر و آن اینست که اهل ثروت باید در اکتساب منافع اعتدال را ملاحظه نمایند و مراعات فقرا و اهل احتیاج را منظور دارند و آن اینست که عمله و فعله را اجرتی یومی معلوم و مقرر گردد و از منافع عمومیّه فبریک نیز نصیب و بهره‌ئی یابند.

[۲۱۲]

(حضرت عبدالبهاء، مفاوضات)

از جمله نتایج ظهور قوای روحانی آنست که عالم انسانی ترکیب اجتماعی جدیدی به خود خواهد گرفت و عدل الهی در جمیع امور بشری ظاهر خواهد شد و برابری نوع بشر در عالم مستقرّ خواهد شد. فقرا به فضل و موهبت عظیمی مخصّص گردند و اغنیا به سعادت ابدی رسند. زیرا هرچند در حال حاضر اغنیا در نهایت تجمل و راحت به سر برند ولیکن از سعادت ابدی محرومند زیرا سعادت ابدی موکول به عطا و بخشش است و فقرا در همه جا در فقر مطلق‌اند. با ظهور عدل و انصاف خداوندی فقرای جهان اجر جزیل یابند و تحت حمایت کامل قرار گیرند و شرایط اقتصادی بشر تعدیل یابد به طوری که در آینده نه ثروت مفرط باشد و نه فقر مطلق. اغنیا از مواهب این شرایط اقتصادی جدید مانند فقرا محظوظ خواهند گشت زیرا به سبب وجود بعضی تمهیدات و قیود، آنان قادر نخواهند بود آنچنان ثروتی بیندوزند که تمشیت آن موجب وبال‌شان شود و فقرا در عین حال از تنگنای فقر و بیچارگی رهایی خواهند یافت. غنی از قصر خود لذّت خواهد برد و فقیر کلبه راحت خود را خواهد داشت.

(ترجمه‌ای از خطابات حضرت عبدالبهاء که اصل آن به فارسی موجود نیست) [۲۱۳]

... تعلیم ششم حضرت بهاء‌الله تعدیل معیشت حیاست یعنی باید قوانینی و نظاماتی گذارد که جمیع بشر براحت زندگانی کنند یعنی همچنان که غنی در قصر خویش راحت دارد و بانواع موائد سفره او مزین است فقیر نیز لانه و آشیانه داشته باشد گرسنه نماند تا جمیع نوع انسان راحت یابند امر تعدیل معیشت بسیار مهم است و تا این مسئله تحقق نیابد سعادت برای عالم بشر ممکن نیست.

(از الواح حضرت عبدالبهاء) [۲۱۴]

از جمله تعلیم حضرت بهاء‌الله تعدیل معیشت در جامعه بشری است. بر اساس این تعدیل، افراط و تفریط نمی‌تواند در وضعیت انسانی از جهت ثروت و معاش وجود داشته باشد. زیرا جامعه به سرمایه‌گذار، کشاورز، تاجر و کارگر احتیاج دارد همانگونه که یک سپاه محتاج به فرمانده، افسر و افراد لشکر است. همه نمی‌توانند فرمانده باشند و همه نمی‌توانند افسر یا افراد لشکر باشند. هر یک در مقام خود در نظام اجتماعی باید متبحر باشد — هر یک بر اساس قابلیتش عمل می‌نماید ولی با حفظ عدالت و رعایت فرصت پیشرفت برای همه....

تفاوت در قابلیت و استعداد افراد انسانی امری اساسی است. ممکن نیست که جمیع یکسان باشند، جمیع برابر باشند، جمیع فرزانه باشند. حضرت بهاء‌الله تعلیم و احکامی نازل فرمودند که تعدیل جمیع قابلیتات مختلف انسانی را حاصل خواهد نمود. هیکل مبارک فرموده‌اند که هر توفیق ممکن در اداره امور بشری در نتیجه این تعلیم حاصل خواهد شد. وقتی که احکام نازل مبارکه‌اش اجرا شود، نه ثروت مفرط و نه فقر مفرط در جامعه وجود خواهد داشت. و این امر با تعدیل درجات مختلف قابلیتات بشری منظم و مجری خواهد شد. بنیان اساسی جامعه کشاورزی و زراعت است. جمیع باید تولیدکننده باشند. هر عضو جامعه که نیازش با قابلیت تولید انفرادیش برابر باشد از مالیات معاف خواهد بود. اما اگر عایداتش از احتیاجاتش بیشتر است باید مالیات پردازد تا تعدیلی محقق شود. یعنی قابلیت تولید یک فرد با احتیاجاتش از طریق مالیات تعدیل خواهد شد. اگر تولیدش بیشتر باشد مالیات خواهد پرداخت؛ اگر احتیاجاتش بیش از تولیدش باشد مبلغی که کفاف برابری و تعدیل بنماید دریافت خواهد کرد. بنا بر این مالیات به تناسب قابلیت و تولید خواهد بود و هیچ فقری در جامعه وجود نخواهد داشت.

(ترجمه‌ای از خطابات حضرت عبدالبهاء که اصل آن به فارسی موجود نیست) [۲۱۵]

اساس تمام امور اقتصادی ماهیتی الهی دارد و وابسته به عالم روح و قلب است. این موضوع در تعلیم بهائی کاملاً مشروح است و بدون آگاهی بر اصول مربوطه‌اش هیچ اصلاحی در وضع اقتصادی نمی‌تواند تحقق پذیرد. بهائیان این اصلاح و بهبود را فراهم خواهند آورد ولی نه با آشوب و فتنه و نه با توسل به قوای مادی؛ نه با جنگ و محاربه بلکه از راه تأمین آسایش و رفاه عامه. قلوب باید چنان به هم پیوند یابد و مهر و محبت چنان غلبه کند که اغنیا به طیب خاطر به مساعدت و کمک فقرا پردازند و برای استقرار همیشگی تعдіلات اقتصادی اقدام نمایند. اگر این منظور به این نحو حاصل شود بسیار مقبول و ممدوح خواهد بود زیرا به خاطر رضای الهی و در راه خدمت به آستانش خواهد بود. مثلاً بمثابة آن خواهد بود که ساکنین ثروتمند یک شهر بگویند "فی الحقیقه سزاوار نیست که این درجه ثروت داشته باشیم با وجودی که در این شهر فقر شدید هست" و سپس به خواست خود، ثروت‌شان را به فقرا انفاق کنند و برای خودشان فقط به قدر لازم که بتوانند به راحتی زندگی کنند نگهدارند.

(ترجمه‌ای از خطابات حضرت عبدالبهاء که اصل آن به فارسی موجود نیست) [۲۱۶]

هیكل مبارك همچنين مقاله‌ای را كه شما در بارهٔ تعالیم اقتصادی امر مبارك برای ”عالم بهائی“ نوشتید دریافت نمودند. همانطور كه بیان کرده‌اید آثار بهائی در این زمینه چندان غنی نیست و بسیاری از مطالبی كه در حال حاضر افكار عالم را مشوّش نموده حتّی ذكر نشده است. نكتهٔ اصلی روحیه‌ای است كه باید در حیات اقتصادی ما نفوذ نماید و این روحیهٔ تدریجاً در قالب مؤسّسات و اصولی در خواهد آمد كه به ایجاد وضعیّت مطلوبی كه حضرت بهاءالله به آن بشارت داده‌اند كمك نماید.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۰ دسامبر ۱۹۳۱ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از محافل روحانی ملّی)

[۲۱۷]

در بارهٔ علاقهٔ شما برای تنظیم امور تجاری خود بر طبق تعالیم بهائی، حضرت شوقی افندی روحیه‌ای را كه سبب ابراز چنین پیشنهادی شده صمیمانه تمجید می‌فرمایند. با این وجود معتقدند كه هنوز زمان آن نرسیده كه يك بهائی سعی در ایجاد تغییراتی چنین اساسی در ساختار اقتصادی اجتماع ما نماید حتّی اگر وسعت چنین ابتكاری محدود باشد. تعالیم اقتصادی امر مبارك، اگرچه طرح کلی آن به خوبی معلوم است ولی هنوز به اندازهٔ کافی تشریح و سیستماتیک نشده كه اجازه دهد كسی به طور صحیح و دقیق حتّی در مقیاسی محدود به آن جامهٔ عمل پیوشاند.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۲ مه ۱۹۳۵ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاء)

[۲۱۸]

در امر الله عملاً تعالیم فنی در زمینهٔ اقتصاد مانند امور بانکی و نظام قیمت‌گذاری و مسائل مشابه وجود ندارد. امر الهی يك نظام اقتصادی نیست و مؤسّسین آن نیز نباید متخصّص اقتصادی محسوب شوند. كمك‌های آیین بهائی در این زمینه اساساً غیر مستقیم است زیرا شامل رعایت اصول روحانی در نظام اقتصادی كنونی است. حضرت بهاءالله چند اصل اساسی ارائه فرموده‌اند كه باید راهنمای اقتصاددانان آیندهٔ بهائی در استقرار مؤسّساتی گردد كه ارتباطات اقتصادی جهانی را تعدیل خواهد نمود.

... حضرت عبدالبهاء صریحاً فرموده‌اند كه دست‌مزدها باید متفاوت باشد زیرا افراد در قابلیت‌هایشان متفاوتند لذا دست‌مزدها هم باید بر اساس امكانات و قابلیت‌های آنان متفاوت باشد. به نظر می‌رسد كه این فكر با عقاید بعضی از اقتصاددانان عصر حاضر مغایر باشد. ولی احبّاء باید به بیانات مولای عزیز اطمینان كامل داشته باشند و بیانات مبارك را بر آنچه روشن‌فكران به اصطلاح متجدّد ابراز می‌كنند ترجیح دهند.

... پیشرفت ماشین‌آلات هر چقدر باشد بشر برای معاش خود باید همواره تلاش نماید. سعی و كوشش جزء لاینفك حیات بشر است و اگرچه با تغییر شرایط جهان ممكن است شكل‌های متفاوتی به خود گیرد ولی همواره عنصر لازم حیات دنیوی ما خواهد بود. حیات در هر حال یعنی تلاش. پیشرفت از طریق سعی و كوشش حاصل می‌شود و بدون آن حیات مفهوم خود را از دست می‌دهد و حتّی معدوم می‌گردد. پیشرفت ماشین‌آلات سعی و كوشش را غیر ضروری ننموده بلكه طریق و شكل جدیدی به آن بخشیده است.

... جملهٔ ”راه حلّ اقتصادی ماهیّتی الهی دارد“ به معنای این است كه دین به تنهایی می‌تواند ملاً تغییراتی چنان اساسی در ماهیّت انسان به وجود آورد كه وی را قادر به تعدیل روابط اقتصادی اجتماع نماید. تنها از این طریق است كه انسان

می‌تواند قوای اقتصادی را که بنیان حیات بشر را تهدید می‌کند تحت کنترل درآورد و بدین ترتیب برتری خود را بر قوای طبیعت ثابت نماید.

... همانطور که ... به آن اشاره گردید، عدم تساوی اجتماعی از نتایج اجتناب‌ناپذیر عدم تساوی طبیعی افراد است. انسان‌ها در توانایی با یکدیگر متفاوتند و بنا بر این در شرایط اجتماعی و اقتصادی‌شان هم باید متفاوت باشند. اما ثروت و فقر مفرط در هر صورت باید کاملاً منسوخ شود. نفوسی که قوای فکری‌شان به ایجاد و بهبود ابزار تولید کمک کرده است باید منصفانه پاداش بگیرند اگرچه این ابزار می‌تواند در تملک و اختیار دیگران هم باشد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۶ دسامبر ۱۹۳۵ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از

[۲۱۹]

احبّا)

در مورد سؤال شما راجع به نظر دیانت بهائی در خصوص مشکلات کارگری، حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند که این مسائل تنها از طریق زور و خشونت قطعاً حل‌شدنی نیست. عدم هم‌کاری نیز حتی اگر با خشونت هم‌راه نباشد مؤثر نیست. کشمکش بین کارگر و کارفرما می‌تواند به بهترین وجه از طرق مسالمت‌آمیز و روش‌های سازنده هم‌کاری و مشورت حل شود.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۳۰ ژوئن ۱۹۳۷ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۲۲۰]

در مورد سؤال شما راجع به نظر دیانت بهائی در باره مسائل گوناگون اقتصادی از قبیل مشکل مالکیت، تنظیم و توزیع سرمایه، و طرق دیگر تولید، مشکل شرکت‌های نیابتی و شرکت‌های انحصاری، و تجربیات اقتصادی مانند شرکت‌های تعاونی اجتماعی: تعالیم حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء راه حل‌های خاص و مفصل برای چنین مسائلی که اکثراً متعلق به جنبه فنی اقتصاد می‌باشد ارائه نموده‌اند و لذا موضوعی نیست که مستقیماً مورد توجه امر الله می‌باشد. البته اصول هدایت‌کننده‌ای در آثار مقدسه بهائی راجع به موضوع اقتصاد وجود دارد ولی به هیچ وجه شامل همه حوزه‌های نظری و عملی اقتصاد نیست و هدف آن بیشتر هدایت نویسندگان و متخصصین آینده بهائی در امور اقتصاد می‌باشد تا یک نظام اقتصادی تأسیس نمایند که با روح امر الله کاملاً مطابقت داشته و بر حسب تمهیدات آن در باره این موضوع و موضوعات مشابه دقیقاً عمل نماید. بیت العدل اعظم در آینده باید با مشاوره با کارشناسان اقتصادی برای تنظیم و تکامل یک نظام اقتصاد بهائی اقدام نماید. اما نکته مسلم این است که امر الهی نه تئوری‌های اقتصاد سرمایه‌داری را به طور کامل می‌پذیرد و نه می‌تواند با نظام مارکسیستی و کمونیستی که اصل مالکیت شخصی را مردود می‌شمارد موافق باشد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۰ ژوئن ۱۹۳۹ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۲۲۱]

ایدئولوژی‌های متداول در جهان کنونی بی‌نهایت پیچیده است. همانطور که مشکل است یک نظام اعتقادی منسجم یافت که بتوان آن را مسیحیت نامید و شامل تمام کسانی باشد که خود را مسیحی می‌دانند، به همین نحو انواع بسیاری از کمونیست نیز وجود دارد که اغلب کاملاً متفاوت از یکدیگرند. بر همین منوال انواع بسیاری از طرف‌داران "سرمایه‌داری" وجود دارند که آن را به عنوان مطلوب‌ترین شکل سیستم اقتصادی ارائه می‌دهند. بیانیّه "وعدۀ صلح جهانی" جایی برای تجزیه و تحلیل حسنات و سیئات این نظریه‌های گوناگون نبود تنها توانست به بعضی از آشکارترین کمبودهای ناشی از انحرافات شدید آنها اشاره کند و همه طرف‌داران آن تئوری‌ها را تشویق کند تا به دنبال راه حلی واقعی برای مشکلاتی که نوع بشر را مبتلا ساخته از اختلافات خود چشم‌پوشی کنند.

دو حد افراطی تئوری اقتصادی را می‌توان تصوّر نمود: کسانی که معتقدند بهترین راه حلّ از میان برداشتن تمامی کنترل‌ها و مداخلات دولتی در عملکرد سیستم اقتصادی است، و کسانی که عقیده دارند عملکرد سیستم اقتصادی باید توسط دولت از نزدیک نظارت و تنظیم شود تا اجتماع تحت فرمان سیستم اقتصادی نباشد بلکه آن را تحت کنترل داشته باشد. همانطور که کاملاً روشن شده هیچ یک از این دو تئوری افراطی قابل اجرا نیست و طرف‌داران هر دو به تدریج مواضع معتدل‌تری اتخاذ کرده‌اند اگرچه در واکنش نسبت به تغییر شرایط نیز نوسانی در نقطه نظرها به نظر می‌رسد. در اشاره به طرف‌داران یکی از این گروه‌های افراطی و نیز به اوضاع اقتصادی بسیار نامطلوب کنونی جهان است که بیت العدل اعظم به ایدئولوژی‌هایی اشاره می‌فرمایند که می‌توانند ”بی‌رحمانه میلیون‌ها مردم گرسنه را رها نمایند تا قربانی عملیات یک سیستم بازار اقتصادی گردند، سیستمی که به وضوح باعث تشدید مصائب اکثریت نوع بشر گشته و در عین حال عدّه قلیلی را قادر ساخته است که در چنان وفور نعمتی غوطه‌ور شوند که نسل‌های پیشین ما آن را حتّی در خواب هم نمی‌دیدند.“

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۳ نوامبر ۱۹۸۵ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء) [۲۲۲]

مثال واضحی در بحث فرایند جهانی شدن مطرح می‌شود که شما در نامه خود به آن اشاره کرده‌اید. مزایای بی‌شماری که این مرحله مورد انتظار در تکامل جامعه بشری به همراه می‌آورد مستلزم تلاش‌هایی مشابه از جانب دولت‌ها و جامعه مدنی در راه تضمین توزیع منصفانه منافع جهانی شدن در بین تمامی نوع بشر است. حضرت عبداله‌اء این مطلب را صریحاً برای ما توضیح می‌دهند:

ملاحظه میکنی که فردی از افراد انسان گنجی اندوخته و اقلیمی را مستعمره خویش نموده، ثروت بی‌پایان یافته و منافع و واردات بمثابه سیل روان مهیا ساخته ولی صد هزار نفر از بیچارگان دیگر ضعیف و ناتوان و محتاج یک لقمه نان مساوات و مواساتی در میان نیست. لهذا ملاحظه میکنی که آسایش و سعادت عمومی مختل و راحت نوع بشر بقسمی مسلوب که حیات جمّ غفیری بی‌ثمر زیرا ثروت و عزّت و تجارت و صنایع مختصّ بنفوسی معدود و سائرین در زیر بار گران مشقّت و زحمت نامحدود و از فوائد و منافع و راحت و آسایش محروم.

مشکلات خطیر این مسئله که امروز تمامی کره ارض را تحت تأثیر قرار می‌دهد در تاریخ بشر بی‌سابقه است. رسیدگی به این مشکلات مستلزم وحدت در درک ماهیّت مخاطرات احتمالی است، درکی که فقط از طریق تجزیه و تحلیل کنجکاوانه، بحث و گفتگوی عمومی آزاد و تعهدی تزلزل‌ناپذیر برای ایجاد سیستم‌های مورد توافق جهت تنظیم امور می‌تواند حاصل شود.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۷ نوامبر ۲۰۰۱ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء) [۲۲۳]

بیت العدل اعظم نامه شما را ... که در آن تقاضای هدایت در مورد فلسفه اقتصادی مناسبی برای عصر حاضر نموده‌اید دریافت کرده‌اند....

در نامه خود ... عبارتی از کتاب ”قرن انوار (Century of Light)“ نقل کرده‌اید که نظام فکری کنونی حاکم بر جهان را نظامی ورشکسته از نظر اخلاقی و عقلانی می‌خواند. این عبارت به شما می‌گوید که جامعه بهائی [نظام] سرمایه‌داری را یک فلسفه اقتصادی بیهوده برای توسعه آینده جهان می‌داند. شما این موضع را تعجّب‌آور می‌یابید زیرا نه فقط با استنتاجات متفکرین امروز که سرمایه‌داری را تنها سیستم مناسب برای توسعه اقتصاد جهانی می‌شمرند تضادّ مستقیم دارد بلکه به نظرتان

می‌رسد که با بعضی از بیانات حضرت شوقی افندی نیز مغایرت دارد. سرمایه‌داری به سیستمی تبدیل شده است که به استدلال شما اگر نه کاملاً بلکه تا حدّ زیادی با بیانات حضرت شوقی افندی مطابقت دارد. سؤال شما این است که بهائیان شاغل در زمینه اقتصاد چگونه باید به پیش روند در حالی که نظرات بسیار متفاوتی در باره موضوع دارند، از افرادی مانند شما گرفته که بیانات حضرت ولی‌امرالله را در حمایت از سرمایه‌داری می‌بینند تا دیگران که معتقدند این سیستم باید عوض شود.

در نامه خود ... عبارتی از کتاب ”قرن انوار (Century of Light)“ نقل کرده‌اید که نظام فکری کنونی حاکم بر جهان را نظامی ورشکسته از نظر اخلاقی و عقلانی می‌خواند. این عبارت به شما می‌گوید که جامعه بهائی [نظام] سرمایه‌داری را یک فلسفه اقتصادی بیهوده برای توسعه آینده جهان می‌داند. شما این موضع را تعجب‌آور می‌یابید زیرا نه فقط با استنتاجات متفکرین امروز که سرمایه‌داری را تنها سیستم مناسب برای توسعه اقتصاد جهانی می‌شمرند تضادّ مستقیم دارد بلکه به نظرتان می‌رسد که با بعضی از بیانات حضرت شوقی افندی نیز مغایرت دارد. سرمایه‌داری به سیستمی تبدیل شده است که به استدلال شما اگر نه کاملاً بلکه تا حدّ زیادی با بیانات حضرت شوقی افندی مطابقت دارد. سؤال شما این است که بهائیان شاغل در زمینه اقتصاد چگونه باید به پیش روند در حالی که نظرات بسیار متفاوتی در باره موضوع دارند، از افرادی مانند شما گرفته که بیانات حضرت ولی‌امرالله را در حمایت از سرمایه‌داری می‌بینند تا دیگران که معتقدند این سیستم باید عوض شود.

جنبه دوم سؤالات شما در باره خصوصیات تئوری اقتصادی است. اینکه به نظر شما متفکرین بهائی به طیف وسیعی از نظرات در باره سرمایه‌داری و اشکال مختلفش متمسک‌اند نباید باعث نگرانی باشد. بیت العدل اعظم برعکس این وضعیت را وضعیتی کاملاً سالم می‌بیند و در حال حاضر مایل به توضیح بیشتری در این مورد نیستند. بیان شما در نامه‌تان ... مبنی بر اینکه راه حلّ مشکلات بشریت را باید در به کار گرفتن دانش علمی و تعالیم حضرت بهاءالله راجع به واقعیت اجتماعی یافت صحیح است. بنا بر این باید انتظار داشت که تعالیم حضرت بهاءالله در نحوه تصمیم‌گیری بشر برای چگونگی تولید، توزیع، تکثیر، به کار گیری و استفاده از ابزار مادی به کار گرفته شود. همانطور که در پیشرفت هر رشته علمی امری طبیعی است، پیش در باره یک تئوری اقتصادی مناسب فقط زمانی کسب خواهد شد که مردم با نظرات گوناگون طرق مختلف را مورد بررسی قرار دهند. انتقاد از عملکرد اقتصادی کنونی را نباید به سادگی به محکوم کردن نظام سرمایه‌داری سوء تعبیر کرد و یا آن را تأیید سوسیالیسم تلقی نمود. همانطور که بی‌تردید شما موافق خواهید بود اصل مالکیت خصوصی می‌تواند طرقی جدید و بهتر از روش‌های جاری برای سازمان‌دهی فعالیت‌های اقتصادی نوع بشر ارائه دهد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۲ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) [۲۲۴]

تحقق عدالت اجتماعی در شرایطی امکان‌پذیر خواهد بود که همگان از رفاه نسبی مادی برخوردار و در اکتساب خصایص معنوی کوشا باشند. بنا بر این راه حلّ اساسی مشکلات اقتصادی جهان را باید در توجّه هم‌زمان به موازین علمی و اصول روحانی جستجو نمود. خانواده محیط مناسبی است که در آن فضایل اخلاقی لازم برای نگرشی صحیح نسبت به منابع مالی و استفاده از آن می‌تواند شکل گیرد.

حضرت بهاءالله در بیان مقتضیات عالم خلقت، تأیید می‌فرمایند که پیشرفت هر امری و تحقق هر هدفی معلّق به وجود اسباب و وسایل است. تعمّق در این بیان مبارک به انسان می‌آموزد که پیوسته باید بین هدف و اسباب وصول به آن تفاوت قائل شد و اجازه نداد که به دست آوردن آنچه وسیله‌ای بیش نیست جای هدف را در زندگی انسان بگیرد. مثلاً مال و منال در

مقام وسیله‌ای ضروری برای نیل به اهدافی متعالی از جمله معیشت روزانه، ترقی خانواده، خدمت به جامعه و اقداماتی در جهت استقرار مدنیت جهانی، ممدوح و مقبول است ولی شایسته شأن انسان نیست که کسب آن را به خودی خود هدف غایی و منظور نهایی زندگی خویش قرار دهد.

نکته مهم دیگری که با روح تعالیم الهی مطابقت دارد آن است که هدف وسیله را توجیه نمی‌کند بدین معنی که یک هدف هر قدر والا، مفید و شکوهمند باشد و یا حصولش برای زندگی فرد و خانواده ضروری شناخته شود، نیل به آن از راه نادرست و توسل به اسباب ناپسند جایز نیست. متأسفانه در عصر حاضر برخی از سیاستمداران و رهبران اجتماعی و مذهبی و همچنین عده‌ای از کارگزاران بازارهای مالی بین‌المللی، گروهی از مدیران شرکت‌های چند ملیتی و ارباب صنایع و تجارت و جمعی از مردم عادی، تحت تأثیر فشارهای اجتماعی و علی‌رغم ندای وجدان خویش، این نکته مهم و اساسی را نادیده گرفته رسیدن به اهداف خود را از هر طریقی مشروع می‌شمرند.

حضرت عبدالبهاء مطلوب بودن ثروت را مشروط به نحوه کسب و مصرف آن دانسته می‌فرمایند: «... غنا منتهای ممدوحیت را داشته اگر به سعی و کوشش نفس خود انسان در تجارت و زراعت و صنعت به فضل الهی حاصل گردد» و «جمهور اهالی به ثروت و غنای کلی برسند» و در «امور خیریه» و در راه «ترویج معارف» و تأسیس مدارس و صنایع و پیشبرد تعلیم و تربیت و به طور کلی در جهت منافع عمومی صرف شود....

تمسک به اصل عدالت در تأمین ثروت، اصلی که مورد تأیید بسیاری می‌باشد، البته درجات و سطوح مختلف دارد. در یک سطح بدین معنی است که مثلاً کارگر و کارفرما هر دو در کلیه امور با پیروی از قوانین و مقررات متداول، امانت‌داری و صداقت را پیشه خود سازند. ولی برای درک عمیق‌تر مقتضیات عدالت باید به دو شرط دیگر ممدوحیت ثروت نیز توجه نمود و در پرتو آن معیارهای رایج را مورد مطالعه قرار داد. به عنوان مثال، رابطه بین میزان دست‌مزدهای قانونی امروز با هزینه زندگی و ارزش دست‌آورد کار کارگران که به فرموده حضرت عبدالبهاء مستحق شریک شدن در سود حاصله از زحمات خود هستند، شایان توجه و بررسی خاص است. تفاوت فاحش و اغلب غیر قابل توجه بین هزینه تولید یک کالا و قیمت فروش آن درخور تفکر فراوان می‌باشد. کسب مال به شیوه‌ای که توده مردم «به ثروت و غنای کلی برسند»، امری اساسی و شایسته تحقیق و تأمل جدی است. در ضمن چنین تفکرات و مطالعاتی، البته زشتی و ناپسندی اندوختن ثروت از طرقی نظیر استثمار دیگران، احتکار و انحصار و یا تولید کالاهای مخرب و آنچه خشونت و فسق و فجور را در بین جمهور ناس رواج می‌دهد بیش از پیش روشن و آشکار می‌گردد.

(پیام مورخ ۲ آوریل ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم خطاب به احبای ایران) [۲۲۵]

رفاه هر بخشی از مردم جهان به نحوی جدایی‌ناپذیر با رفاه کل به هم آمیخته است. وقتی هر گروهی بدون در نظر گرفتن آسایش همسایگانش تنها به رفاه خود اندیشد و یا منافع اقتصادی را بدون توجه به تأثیرش بر محیط زیست که تأمین‌کننده معاش همگان است دنبال کند، حیات جمعی نوع بشر است که دست‌خوش آسیب می‌شود. پس مانعی سرسخت در راه پیشرفت هدف‌مند اجتماعی قرار دارد: حرص و منفعت‌طلبی شخصی اغلب بر رفاه همگانی غلبه می‌یابد. ثروت در مقادیری وجداناً نامعقول اندوخته می‌شود و بی‌ثباتی حاصل از آن بر اثر توزیع نامتعادل درآمد و امکانات، هم در بین ملت‌ها و هم در درون ملت‌ها، وخیم‌تر می‌گردد. اما اوضاع الزاماً نباید چنین باشد. هرچند چنین شرایطی دست‌آورد تاریخ است ولی نباید مسیر

آینده را تعیین کند و حتی اگر رویکردهای اقتصادی رایج جوابگوی نیازمندی‌های مرحله نوجوانی نوع بشر بوده است قطعاً برای رفع احتیاجات دوران طلوع عصر بلوغ او نارسا خواهد بود. هیچ دلیلی برای تداوم بخشیدن به ساختارها، قوانین، و سیستم‌هایی که آشکارا از تأمین منافع همگان عاجز است قابل توجیه نیست. تعالیم دیانت بهائی جایی برای شک و شبهه باقی نگذاشته است که کسب، توزیع و استفاده از ثروت و منابع، بُعدی اخلاقی در بر دارد.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۱ مارس ۲۰۱۷ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان)

[۲۲۶]

بهداشت

حتی آنچه سبب صحت بدن و قوت بنیه و صیانت اطفال از عروض امراض است تحصیل نمایند.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۹۴)

[۲۲۷]

پس همّتی نمائید تا تنزیه و تقدیس کبری که نهایت آرزوی عبدالبهاست در میان اهل بها جلوه نماید و حزب الله در جمیع شئون و کمالات فائق بر سائر نوع انسان گردند و در ظاهر و باطن ممتاز از دیگران و در طهارت و نظافت و لطافت و حفظ صحت سرخیل عاقلان و در آزادگی و فرزاندگی و حکم بر نفس و هوی سرور پاکان و آزادگان و عاقلان.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۱۲۹)

[۲۲۸]

ای امة الاعلی نامه شما رسید مرقوم نموده بودید که در فکر تأسیس شفاخانه جدیدید و با پنج نفر دیگر از دکتوران بهائی در فکر تنظیم و ترتیب هستید اگر چنین قضیه‌ئی تحقق یابد بسیار مفید است.

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

[۲۲۹]

صحت و سلامت جسم اگر در سیل ملکوت صرف شود بسیار مقبول و محبوب و اگر در نفع عموم عالم انسانی ولو منفعت جسمانی باشد صرف گردد و سبب خیر شود آن نیز مقبول ولی اگر صحت و عافیت انسان در مشتهیات نفسانی و حیات حیوانی و متابعت شیطانی صرف گردد مرض از آن صحت بهتر بلکه موت مرجح بر آن حیات اگر چنانچه طالب صحتی صحت را بجهت خدمت ملکوت بخواهد امیدوارم که بصیرتی کامل و عزمی صارم و صحتی تامه و قوتی روحانی و جسمانی حاصل نمائی تا از سرچشمه زندگانی ابدی بنوشی و بروح تأیید الهی موفق گردی.

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

[۲۳۰]

شفا تنها از طریق قوای روحانی بدون شک به همان اندازه نارسا است که اطباء و متفکرین مادی بیهوده می‌کوشند تا منحصرأ با توسل به روش‌ها و ابزار مکانیکی بدست آورند. بهترین نتیجه می‌تواند از توأم کردن هر دو روش جسمانی و روحانی حاصل گردد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۲ مارس ۱۹۳۴ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از

احبّا)

[۲۳۱]

قوای عظیمه‌ای که در راه جنگ‌های اقتصادی و سیاسی هدر و اتلاف می‌شوند به اهدافی معطوف خواهد شد که موجب توسعه دامنه اختراعات و ترقیات فنی، ازدیاد بهره‌وری نوع بشر، و ریشه‌کنی امراض، توسعه تحقیقات علمی، بالا بردن میزان

سلامت جسمانی، و اعتلای ذکاوت و ترکیه افکار بشری، کشف منابع دست نخورده و ناشناخته کره ارض، افزایش طول عمر انسان، و پیشرفت هر عامل دیگری گردد که می‌تواند حیات فکری و اخلاقی و روحانی نوع بشر را تقویت کند.

[۲۳۲] (توقیع مورخ ۱۱ مارس سپتامبر ۱۹۳۶ حضرت شوقی افندی)

احیاناً خشنود خواهید شد بدانید که اطلاعات در باره بیماری ایدز (AIDS) در بسیاری از پروژه‌های آموزش بهداشت بهائی در افریقا و سراسر دنیا و توأم با تأکید بر اهمیت عفّت و عصمت، وفاداری در زندگی زناسویی، تقدّس ازدواج و اهمیت حیاتی خانواده به عنوان نهاد بنیادین اجتماع، گنجانده شده است. آموزش در باره ایدز و تمایلات جنسی احتمالاً مؤثرترین روش خواهد بود اگر بر جنبه‌های وسیع‌تر معنوی و اخلاقی زندگی که منجر به تقویت بنیان خانواده‌ها و جوامع می‌شود متمرکز باشد.

[۲۳۳] (ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

هنر، رسانه‌ها و فناوری

تحصیل علوم و فنون از هر قبیل جایز ولکن علمی که نافع است و سبب و علّت ترقّی عباد است کذلک قضی الامر من لدن آمر حکیم.

[۲۳۴] (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی)

باید اوّل هر امری آخر آن ملاحظه شود و از علوم و فنون آنچه سبب منفعت و ترقّی و ارتفاع مقام انسان است اطفال بآن مشغول گردند.

[۲۳۵] (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی)

سوف نبعث منک ذا علوم بدیعة و ذا صنائع قویّة و نظهر منهما ما لا خطر به قلب احد من العباد.

[۲۳۶] (ندای ربّ الجنود: الواح نازله از قلم حضرت بهاءالله)

سبب علوّ وجود و سموّ آن علوم و فنون و صنائع است.

[۲۳۷] (حضرت بهاءالله، لوح ابن ذئب)

طوبی از برای نفسیکه در ایّام الهی بصنعت یدی مشغولست هذه موهبة من الله چه که در این ظهور اعظم اشتغال بامریکه انسان را از انتظار منع نماید لدی الله مقبولست صنع هر صانعی از عبادت محسوب شده.

[۲۳۸] (از الواح حضرت بهاءالله)

باید آنچه نوشته میشود از حکمت خارج نشود و در کلمات طبیعت شیر مستور باشد تا اطفال روزگار بآن تربیت شوند و بمقام بلوغ فائز گردند از قبل ذکر نمودیم که یک کلمه بمثابة ربع است عالم قلوب از او تازه و خرم شود و کلمه دیگر بمثابة سموم ازهار و اوراد را بسوزاند انشاءالله مؤلفین از دوستان حقّ باید بنویسند آنچه را که نفوس منصفه بپذیرند و نزد قوم محلّ ایراد واقع نشود.

[۲۳۹] (از الواح حضرت بهاءالله)

آیا توسیع دایرهٔ معارف و تشییید ارکان فنون و علوم نفعه و ترویج صنایع کامله از امور مضرّه است زیرا که افراد هیئت اجتماعیّه را از حیّز اسفل جهل باعلی افق دانش و فضل متصاعد میفرماید.

[۲۴۰]

(حضرت عبدالبهاء، رسالهٔ مدنیّه)

لهذا لازم است که رسایل و کتب مفیده تصنیف شود و آنچه الیوم ما یحتاج الیه ملّت و موقوف علیه سعادت و ترقّی بشریّه است در آن بیراهین قاطعه بیان شود و آن رسایل و کتب را طبع نموده در اطراف مملکت انتشار شود تا اقلاً خواصّ افراد ملّت قدری چشم و گوششان باز شده در آنچه سبب عزّت مقدّسهٔ ایشان است بکوشند نشر افکار عالیّه قوهٔ محرّکه در شریان امکان بلکه جان جهانست افکار چون بحر بی پایان و آثار و اطوار وجود چون تعینات و حدود امواج تا بحر بحرکت و جوش نیاید امواج برنخیزد و لآلی حکمت بر شاطی وجود نیفشاند.

[۲۴۱]

(حضرت عبدالبهاء، رسالهٔ مدنیّه)

مثلاً ملاحظه نمائید که در ممالک سایره مدّتی مدیده کوشیدند تا آنکه قوهٔ بخار را کشف و معلوم و بواسطهٔ آن چه بسیار امور و اشغال مشکله را که مافوق طاقت انسان بود سهل و آسان نمودند حال استعمال این قوه را ترک نموده و سعی و کوشش شود تا آنکه قوهٔ مشابّه این قوه کشف و ایجاد شود قرون کثیره لازم است پس بهتر آنست که در استعمال این قوه قصوری نشود ولکن دائماً متفکّر در آن باشند که بلکه قوهٔ اعظم از آن بدست آید و هم چنین قیاس نمائید سایر فنون و معارف و صنایع و قضیّات مثبت الفوائد عالم سیاسی را که در قرونهای عدیده مکرراً تجربه شده و بجهت عزّت و عظمت دولت و آسایش و ترقّی ملّت منافع و فواید و محسّنات کلّیه اش ثابت و مبرهن گشته حال آن را بدون سبب و داعی ترک نموده بنوع دیگر در صدد اصلاحات کوشیده شود تا آن اصلاحات از حیّز قوه بوجود آید و فواید و منافعش ثابت و مبرهن گردد سالها بگذرد و عمرها بسر آید و ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم.

[۲۴۲]

(حضرت عبدالبهاء، رسالهٔ مدنیّه)

درین دور بدیع اساس متین تمهید تعلیم فنون و معارفست و بنصّ صریح باید جمیع اطفال بقدر لزوم تحصیل فنون نمایند لهذا باید در هر شهری و قریهٔی مدارس و مکاتب تأسیس گردد و جمیع اطفال بقدر لزوم در شهر و لزوم در قریه در تحصیل بکوشند.

[۲۴۳]

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شمارهٔ ۱۰۹)

روزی فرا خواهد رسید که روح و تعالیم بهائی در روی صحنه و کلاً در آثار هنری و ادبی عرضه خواهد شد و امر الله چون آتشی فروزان منتشر خواهد گشت. هنر، خصوصاً در میان تودهٔ مردم، بهتر از استدالات خشک قادر به بیدار کردن احساسات لطیف است.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۱۰ اکتبر ۱۹۳۲ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از

[۲۴۴]

احبّاء)

در مورد مجلّه، هیکل مبارک ... پیشنهاد می‌فرمایند که بر ازدیاد تعداد و کیفیّت مقالات تأکید بیشتری شود و مقالات فقط در بارهٔ موضوعات خاصّ بهائی نوشته نشود بلکه مطالب متنوّعی اعمّ از اجتماعی، دینی یا نوع دوستی را نیز در بر گیرد. قسمت علمی آن بدون شک خیلی مهمّ است و جاذبهٔ خاصّی برای جوانان و تازه‌تصدیقان دارد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۳۰ مه ۱۹۳۵ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۲۴۵]

وحدت نوع بشر آنچنان که مورد نظر حضرت بهاءالله می‌باشد مستلزم تشکیل یک جامعه مشترک المنافع جهانی است که در آن تمام ملّت‌ها، نژادها، ادیان، و طبقات به اتحادی محکم و پایدار نائل آیند و در عین حال خودمختاری دول عضو و آزادی فردی و ابتکارات افرادی که آن جامعه را تشکیل می‌دهند تماماً و قطعاً محفوظ ماند... تحت چنین نظامی، مطبوعات در حالی که میدان را برای تجلّی دیدگاه‌ها و عقاید متنوّعه بشر کاملاً باز می‌گذارند، مورد سوء استفاده مزورانه صاحبان غرض چه شخصی و چه عمومی قرار نگرفته و از اعمال نفوذ دول و ملل متنازعه رهایی می‌یابند.

(توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶ حضرت شوقی افندی) [۲۴۶]

آراسته به این صفت متعالی و متّصف به خضوع و خشوع، جوانان این دوران باید با پی‌گیری و استقامت و سرشار از روحیه خدمت عاشقانه، در صف مقدّم امور شغلی و تجاری، صنایع، هنرها و فنون لازم برای پیشرفت و ترقی نوع بشر حرکت نمایند تا مطمئن شوند که روح امر الهی بر جمیع مجهودات مهمّ بشری پرتو خواهد افکند. به علاوه، در عین حال که در مفاهیم وحدت‌آفرین و پیشبرد سریع علوم و تکنولوژی این عصر ارتباطات تبخّر می‌یابند، می‌توانند، بل به راستی موظّفند، که مهارت‌ها و فنی را که حافظ دست‌آوردهای حیرت‌بخش و حیاتی گذشته است قطعاً به آیندگان انتقال دهند.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۸ مه ۱۹۸۵ بیت العدل اعظم خطاب به جوانان بهائی در جهان) [۲۴۷]

پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی حاصله در این قرن فوق‌العاده خجسته دلالت بر جهش عظیمی در تکامل اجتماعی کره زمین دارد و ابزاری را ارائه می‌دهد که می‌تواند راه حلّی برای مشکلات عملی نوع بشر فراهم آورد. این پیشرفت‌ها برآستی وسایل لازم برای اداره زندگی پیچیده یک دنیای متحد را فراهم می‌سازند. با این حال هنوز موانع بسیاری وجود دارد. شک و تردید، برداشت‌های غلط، تعصّبات، بدگمانی‌ها و خودخواهی‌های کوتاه‌نظرانه، بر روابط بین ملل و اقوام سایه افکنده‌اند.

(ترجمه‌ای از بیانیه مورّخ اکتبر ۱۹۸۵ بیت العدل اعظم خطاب به مردم جهان، وعده صلح جهانی) [۲۴۸]

لازم است در نظر داشته باشیم که اینترنت انعکاسی است از دنیای اطراف ما و در صفحات بی‌شمار آن همان نیروهای رقابت‌کننده تألیف و تحلیلی را می‌یابیم که شاخص آشوبی است که نوع بشر گرفتار آن است.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۹ آوریل ۲۰۰۸ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) [۲۴۹]

قابلیت مؤسسات و نهادهای امر الله برای ایجاد وحدت فکر در جوامع خود، حفظ تمرکز دوستان، جهت بخشیدن به قوای آنان در راه خدمت به امر الله، و ترویج مجهودات سیستماتیک، تا حدّی به این بستگی دارد که سیستم‌ها و ابزار مورد استفاده آن مؤسسات به چه میزان پاسخگوی واقعیت یعنی نیازها و خواسته‌های جوامع محلی هستند که به آن خدمت می‌کنند و اجتماعی که در آن فعالیت دارند.

در این رابطه مقرر فرمودند این نکته را متذکّر شویم که استفاده ... از تکنولوژی برای توسعه سیستم‌ها و ابزارهای مؤثر البته ضروری خواهد بود؛ ولی نمی‌توان اجازه داد که [تکنولوژی] نیازها را مشخص و عمل را تعیین نماید.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۳۰ مارس ۲۰۱۱ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل

[۲۵۰] روحانی ملّی)

شکّی نیست که تکنولوژی مدرن می‌تواند ابزار ارزشمندی در مشروع عظیم بنای یک تمدّن جهانی مرقّه باشد. اما شما به عنوان فردی متعهد به عمران و آبادی روستایی، مطمئنّاً نسبت به نیروهای بالقوّه مخربّی که با به کار گیری نسنجیده تکنولوژی، به اسم تجدد و جهانی شدن، رها می‌شود آگاهی دارید. مثلاً معرفّی شیوّه کشاورزی کشت تک‌گونه‌ای (monoculture) در مناطق روستایی به منظور افزایش محصول و کارایی خرده‌مالکین، در بعضی موارد در واقع به قیمت از دست رفتن اراضی آنها تمام شده است؛ حتّی اگر مزیتی در حرکت به سوی شیوّه‌های کشاورزی مدرن مآلاً وجود داشته باشد، نمی‌توان احتمال هزینه سنگین آلام انسانی آن را نادیده گرفت، هزینه‌ای که با تغییری در رویکرد می‌توان آن را کاهش داد. بیان مذکور در نامه، اشاره‌ای به این گرایش‌های منفی بود نه مردود شمردن کلی توسعه و پیشرفت تکنولوژیکی که در تعلیم بهائی مورد تأیید است....

بهائینی که در پروژه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی اشتغال دارند به این نکته آگاهند که در راه استفاده از تکنولوژی هم فوائد و هم خطراتی موجود است. بنا بر این سؤال مهمّ این نیست که آیا باید از تکنولوژی استفاده نشود بلکه این است که چگونه باید از آن استفاده شود. رویکردهای توسعه متمرکز بر اهدای کالا و خدمات که از خصوصیات مؤسّسات خیریه مذهبی سنتی با نیت نیک و برنامه‌های رفاه اجتماعی دولتی‌اند، اثرات تضعیف‌کننده شناخته شده‌ای دارند. فریبندهای اولیه تکنولوژی‌های نویددهنده اغلب زودگذر است. عبارت "تکنولوژی با بسته‌بندی فریبنده" به این پدیده اشاره دارد. امید چنان است که دوستانی که در زمینه توسعه فعالیت دارند مسائل مرتبط به تکنولوژی و نیروهای اجتماعی مربوطه را خواهند سنجید و بهره‌مندی از درک عمیقی، هم از علم و هم از دین، را ممکن خواهند ساخت تا بتوانند به ارائه رویکردی صحیح کمک کنند که از افراط در اتّکای کورکورانه به مادّی‌گرایی و وابستگی خیال‌پرورانه به سنت اجتناب می‌نماید.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۳۰ دسامبر ۲۰۱۴ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء) [۲۵۱]

همان طور که مطلّعبید پیشبرد تکنولوژی بخش جدایی‌ناپذیری از ظهور یک تمدّن جهانی است. اینترنت برآستی تجلّی پیشرفتی است که حضرت ولیّ‌امرالّله وقوع آن را در نامه‌ای به زبان انگلیسی ضمن توصیف خصوصیات اتّحاد بشری پیش‌بینی فرموده‌اند که "یک سیستم مخابرات و ارتباطات جهانی ابداع گردد که با سرعتی حیرت‌انگیز و نظم کامل به کار افتاده، فارغ از موانع و قیود ملّی جمیع کره ارض را در بر گیرد." اما یادگیری استفاده از اینترنت چون عاملی مؤثر در راه پیشرفت مادّی و معنوی، چالشی است بس عظیم.

... اما با توجّه به اینکه اینترنت انتشار آنی و فوری مطالب بین توده کثیری از مردم را فراهم می‌سازد، استفاده از آن مستلزم رعایت حکمت و انضباط شخصی است تا مبدا نحوه نامناسب، سبک و نادرست ارائه مطالب به اهمّیت و اعتبار تعلیم مبارکه لطمه‌ای وارد سازد....

... به عنوان مثال اگرچه تأمل در باره ماهیت و نحوه فعالیت‌های اصلی نقشه، به ویژه در بستر تجربیات یک محدوده جغرافیایی یا یک منطقه می‌تواند مفید باشد ولی تأسیس وب‌سایتی که در این مواضع مخاطبش بهائیان جهان باشد مشکلات خاصّی ایجاد می‌نماید. چنین رویکردی ممکن است منجر به ترویج معیارها و ارزش‌های فرهنگی یک گروه خاص در سطح جهانی شود — الگویی که امروزه در جهان بسیار مرسوم است. خطر دیگر، اعمال نفوذی ناخواسته در فرایند یادگیری در سطح توده مردم می‌باشد، فرایندی که افراد و جوامع و مؤسّسات پیشروان اصلی رشد و توسعه آن می‌باشند. دیدگاه ذیل مندرج

در پیام ۱۲ دسامبر ۲۰۱۱ بیت العدل اعظم خطاب به تمام محافل روحانی ملّی — گرچه در زمینه خاصّ مجهودات هنری و مطالب آموزشی تکمیلی است — ولی ارتباط نزدیکی با ابعاد فرهنگی فوق‌الذکر دارد:

اهل عالم را می‌توان چنین مشاهده نمود که تحت تأثیر نیروهایی که در درون و برون جامعه بهائی به وجود آمده است از جهات مختلف به هم نزدیک‌تر شده به سوی آنچه مآلاً یک تمدّن جهانی خواهد بود در حرکت‌اند، تمدّنی چنان شکوهمند که تصوّر آن امروز غیر ممکن است. با شتاب گرفتن این حرکت مرکزگرایی جمعیت‌های بشری در سراسر عالم، عناصری که در هر یک از فرهنگ‌ها با تعالیم امر الهی سازگاری ندارد به تدریج زائل خواهد شد و عناصر دیگری قوّت خواهد گرفت. به همین منوال، با بروز الگوهای فکر و عمل — بعضی از طریق هنر و ادب — از طرف مردمانی از هر گروه و ملّت که ملهم از تعالیم حضرت بهاءالله هستند، عناصر فرهنگی جدیدی به مرور زمان تکامل خواهد یافت.... با اشتیاق فراوان امیدواریم که به عنوان مثال سرودها و ترانه‌هایی جذّاب به همه زبان‌ها در اطراف و اکناف عالم تهیّه و تنظیم شود، سرودهایی که بتواند مفاهیم عمیق مندرج در تعالیم بهائی را در آگاهی خردسالان و نوجوانان تسّری دهد. ولی اگر احبّای عزیز، هرچند ناآگاهانه، از الگوهای رایج در جهان پیروی کنند که در آن به دارندگان منابع مالی اجازه داده می‌شود که دیدگاه فرهنگی خویش را بر دیگران تحمیل نمایند و موادّ و محصولات خود را با سیلی از تبلیغات شدید ترویج کنند، هرگز یک چنین شکوفایی اندیشه‌های خلاق تحقّق نخواهد یافت.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۹ اکتبر ۲۰۱۵ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل

[۲۵۲]

روحانی ملّی)

یکی از مهم‌ترین ترقّیاتی که نشان‌دهنده بسط نقشه ملکوتی در این ایّام است پیشرفت‌هایی در فرهنگ جامعه بهائی می‌باشد که بیت العدل اعظم در چندین پیام خود به آن اشاره فرموده‌اند. این پیشرفت‌ها درخور تفکر و تأمل عمیق است. هر مؤمن مخلص مطمئناً آرزومند حفظ و ترویج این توفیقات است. بنا بر این دوستان باید به شیوه ارتباطات خود که می‌تواند اثرات زیادی بر فرهنگ جامعه داشته باشد توجّه نمایند. دوستان عزیز باید بیداری وجدان را افزایش دهند بدون اینکه نفس امّاره را بیدار کنند، بینش و بصیرت را انتشار دهند بدون اینکه حسّ شهرت‌طلبی را پرورش دهند، مسائل را عمیقاً بررسی نمایند ولی از مجادله پرهیز کنند، در گفتار صراحت داشته باشند ولی خود را به بی‌نزاکتی‌های متداول در گفتمان‌های عمومی تنزّل ندهند، از برنامه‌ریزی عمدی یا غیر عمدی برای جامعه اجتناب نمایند، و مراقب باشند مجهودات جامعه را به منظور جلب رضایت اجتماع با اصطلاحاتی ابراز ندارند که می‌تواند نفس آن مجهودات را تضعیف نماید.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۴ آوریل ۲۰۱۸ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل

[۲۵۳]

روحانی ملّی)

[یادداشت‌ها]

- ۱ ← به عنوان مثال: یحیی نام عربی John the Baptist (یحیی تعمید دهنده) است که به او لقب “حَصَوْر” (پاک‌دامن) داده شد. نگاه کنید به قرآن ۳:۳۹.
- ۲ ← اولین اصلی که در این مکتوب به آن اشاره شده آنست که “آثار حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی‌امرالله ملهم از روح ظهور حضرت بهاءالله می‌باشد و ارتباط نزدیکی با تعالیم حضرت بهاءالله دارد.” نگاه کنید به پیام‌های بیت العدل اعظم، ۱۹۸۶-۲۰۰۱، *the Fourth Epoch of the Formative Age* (ویلیمت: مؤسسه مطبوعات بهائی، ۲۰۰۹)، فقرات ۲۰۱.۱۱-۲۰۱.۹.
- ۳ ← اقدام اجتماعی (Social Action): سندی تهیه شده توسط دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی در مرکز جهانی بهائی، ۲۶ نوامبر ۲۰۱۲.
- ۴ ← قرآن ۵۱:۲۲.
- ۵ ← قرآن ۳۹:۱۲.
- ۶ ← “The World Economy of Bahá'u'lláh” (اقتصاد جهانی حضرت بهاءالله)، نوشته هوراس هالی (Horace Holley)، نقل در *The Bahá'í World* (عالم بهائی)، ج ۴، ۱۹۳۰-۱۹۳۲ (نیویورک، لجنة مطبوعات بهائی، ۱۹۳۳)، صص ۳۶۷-۳۵۱.